

# آتش آذربایجان

## قبل از ظہور

مصطفیٰ امیری





# آتش آذربایجان قبل از ظهور

نویسنده:  
مصطفی امیری

## آتش آذربایجان قبل از ظهور

نویسنده: مصطفی امیری  
ناشر: انتشارات کتاب جمکران  
نوبت چاپ: دوم، بهار ۱۴۰۱  
چاپ: خانه چاپ جمکران  
شمارگان: ۱۰۰۰  
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان  
مدیریت بازرگانی: ۰۹۱۲۱۵۱۸۱۴۹  
بازرگانی کتاب جمکران: ۰۹۱۹۲۵۵۲۰۳۰

سرشناسه: امیری، مصطفی، ۱۳۶۱-  
عنوان و نام پدیدآور: آتش آذربایجان قبل از ظهور / مصطفی امیری.  
مشخصات نشر: قم: کتاب جمکران، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۹۳ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.  
شابک: ۶-۷۲۵-۹۷۳-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۰ - ۹۳].  
موضوع: مهدویت  
موضوع: Mahdism  
موضوع: فتن و ملاحم  
موضوع: \*Seditions and riots  
موضوع: آذربایجان (جمهوری) -- تاریخ -- قرن ۲۱م.  
موضوع: Azerbaijan (Republic) -- History -- ۲۱st century  
رده بندی کنگره: BP۲۲۴  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۶۳۲۱  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

ketabejamkaran.ir  
jamkaran.ir

دفتر مرکزی پژوهش و نشر: قم، خیابان  
شهید فاطمی، کوچه ۲۸، پلاک ۶  
انتشارات کتاب جمکران، تلفن تماس:  
۲۷۱۵۶۶۶۴۴۳، کدپستی: ۲۵۳۷۷۳۲۲۱۲



@ketabejamkaran  
t.me/ketabejamkaran

## ۶۶ فهرست

مقدمه ..... ۹

### ۶۶

#### پرونده ویژه: آذربایجان در تاریخ و آینده (۱۳)

- آذربایجان، مهد دلیران ..... ۱۳
- خطه آذربایجان، حامیان امام حسین علیه السلام ..... ۱۴
- سرخ رویان ایرانی از زمینه سازان ظهور ..... ۱۵
- نائبان امام مهدی در منطقه آذربایجان ..... ۱۶
- یاران امام مهدی از منطقه آذربایجان ..... ۱۷
- سناریوی آخرالزمانی «آتش آذربایجان» پیش از ظهور ..... ۱۸
- طرح مسئله ..... ۱۹
- اهمیت و ضرورت پژوهش ..... ۲۰
- پیشینه پژوهش ..... ۲۱

### ۶۶

#### پازل ظهور (۲۱)

- حوادث جغرافیای ظهور، قطعه‌های مختلف پازل ..... ۲۱
- ضرورت عدم غفلت از برنامه ریزی دشمن قبل از ظهور ..... ۲۵

- دیدبانی حوادث کشورهای تأثیرگذار و نقش آفرین در عصر ظهور ..... ۲۶  
 نسخه‌شناسی گزاره «آتش آذربایجان» پیش از ظهور ..... ۲۷  
 اعتبارسنجی «سندی» آتش آذربایجان ..... ۲۹



### اعتبارسنجی «محتوایی» جنگ آذربایجان (۳۱)

- آتش آذربایجان: جنگ ..... ۳۱  
 چرایی تعبیر نار (آتش) آذربایجان ..... ۳۲  
 محدوده جغرافیایی آذربایجان ..... ۳۴  
 نقشه سرزمین تاریخی آذربایجان ..... ۳۵  
 جنگ آذربایجان: نشانه حتمی قطعی الوقوع ..... ۳۶  
 بی‌نتیجه بودن تلاش‌های بین‌المللی ..... ۳۹  
 عدم مداخله نظامی مستقیم در جنگ آذربایجان ..... ۴۱  
 تأکید مجدد و هشدار بر عدم مشارکت نظامی در جنگ آذربایجان ..... ۴۳  
 اوج اقتدار و آمادگی نظامی قبل از ظهور ..... ۴۴  
 ظهور امام عصر، منجی موعود ..... ۴۷  
 اقوال مختلف در گزاره آتش آذربایجان قبل از ظهور ..... ۴۸



### دیدگاه اول: قیام آذربایجان در حمایت از حکومت زمینه‌ساز (۴۸)

- اختلاف داخلی ایران در سال ظهور ..... ۵۰  
 قیام مردمی از آذربایجان در تأیید حکومت زمینه‌ساز ایران ..... ۵۰  
 ابهامات و سؤالات ..... ۵۲



### دیدگاه دوم: آتش آذربایجان و شعله‌های آغاز جنگ جهانی قبل ظهور (۵۳)

- حوادث فتنه شام و هرج الروم ..... ۵۴  
 جنگ قرقیسیا در شرق سوریه ..... ۵۵  
 اختلاف ترک‌ها با غربی‌ها ..... ۵۶

- ۵۸..... جنگ بلوک شرق و غرب: هرج و مرج جهانی  
 ۵۹..... ماه صفر، آغاز جنگ‌های قبل از ظهور  
 ۶۰..... عوامل جنگ جهانی قبل از ظهور  
 ۶۱..... مرگ سرخ و مرگ سفید  
 ۶۳..... یهود صهیونیسم در فلسطین و آرامش قبل از طوفان  
 ۶۴..... سنت الهی، اضمحلال جبهه استکبار قبل از ظهور  
 ۶۵..... آتش آذربایجان و تضعیف جبهه باطل



دیدگاه سوم: نقشه حمله به ایران از سوی همسایگان شمال غربی (۶۶)

- ۶۷..... تحرکات دشمن از مرزهای شمالی ایران  
 ۶۸..... نقشه حمله به تهران  
 ۶۹..... حمله نظامی به ایران  
 ۷۰..... تردید جدی در ادله حمله به ایران  
 ۷۳..... جمع‌بندی



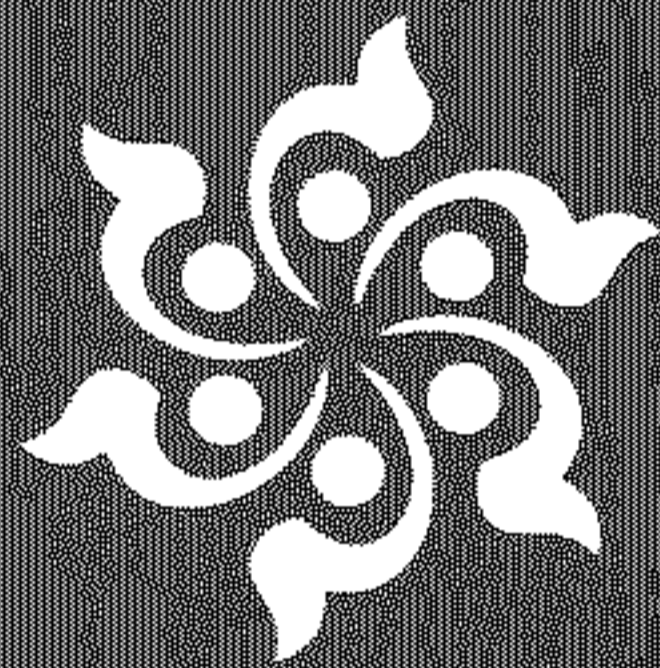
جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی (۷۵)

- ۷۷..... ولد عباس: مخالف مذهب شیعه  
 ۷۹..... ائتلاف نظامی «اخوان الترمک» و «ولد عباس» در جنگ آذربایجان  
 ۸۰..... رایات سود، حق یا باطل  
 ۸۱..... جنگ ایران و ترکیه در آخرالزمان  
 ۸۲..... دیپلماسی مواجهه با فتنه «اخوان الترمک» در جغرافیای ظهور  
 ۸۴..... سناریوی جنگ در همسایگان شمالی و تأثیر آن بر امنیت ایران قبل از ظهور  
 ۸۶..... جنگ امام مهدی عج با «اخوان الترمک» بعد از ظهور



خاتمه (۸۷)

کتابنامه (۹۱)





## مقدمه

در این کتاب، گزاره «آتش جنگ آذربایجان پیش از ظهور» در میراث «آینده‌پژوهی مهدوی» از آوردگاه حدیثی، اعتبارسنجی سندی و محتوایی خواهد گردید. و صدالبته به دلیل مناقشه قره‌باغ و جنگ آذربایجان با ارمنستان و نیز تنش نظامی روسیه با ناتو و اوکراین<sup>۱</sup>، اهمیت و ضرورت بررسی و تحلیل آینده بحران قفقاز و گزاره آتش آذربایجان پیش از ظهور<sup>۲</sup> دوچندان می‌شود؛ زیرا دیده‌بانی سیاسی و نظامی «کشورهای نقش‌آفرین و حادثه‌خیز» در هربره‌ای از زمان، اهمیت استراتژیک و آینده‌پژوهانه دارد. ناگفته پیداست اگر عصر، عصر ظهور باشد<sup>۳</sup> مؤمنان هر لحظه باید مختصات خویش را با شرایط ظهور بسنجند. ضمن اینکه استراتژی «محور مقاومت شیعی» در رویارویی با فتنه‌ها و جنگ‌ها

۱. در ادامه بیان خواهد شد محدوده «آذربایجان تاریخی» از شمال غربی ایران تا قلب قفقاز و مرزهای امپراتوری روم شرقی و سواحل دریای سیاه (بحرالقرم) امتداد داشته است.

۲. زمان وقوع آن در علم الهی محفوظ است.

۳. به فرموده امام خمینی: «امید است این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین باشد» (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱)؛ «و جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه» (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۰-۴۸۱).

و دسیسه‌های دشمنان پیش از ظهور، در «اوج آمادگی و اقتدار نظامی» قلمداد شده است؛ زیرا دشمنان و جبهه باطل پیش از ظهور، بیکار ننشسته و با ایجاد فتنه‌ها و جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی علیه جبهه حق دسیسه‌چینی می‌کنند. از این رو شایسته است «حوادث پیرامونی» در محدوده جغرافیایی کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور، با تأکید بر رویدادهای تأثیرگذار در آینده، رصد شود تا «جامعه منتظر» برای مقابله با آن‌ها آماده گردد<sup>۱</sup> و «حکومت زمینه‌ساز» را درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان هشیار و آگاه سازد.<sup>۲</sup>

مخاطبین محترم، توجه داشته باشند در طول تاریخ در منطقه «بلاد آذربایجان» جنگ‌های متعددی رخ داده است و هر جنگی الزاماً به معنای وقوع رویدادهای منتهی به ظهور نیست. با عنایت به اینکه اگر استادان دانشگاه بخواهند «سناریوی جنگ آذربایجان در عصر ظهور» را در آینده ترسیم کنند، به چه نتایجی خواهند رسید؟ سپس نتیجه «تحلیل سیاسی» با سناریوی «آینده‌پژوهی مهدوی» مقایسه و نقاط اشتراک و افتراق نیز نمایان شود. در واقع پرسش اساسی این است: آیا جنگ آذربایجان پیش از ظهور - که محدوده جغرافیای وسیعی از شمال غربی ایران تا سواحل بحرالقرم (دریای سیاه) را شامل می‌شود - به شعله‌های آغاز جنگ جهانی اشاره دارد یا در واقع تلمیحی به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی است یا با نگاه خوش بینانه به جبهه استکبار و قدرت‌های فرامنطقه‌ای که هزاران کیلومتر دورتر از محل مناقشه هستند، در نهایت طرف‌های درگیر در جنگ آذربایجان پیش از ظهور به صلح و

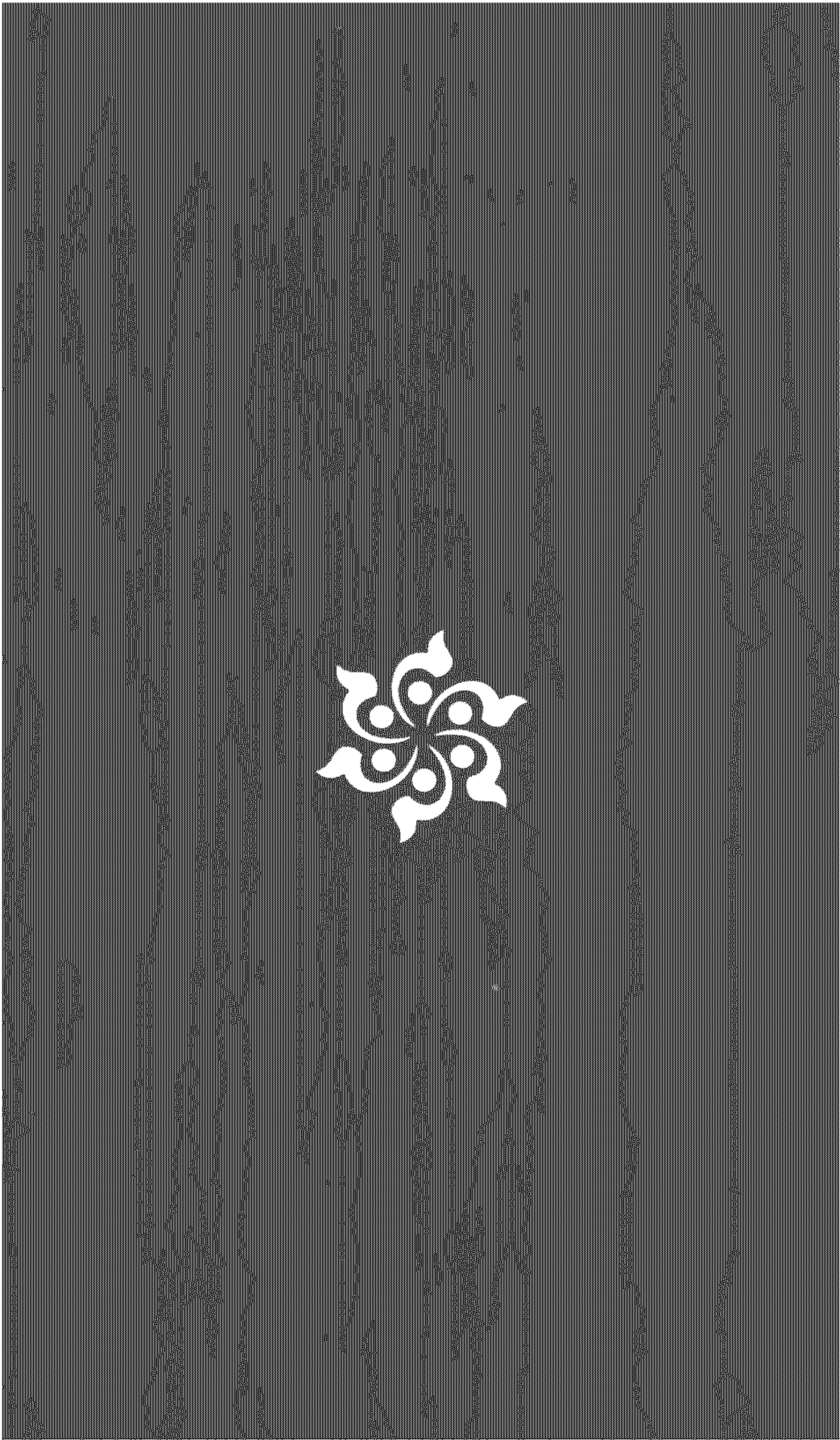
۱. قربانی، «تأملات آینده‌پژوهانه در آرمان‌شهر مهدوی»، فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱.

۲. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.

آرامش رضایت خواهند داد؟ استادان دانشگاه و متخصصان علم آینده‌پژوهی، مخاطب اصلی این پرسش هستند.

در این کتاب، علاوه بر بررسی سناریوی آخرالزمانی «آتش آذربایجان پیش از ظهور»، به مناسبت از حوادث «جنگ جهانی پیش از ظهور»، اختلاف «اخوان الترق با غربی‌ها» و نیز حوادث «ایران» به ویژه «تهران» در عصر ظهور سخن به میان آمده است. هرچند کتاب پیش‌رو برای مخاطب عموم تدوین شده، اما با توجه به رعایت قواعد پژوهشی و استانداردهای علمی، برای جامعه نخبگان و اساتید دانشگاه نیز قابل استفاده است.

مصطفی امیری، ۱۳۹۹



## پرونده ویژه: آذربایجان در تاریخ و آینده

► آذربایجان، مهد دلیران

آذربایجان، منطقه‌ای عالم خیز است و در طول تاریخ تشیع علمای تبریز، خوی، اردبیل، لنکران و بادکوبه بر تارک آسمان شیعه درخشیده‌اند.<sup>۱</sup> حتی سلطه هفتاد ساله کمونیست و سیاست ضد مذهبی که آنان در پیش گرفتند، نتوانست ارادت مردم منطقه را به مکتب اهل بیت زایل نماید و این مردم عزیز و شریف پایداری خود را در مسیر اسلام و مقاومت در برابر مستکبران و صهیونیسم و قدرت‌های فاسد نشان داده‌اند. و سخنی به مبالغه نیست اگر بگوییم شیعیان آذربایجان، جزء پرچمداران «تشیع علوی، حسینی و مهدوی» در ایران به شمار می‌روند و این سرزمین جایگاه خیزش شیعیان دل‌سوخته اهل بیت در دوره‌های مختلف بوده است.

---

۱. رک: الوان‌ساز خوبی، گلشن ابرار آذربایجان، دوره سه جلدی (در این کتاب بیش از سیصد تن از عالمان و اسوه‌های تشیع در منطقه آذربایجان معرفی شده است).

► خطه آذربایجان، حامیان امام حسین علیه السلام

ایرانیان در سپاه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا حضور چشم‌گیری داشته‌اند. مورخان تعداد موالی را بیش از ده نفر برشمردند.<sup>۱</sup> از جمله «اسلم بن عمرو» ایرانی تُرک‌تباراً و سرخ‌روی که این شعر معروف «أَمِيرِي حُسَيْنٌ وَنِعَمَ الْأَمِيرِ» را سروده است.<sup>۲</sup>

در قیام مختار ثقفی که به خونخواهی امام حسین علیه السلام شهرت یافت نیز، شیعیان آذربایجان جزء پیشگامان این انقلاب شیعی بودند. مختار به وسیله مردم ایران از جمله شیعیان «آذربایجان» تقویت مالی شد<sup>۳</sup> و حتی در سپاه او تعداد زیادی از «موالی ایرانی» و «سرخ‌رویان ایرانی» حضور داشتند.<sup>۴</sup> البته پیش از آن نیز محبان ایرانی امام علی علیه السلام با هجرت عاشقانه، گردآوردی جمع بودند؛ به گونه‌ای که حضور «سرخ‌رویان ایرانی» حتی گاهی مورد اعتراض «اشراف عرب» نیز قرار می‌گرفت.<sup>۵</sup> حضور پرشمار ایرانیان در سپاه مختار بعد از شهادت امام حسین علیه السلام نیز تکرار شد و یکی از عوامل پیروزی‌های مختار، استفاده وی از قدرت ایرانیان در مبارزه بود.

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۱۱۳.

۲. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۹، ص ۳۲۶.

۳. السماوی، إِبْصَارُ الْعَيْنِ فِي أَنْصَارِ الْحُسَيْنِ، ص ۹۵-۹۶. البته اقوال دیگری در انتساب این شعر حماسی مطرح است (ری شهری، شهادت‌نامه امام حسین، ج ۲، ص ۱۴۶؛ پیشوایی، تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء، ج ۲، ص ۶۹۸).

۴. «إِنَّ الْمُخْتَارَ... الظَّلْبُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ... وَ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنْ أَبْنَاءِ الْعَجَمِ... كَانُوا يُسَمَّوْنَ الْحُمَرَاءَ» (ابن قتیبه دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۸۸).

۵. «المختار... تجبى إليه الأموال من السواد و الجبل و أصبهان و الري و اذربيجان» (ابن قتیبه دینوری، الأخبار الطوال، ص ۲۹۹).

۶. «جَاءَ الْأَشْعَثُ فَجَعَلَ يَتَخَطَّى النَّاسَ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَلَبْنَا هَذِهِ الْحُمَرَاءَ عَلَى قُرْبِكَ يَغْنِي الْعَجَمُ» (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۸۴).

### ► سرخ رویان ایرانی از زمینه سازان ظهور

تشیع در سه دوره متفاوت، «هم پیمانی ایرانیان با تشیع عراقی» را تجربه کرده است؛ حضور پر شمار ایرانیان در گردآگرد امام علی علیه السلام، یاری مختار در خونخواهی امام حسین علیه السلام و سرانجام، این واقعه قبل از ظهور نیز تکرار خواهد شد<sup>۱</sup> و شیعیان ایرانی زمینه ساز با مشارکت محور مقاومت شیعی عراق، جریان سفیانی را (که حمایت مثلث شوم غربی - عبری - عربی را با خود به همراه دارد) در سرزمین عراق شکست سختی خواهند داد؛ زیرا با تهدید اماکن و مراکز مقدس شیعی از سوی لشکر متخاصم خارجی، امنیت و ژئوپلیتیک شیعه به خطر افتاده است. از این رو، دلیر مردان ایرانی و زمینه سازان ظهور برای دفع خطر دشمن متجاوز که تا نزدیکی مرزهای ایران نیز پیش روی نظامی داشته اند، وارد عراق خواهند شد و جنگ شدیدی رخ می دهد.<sup>۲</sup> در نهایت لشکر نظامی ایران<sup>۳</sup> با همکاری محور مقاومت شیعی<sup>۴</sup> (به رهبری

۱. در «موسم اربعین» که حلقه اتصال عاشورا و مهدویت است نیز، شاهد هم پیمانی ایرانیان با تشیع عراقی هستیم و البته این امر از دیرباز رایج بوده است؛ زیرا عطیه که نام وی را امام علی بر او نهاده بود: «هذا عطية الله» (قمی، سفینه البحار، ج ۶، ص ۲۹۶) و سال ها در ایران زندگی می کرده است (ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۳۰۵) از اولین زائران امام حسین به شمار می رود و به نوعی این افتخار نیز نصیب ایرانیان شده است که «اولین زائر» اربعین امام حسین از مردم، شیعه ساکن ایران به همراه جابر صحابی پیامبر بوده است.

۲. «فَتَكُونُ بَيْنَهُمْ مَلْحَمَةٌ عَظِيمَةٌ... وَ تَهْرَبُ خَيْلُ الشُّفْيَانِيِّ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَتَمَتَّى النَّاسُ الْمَهْدِي وَيَطْلُبُونَهُ» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸).

۳. «يَبْعَثُ الشُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَعِدَّتُهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صُلْبًا وَ سَبِيًّا فَبَيْنَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَايَاتٌ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ وَ تَنْظُرِي الْمُنَازِلَ طَيًّا حَيْثِيًّا وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۴. «الشُّفْيَانِيُّ... وَ يَبْعَثُ مِائَةً وَ ثَلَاثِينَ أَلْفًا إِلَى الْكُوفَةِ» (حلی، مختصر البصائر، ص ۴۷۰. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸۳)؛ «فَبَيْنَمَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ خَيْلُ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَّاسَانِيِّ» (نیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۵۲-۵۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳-۲۷۴).

سید خراسانی و یمانی) دشمن متجاوز را در عراق شکست خواهد داد.<sup>۱</sup>

### ► نایبان امام مهدی در منطقه آذربایجان

طبق گزارش‌های کهن، شیعیان آذربایجان از دیرباز در انتظار ظهور «مهدی موعود» بوده<sup>۲</sup> و جزء پرچم‌داران «تشیع علوی، حسینی و مهدوی» در ایران به‌شمار می‌رفته‌اند.<sup>۳</sup> حضور نایبان و وکلای امام مهدی تحت پوشش «سازمان وکالت» در خطه آذربایجان، شاهی برای مدعاست. از مشهورترین آن‌ها احمد دینوری، وکیل امام مهدی در منطقه اردبیل<sup>۴</sup> و قاسم بن علاء ساکن ناحیه آذربایجان،<sup>۵</sup>

۱. «يَدْخُلُ الشُّفِيَانِي الكُوفَةَ... وَ تُقْبَلُ الرِّايَاتُ الشُّوْدُ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَى الْمَاءِ فَيَبْلُغُ مَنْ بِالكُوفَةِ مِنْ أَصْحَابِ الشُّفِيَانِي نُزُوحَهُمْ فَيَهْرَبُونَ... وَ تُبْعَثُ الرِّايَاتُ الشُّوْدُ بِالبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ» (سيوطي، المعروف الوردی، ص ۱۲۰-۱۲۱) اما در روایت تفسیر عیاشی، به ساحل دجله در عراق ذکر شده است: «وَ يَقْبَلُ رَايَةً مِنْ خُرَاسَانَ حَتَّى يَنْزِلَ سَاحِلَ الدِّجْلَةِ» (عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۴)؛ «تَهْرَبُ حَيْلُ الشُّفِيَانِي» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۸۸)؛ «إِذَا هَزَمَتِ الرِّايَاتُ الشُّوْدُ حَيْلَ الشُّفِيَانِي... تَمَّتْ النَّاسِ الْمَهْدِي فَيَطْلُبُونَهُ» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰)؛ «الشُّفِيَانِي... فَيَبْعَثُ جَيْشاً إِلَى الْعِرَاقِ... عِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ رَايَةٌ مِنَ الْمَشْرِقِ... فَيَسْتَنْقِذُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ سَبِي أَهْلِ الكُوفَةِ وَ يَقْتُلُهُمْ» (دانی، السنن الواردة فی الفتن، ص ۲۶۸)؛ در تفسیر مجمع‌البیان نیز به شکست لشکر نظامی سفیانی تصریح شده است: «الشُّفِيَانِي... فَيَبْعَثُ... جَيْشاً... حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمُتَلَعُونَ بِغَنِي بَغْدَادَ... ثُمَّ يَنْخَدِرُونَ إِلَى الكُوفَةِ فَيَخْرَبُونَ مَا حَوْلَهَا... فَتَخْرُجُ رَايَةٌ هُدًى مِنَ الكُوفَةِ فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ... وَ يَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبِي وَ الْقَنَائِمِ» (طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۸، ص ۳۲۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۶).

۲. گزارش‌های تاریخی بیانگر آن است از قرن چهارم، شیعیان اصیل منطقه «بَدَ» آذربایجان در جنوب رود ارس، با اعتقاد به ظهور امام مهدی عجل الله فرجه زندگی می‌کرده‌اند و بر آداب و تمایلات شیعی اصرار داشته‌اند: «یتوقعون المهدی» (خزرجی، الرسالة الثانية لأبي دلف، ص ۴۸؛ قزوینی، آثار البلا، ص ۵۱؛ حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۳۶۱).

۳. شاهمرادی، فرهنگ انتظار در تاریخ اجتماعی تشیع آذربایجان، فصلنامه مشرق موعود ش ۳۶، ص ۹۲.

۴. طبری، دلائل الإمامة، ج ۱، ص ۵۱۹.

۵. «القاسم بن العلاء بأذربيجان» (طوسی، الغيبة، ص ۲۷۶)؛ «بمَدِينَةِ الرَّانِ مِنْ أَرْضِ آذَرْبَايجَانَ» (طوسی، الغيبة، ص ۳۱۰).



وکیل و نائب امام عصر در دوران غیبت صغراست. داستان عجیب و شگفت آور قاسم بن علاء آذربایجانی و دعای طلب فرزند از امام مهدی، خود قصه‌ای پرغصه همراه با بیم و امید است. وی صد و هفده سال عمر کرد! هشتاد سال آن با سلامت چشم و بینایی و بقیه عمر را در نابینایی سپری نمود. در سال آخر عمر خویش، نامه‌ای از سوی ناحیه مقدسه دریافت می‌کند که ضمن اعلام روز رحلت او، هفت روز قبل از وفات به اذن الهی و به اعجاز امام عصر از کوری شفا خواهد یافت. این خبر در میان مردم مشهور شد و سرانجام با قلبی زنده و دیده‌ای بینا، دارفانی را وداع گفت. بدن رهبر شیعیان آذربایجان را غسل دادند و در پیراهن حضرت هادی علیه السلام کفن کردند و جامه‌هایی را که از سوی حضرت حجت برایش رسیده بود، بر او پوشاندند و دفن کردند. رحمة الله علیه!

### ► یاران امام مهدی از منطقه آذربایجان

این ارادات و محبت شیعیان آذربایجان به خاندان اهل بیت: که ریشه کهن و هزارساله دارد، تا عصر ظهور نیز امتداد خواهد داشت و در میراث روایی شیعی از تحرکات مردمی ترک‌ها در حمایت از آرمان امام مهدی علیه السلام در آستانه ظهور سخن به میان آمده است.<sup>۱</sup> طبق برخی احادیث، در هنگامه ظهور نیز افراد سرشناسی از اهالی آذربایجان<sup>۲</sup> در زمره یاران خاص امام عصر قرار دارند.<sup>۳</sup>

۱. طوسی، الغیبة، ص ۳۱۰-۳۱۵.

۲. «ظَهَرَتْ لِيَوْلَدِي، رَأَيْتُ التُّرْكَ» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۵).

۳. منطقه جابروان در آذربایجان شرقی (طبری، دلائل الإمامة، ص ۵۵۷)؛ منطقه قصور در آذربایجان غربی (ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۴۷).

۴. البته این احادیث که به وطن اصحاب امام مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند (صمدی، آخرین منجی، ص ۲۱۰-۲۱۱) از قوت سندی برخوردار نیستند و از نظر دلالتی نیز به معنای انحصار یاران امام مهدی در افراد نام برده شده نیست (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۸، ص ۳۷۲).

### سناریوی آخرالزمانی «آتش آذربایجان» پیش از ظهور

در این نوشتار، آینده‌پژوهی سناریوی «جنگ آذربایجان» و تأثیر آن بر امنیت ایران قبل از ظهور در میراث «آینده‌پژوهی مهدوی» از آوردگاه حدیثی، اعتبارسنجی خواهد شد و صدالبته به مناسبت مناقشه قره‌باغ در قفقاز و جنگ آذربایجان با ارمنستان و نیز تنش نظامی روسیه با ناتو و اوکراین، اهمیت و ضرورت بررسی گزاره آتش آذربایجان<sup>۱</sup> دوچندان می‌شود. پرسش اساسی این است: آیا گزاره «آتش جنگ آذربایجان» در میراث آینده‌پژوهی مهدوی، به شعله‌های آغاز جنگ جهانی اشاره دارد یا تلمیحی به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی است؟ با توجه به اختلاف نسخ، سه دیدگاه وجود دارد:

۱. قیام آذربایجان در حمایت از حکومت زمینه‌ساز،

۲. آتش آذربایجان و شعله‌های آغاز جنگ جهانی،

۳. نقشه حمله به ایران از سمت همسایگان شمال غربی.

نظر برگزیده این نوشتار، دیدگاه دوم است و ادله متعدد در سستی و ضعف دیدگاه اول و سوم بیان خواهد شد. در بررسی و فهم صحیح گزاره «آتش آذربایجان»، دو معیار مهم نقش‌آفرینی مخرب «اخوان‌الترک» و راستی‌آزمایی آن به همراه رصد «سلسله حوادث فتنه‌شام» قبل از اولین نشانه حتمی ظهور، حائز اهمیت است. آنچه از «آینده‌پژوهی مهدوی» مستفاد است، درگیری نظامی، آتش جنگ و فتنه (نار من آذربایجان) در آذربایجان تاریخی (زمان صدور نص) که تا مرزهای امپراتوری روم شرقی و سواحل دریای سیاه (بحرالقرم) امتداد دارد، قابل سرایت به سایر کشورها و تلاش‌های بین‌المللی برای توقف آن نیز کارساز نخواهد شد (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ) همچنین به دلیل اینکه ترک‌ها از عوامل اصلی دخیل در تخریب

۱. زمان وقوع آن در علم الهی محفوظ است.

آذربایجان هستند، قطعاً یکی از دلایل اختلاف غربی‌ها با ترک‌ها، حوادث منطقه آذربایجان خواهد بود. از سوی دیگر به قرینه اینکه در گزارش جنگ «ولد عباس با جوانان ارمنی و آذری» از کلیدواژه‌های مشترک با جنگ جهانی (قتل آلف آلف، موت احمر و طاعون) استفاده شده است، روشن می‌شود آتش جنگ در منطقه آذربایجان، اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها و نیز حوادث فتنه شام در قرقیسیا (در شرق سوریه) از عوامل شعله‌های شرارت آتش جنگ جهانی قبل از ظهور است.

### ► طرح مسئله

در اندیشه مهدویت، ظهور امری تصادفی تلقی نمی‌شود. بلکه واقعه‌ای است که با زمینه‌سازی و تمهیدات زمینه‌سازان (ممه‌دون) شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup> از این رو در منابع فریقین، قیام‌های حق قبل از ظهور (رجل من اهل قم، خراسانی و یمانی) معرفی شده و اوصاف «ممه‌دون و زمینه‌سازان» ظهور در احادیث فریقین شیعه و اهل سنت نیز ذکر شده است.<sup>۲</sup> در مقابل دشمنان و جبهه باطل نیز بیکار ننشسته‌اند و با ایجاد فتنه‌ها و جنگ‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی علیه جبهه حق دسیسه‌چینی می‌کنند. از این رو، شایسته است «حوادث پیرامونی» در محدوده جغرافیایی کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور با توجه به رویدادهای اثرگذار در آینده رصد گردد تا «جامعه منتظر» برای مقابله با آن‌ها آماده شود<sup>۳</sup> و «حکومت زمینه‌ساز» را درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان هشیار و آگاه سازد.<sup>۴</sup>

۱. پورسیدآقایی، «زمینه‌سازی ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۰، ص ۲۰-۲۱.

۲. فتلاوی، رایات الهدی والضلال فی عصرالظهور، ص ۶۳-۱۲۶.

۳. قربانی، «تأملات آینده‌پژوهانه در آرمانشهر مهدوی»، فصلنامه آینده‌پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱.

۴. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.

### ► اهمیت و ضرورت پژوهش

در این نوشتار، گزاره «آتش جنگ آذربایجان پیش از ظهور» در میراث «آینده پژوهی مهدوی»<sup>۱</sup> در کتاب معتبر الغیبة نعمانی<sup>۲</sup> از آوردگاه حدیثی، اعتبارسنجی سندی و محتوایی خواهد شد و صدالبته به مناسبت مناقشه قره باغ و جنگ آذربایجان با ارمنستان و نیز تنش نظامی روسیه با ناتو و اوکراین<sup>۳</sup>، اهمیت و ضرورت بررسی و تحلیل آینده بحران قفقاز و گزاره آتش آذربایجان قبل ظهور - که زمان وقوع آن در علم الهی محفوظ است - دوچندان می شود؛ زیرا اگر عصر، عصر ظهور باشد، مؤمنان هر لحظه باید مختصات خویش را با شرایط ظهور بسنجند. ضمن اینکه استراتژی «محور مقاومت شیعی» نسبت به فتنه ها و جنگ ها و دسیسه های دشمنان قبل از ظهور، در اوج آمادگی نظامی قلمداد شده است.

پرسش اساسی این است: آیا گزاره «آتش جنگ آذربایجان» در میراث آینده پژوهی مهدوی، به شعله های آغاز جنگ جهانی اشاره دارد و یا تلمیحی به نقشه تدارک حمله از سوی دشمن به مناطق شیعی است؟

۱. آینده پژوهی مهدوی با تکیه بر هشدارهای حدیثی در تراث اسلامی و محور قرار دادن گزارش ها درباره فتنه ها و بحران های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی امکان وقوع آن ها را در «جغرافیای کشورهای نقش آفرین عصر ظهور» و محدوده پیرامونی این کشورها رصد می کند (قربانی، «تأملات آینده پژوهانه در آرمان شهر مهدوی»، فصلنامه آینده پژوهی ایران، ش ۱، ص ۷۰-۷۱). و از آنجا که «آینده پژوهی مهدوی» مبتنی بر قوانین و سنن تخلف ناپذیر الهی است، بسیار قابل اعتماد خواهد بود (پورعزت، «سنت پژوهی رویکردی نوین به آینده پژوهی مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۴، ص ۲۸۱).

۲. نعمانی (۳۶۰ق) محدث نامدار شیعه در قرن چهارم است. کتاب الغیبة نعمانی، تألیف هزار سال پیش و از کتب مرجع در آینده پژوهی مهدوی به شمار می آید (نادری، «اعتبار و تداول کتاب الغیبة نعمانی»، فصلنامه سقینه، ش ۳۷، ص ۱۷۵-۱۸۷).

۳. در ادامه بیان خواهد شد محدوده «آذربایجان تاریخی» از شمال غربی ایران تا مرزهای امپراتوری روم شرقی و سواحل دریای سیاه (بحرالقرم) امتداد داشته است.

### ► پیشینه پژوهش

هرچند به گزاره «آتش آذربایجان پیش از ظهور» به صورت خیلی گذرا در برخی مقالات و کتب پرداخته شده است، اما درباره ابعاد و جزئیات آن در هندسه معارف مهدوی، نوشتار مشابهی یافت نشد. البته در برخی کتب و مقالات، این گزاره مورد سوءاستفاده فرقه‌های انحرافی قرار گرفته است<sup>۱</sup> و حتی وارد حوزه تطبیق و مصداق‌یابی نیز شده‌اند،<sup>۲</sup> اما این نوشتار از ورود به تطبیق احتمالی خودداری می‌کند و صرفاً به بیان اقوال مختلف و ترجیح دیدگاه برگزیده با تأکید بر احادیث معتبر خواهد پرداخت. ضمن اینکه «دیدگاه مشهور» نیز مورد خدشه قرار خواهد گرفت.

### پازل ظهور

#### ► حوادث جغرافیای ظهور، قطعه‌های مختلف پازل

در مباحث مهدویت باید به نکته بسیار مهمی توجه کرد؛ این احادیث، به ویژه حوادث منتهی به نشانه‌های حتمی ظهور، قطعه‌های مختلف «پازل واحد» محسوب می‌شوند و نباید جدا از هم بررسی شوند. و اگر مستقل از یکدیگر بررسی شوند، نتایج واقعی و مطلوبی حاصل نخواهد شد. همان مشکلی که برخی از نویسندگان با تحلیل صرفاً «تاریخی» در بررسی مباحث مهدوی بدان گرفتار شده‌اند؛ زیرا اگر به بررسی تنها یک نشانه ظهور بسنده کنیم، ممکن است به این نتیجه دست یابیم که این نشانه در گذشته و تاریخ واقع شده و یا ممکن است شبیه آن در آینده به طور متعدد تکرار شود، اما اگر مجموعه علامت‌ها و نشانه‌ها را

۱. گلپایگانی، الفرائد، ص ۱۹۳. برای آگاهی بیشتر: دوانی، مهدی موعود، ص ۱۰۸۳؛ آیتی، «تطبیق

نشانه‌های ظهور در گذر تاریخ»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۸، ص ۱۰۶.

۲. العقیلی، پژوهشی در شخصیت یمانی موعود، ص ۱۴۹-۱۵۰.

به عنوان قطعه‌های مختلف پازل واحد بررسی کنیم، به نتیجه‌ای واقعی تردست خواهیم یافت.

به عنوان مثال هرگاه احادیث «فتنه شام»<sup>۱</sup> به تنهایی و منفصل از سایر وقایع مرتبط با ظهور بررسی شود، ممکن است فوراً استنباط شود که این حوادث در گذشته نیز واقع شده است، اما اگر با مجموع رخداد‌های دیگر که در تراث مهدوی ذکر شده است و در قالب قطعه‌های مختلف پازل واحد بررسی شود، آنگاه نتیجه فرق خواهد کرد. به تعبیر روشن با کنار هم قرار دادن احادیث فتنه منطقه شام (سوریه و الکور الخمس شام) مبنی بر اینکه بعد از اختلاف رمحان (اختلاف دو جبهه نظامی مقابل هم) در منطقه شام، آنگاه رجفة (جنگ و قتل) پیش خواهد آمد، در ادامه رایات الصفر (دخالت نظامی پرچم‌های زردرنگ) در صحنه‌ی تحولات میدانی فتنه شام، و سپس خسف (فرورفتن زمین) در محور جابیه - حرستا دمشق در کشور سوریه و بعد خروج سفیانی (اولین نشانه حتمی) رخ خواهد داد،<sup>۲</sup> درک حوادث قبل از ظهور آسان تر خواهد شد. همچنین اگر حوادث دیگری همچون: تشکیل حکومت زمینه‌ساز ظهور در ایران<sup>۳</sup> توسط

۱. در احادیث متعددی با سندهای مختلف و معتبر از حوادث «فتنه شام» قبل ظهور سخن به میان آمده است (نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۴۶۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶ و ۲۵۳؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۹؛ مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۴۴۲؛ عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷).

۲. برای آگاهی بیشتر: امیری، «بررسی و تحلیل حوادث فتنه شام سوریه قبل از ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۳۴۷-۳۶۸.

۳. در احادیث معتبر از قوم زمینه‌سازی سخن به میان آمده است که قیام می‌کنند، با دشمن می‌جنگند و کشته‌های آنان «شهید» محسوب می‌شود و سرانجام انقلابشان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالشَّرْقِ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ... يَقُومُوا وَلَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَهُمْ شُهَدَاءُ» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۳).

مردی از قم<sup>۱</sup> و در ادامه رهبری خراسانی قبل از ظهور<sup>۲</sup> و نیز وجود حکومت آل فلان در عربستان<sup>۳</sup> و نیز وجود حکومت شیعی در عراق، اما ضعیف که در برابر تهاجم نظامی تاب مقاومت ندارد و شهرهای شیعی عراق، صحنه تاخت و تاز<sup>۴</sup> لشکر سفیانی مورد حمایت غربی‌ها<sup>۵</sup> قرار خواهد گرفت، در کنار تحركات گروه‌های تکفیری پرچم‌های سیاه در منطقه شام<sup>۶</sup> (اسامی خود را کُنیه و نسبت خویش را

۱. به نقل از کتاب معتبر تاریخ قم که قدمت آن بیش از هزار سال (۳۷۸ق) است، از انقلاب ایران به رهبری مردی از قم (رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمَّ)، پرچم هدایت وی و مشروعیت قیام (يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ)، خصوصیات یاران وی و صلابت و استواری آنان در پیشبرد اهداف انقلاب (يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ الْحَدِيدِ)، ایستادگی در برابر فتنه‌ها و طوفان‌های سخت (لَا تُزِلُّهُمْ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ) و خسته نشدن از جنگ (وَلَا يَمَلُّونَ مِنَ الْحَرْبِ) و سرنوشت انقلاب ایران (وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ) به روشنی سخن به میان آمده است (اشعری قمی، تاریخ قم، ص ۲۷۸؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶).

۲. قبل از ظهور، خراسانی و یمانی به عنوان پرچم هدایت با جبهه سفیانی خواهند جنگید: «خُرُوجُ الشُّفِيَانِيِّ وَالْيَمَانِيِّ وَالْحُرَّاسَانِيِّ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۵؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۴۴۶). این مواجهه و تقابل نظامی بین جبهه حق و باطل در عراق به اوج خواهد رسید: «الشُّفِيَانِيِّ... يَبْعَثُ مِائَةً وَثَلَاثِينَ أَلْفًا إِلَى الْكُوفَةِ» (حلی، مختصر البصائر، ص ۴۷۰؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۸۳)؛ «فَبَيِّنَمَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ حَيْلُ الْيَمَانِيِّ وَالْحُرَّاسَانِيِّ» (نیلی نجفی، سرور اهل ایمان، ص ۵۲-۵۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۳-۲۷۴).

۳. قبل از ظهور، خاندان آل فلان بر عربستان حکومت می‌کنند: «يَا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَلَيْسَ يَقْتُلُهُ جَيْشُ الشُّفِيَانِيِّ قَالَ لَا وَلَكِنْ يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۶-۱۶۷؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۳؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۷).

۴. «وَيَبْعَثُ الشُّفِيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ... فَيُصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ ضَلْبًا وَ سَنِيًّا» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰).

۵. «الشُّفِيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ... فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ» (طوسی، الغیبة، ص ۴۶۳)؛ در عبارت «فِي عُنُقِهِ صَلِيبٌ» دو احتمال مطرح است: یا خود سفیانی چون مسیحی و رومی است، صلیب برگردن دارد و نماینده غربی هاست یا به ظاهر مسلمان است، اما مورد حمایت غربی هاست.

۶. در کتب معتبر آینده پژوهی مهدوی از وجود اهل سنت تکفیری در منطقه شام قبل ظهور به رهبری شخصی سنگدل و از خاندانی بی اصل و نسب که یارانش دارای موهای بلند و لباس سیاه و صاحبان پرچم‌های سیاه هستند، سخن به میان آمده است که هر شخصی با ایشان دشمنی ورزد، بی قانون و بی ملاحظه، اعراب ساکن مناطق فرات را در شهرهای خودشان به قتل می‌رساند: «عَبْدُأ

از نام شهرها انتخاب کردند)¹، و همچنین تحرکات مارقه الشام (جدایی طلبان منطقه شام)² و متعاقب آن حمله اخوان الترمک به شرق سوریه³ و نیز فساد یهود در فلسطین و جنگ ایرانیان شیعی با یهود قبل از ظهور⁴ - که همگی در روایات

عَنِيفًا خَامِلًا أَضْلَهُ أَضْحَابُهُ الظَّوِيلَةُ سُعُورُهُمْ أَضْحَابُ السَّبَالِ سُودٌ يَتَابُهُمْ أَضْحَابُ زَايَاتِ سُودٍ وَنِيلٍ لِمَنْ نَاوَاهُمْ يَفْتُلُوهُمْ هَزْجًا وَاللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَقْعَالِهِمْ وَمَا يَلْقَى الْقَبَّازُ مِنْهُمْ وَالْأَعْرَابُ الْجَفَاءُ يُسَلِّطُهُمُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ بِلَا رَحْمَةٍ فَيَفْتُلُوهُمْ هَزْجًا عَلَى مَدِينَتِهِمْ بِسَاطِئِ الْفَرَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَالْبَحْرِيَّةِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۶-۲۵۷).

۱. پرچم‌های سیاه که خود را دولت اسلامی معرفی می‌کنند اما حق نیستند و به هیچ عهد و میثاقی وفادار نیستند و اسامی خود را کُنیه و نسبت خویش را از نام شهرها انتخاب کردند و موهای شان همچون موهای زنان، طویل و بلند است: «الزَّيَّاتِ الشُّودُ... أَضْحَابُ الدَّوْلَةِ لَا يَقُونَ بِعَهْدٍ وَلَا مِيثَاقٍ يَدْعُونَ إِلَى الْحَقِّ وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهِ أَسْمَاؤُهُمُ الْكُتْبَى وَ نَسَبُهُمُ الْقُرْبَى سُعُورُهُمْ مُرْحَاءٌ كَشُعُورِ النِّسَاءِ» (ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۸۹).

۲. در خلال حوادث فتنه شام و سوریه قبل از ظهور، به واقعه «مارقه الشام» نیز اشاره شده است: «مَارِقَةُ تَمَرُّقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰؛ مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵)؛ «المارقه: الخارجين» (ثعالبی، فقه اللغة، ص ۳۵۷)؛ «المروق عن الشيء: الخروج منه» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۴۱)؛ «مَرَقَ الشَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ: وَقَتِي تِيرَازِ كِمَانٍ خَارِجٍ مِي شُود، بِه كُونِه اِي كِه دِيگَرِه اَن تَعَلُق نِدَارِد» (ابن عتباد، المحيط في اللغة، ج ۵، ص ۴۱۶)؛ «الناحية: الجانب» (فيومي، المصباح المنير، ج ۲، ص ۵۹۶)؛ «الناحية: الجهة» (طريحي، مجمع البحرين، ج ۴، ص ۳۵۹)؛ «من ناحية الترك: اي من جهة الترك؛ مارقه الشام تخرج من جهة الترك = خروج مارقه از سمت ترك ها» بنا بر این «مَارِقَةُ تَمَرُّقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ» یعنی ساکنان ناحیه هم مرز با ترك ها در منطقه شام، اعلام خروج خواهند کرد، همچون جدا شدن تيراز کمان «مَرَقَ الشَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَةِ» که گویا دیگر به آن تعلق ندارد.

۳. آنگاه حمله ترك ها به شرق سوریه رخ خواهد داد: «مَارِقَةُ تَمَرُّقُ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرْكِ... وَسَيُقْبَلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰. مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵)؛ مناطق شرق سوریه را جزیره الشام گویند: «أَرْضِ الْجَزِيرَةِ... الرِّقَّةُ وَ الرُّهَا وَ قَرْقِيسِيَا» (ابن مزاحم، وقعة صفين، ص ۱۲).

۴. «قَصَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ... فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ أَوْلَاهُمَا... بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» (اسراء: ۴-۵)؛ «قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ فَلَا يَدْعُونَ وَثَرًا لِأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتْلُوهُ» (كليني، الكافي، ج ۸، ص ۲۰۶؛ ابن قولويه، كامل الزيارات، ص ۶۳) و به قرينه عبارت «قتلاهم شهداء» در حديث انقلاب مشرق زمين قبل از ظهور (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳) و نیز به ضميمه حديث معرفي «اهل قم» به عنوان هويت ایرانی مجازات کنندگان يهود: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ... فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاكَ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ قُمَّ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶) مشخص است عقوبت يهود قبل از ظهور توسط ایرانیان شیعی رخ خواهد داد (بخشی، «مواجهه امام زمان با قوم يهود



واحادیث نشانه‌های ظهور به وضوح و باصراحت ذکر شده است - کنارهم قرار دهیم، به درک واضح‌تر از احادیث و معارف مهدویت دست خواهیم یافت. از این رو با کنارهم قرار دادن احادیث «مرتبط و هم‌خانواده» در قالب قطعه‌های مختلف پازل واحد، روشن می‌شود آنچه را که در صحنه تحولات میدانی «جغرافیای ظهور» است، انعکاس قوی در احادیث مهدویت دارد. آنگاه این سوال مطرح می‌شود: عصر ظهور، چه زمان خواهد بود؟<sup>۱</sup> و متعاقب آن چه تکالیف فردی و اجتماعی برای جامعه زمینه‌ساز در مقابله با دسیسه‌های جبهه باطل وجود دارد؟

### ► ضرورت عدم غفلت از برنامه‌ریزی دشمن قبل از ظهور

در گستره تاریخ، همیشه در کنار جریان حق، جریان باطل نیز وجود داشته که همه توان خود را برای شکست یا کاستن از گسترش و تأثیرگذاری جبهه حق، به کار گرفته است و این نزاع مستمر بین حق و باطل<sup>۲</sup> در طول تاریخ ادامه داشته است و در آخر الزمان و پیش از ظهور به اوج می‌رسد،<sup>۳</sup> زمانی که تلاش‌ها برای به ثمر

در عصر ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۲، ص ۶۵-۶۷؛ مافی، «نقش ایرانیان در عصر ظهور»، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۵، ص ۲۶).

۱. در هیچ دوره‌ای از تاریخ، تمام آنچه از نشانه‌های ظهور که در عصر حاضر در حال روی دادن است، این چنین در کنارهم قرار نگرفته است و به فرموده امام خمینی: «امید است عصر معاصر، عصر ظهور باشد» (خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷)؛ «و این قرن، قرن غلبه مستضعفین بر مستکبرین باشد» (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۷۱)؛ «و جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه» (خمینی، صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۰-۴۸۱).

۲. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۲۶۳-۲۶۴؛ مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۳۲؛ سلیمانی، «بررسی آیات غلبه حق بر باطل از منظر علامه طباطبایی»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۰، ص ۲۰۱.

۳. الهی‌نژاد، «مهدویت و فرجام تنازع حق و باطل»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۳۹، ص ۱۳۶-۱۳۷. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۷۲-۷۳. کارگر، «مهدویت و فرجام ستیزش حق و باطل»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۹، ص ۹۴ و ۱۰۳.

رسیدن آمال انبیاء و ایجاد جبهه توحید برای تشکیل حاکمیت جهانی ادیان الهی با محوریت اسلام و آخرین ذخیره الهی و منجی بشریت، امام مهدی به کار گرفته می شود.

از این رو آگاهی از برنامه ریزی دشمنان، طرح ها و برنامه های جبهه باطل برای مقابله با اهداف زمینه سازان ظهور و تحقق حاکمیت جهانی اسلام، همواره باید در دستور کار منتظران ظهور امام عصر قرار گیرد<sup>۱</sup> و این امر محقق نخواهد شد جز با رصد طرح ها، نقشه ها، برنامه ها، فتنه انگیزی های دشمنان در کشورها و سرزمین های درگیر واقعه شریف ظهور.

#### ► دیدبانی حوادث کشورهای تأثیرگذار و نقش آفرین در عصر ظهور

چند کانون مرکزی در تحولات و حوادث قبل از ظهور و آینده جهان وجود دارد که شناخت و رصد تحولات مربوط به آنها از اهمیت زیادی برخوردار است و می تواند ما را در تحلیل درست رویدادها و مباحث مرتبط با آخرالزمان و ظهور امام زمان در علم «آینده پژوهی» یاری دهد. این کانون های مرکزی عبارت است از: منطقه شام (سوریه)، ایران، عراق، فلسطین و عربستان. کشورهای مذکور در «جغرافیای ظهور» و در مثلث «مکه - کوفه - قدس» مرکز تحولات و رویدادهای مهمی خواهند بود و در آینده این کشورها قبل از ظهور، اتفاقاتی بسیار سریع و شگفت آور رخ خواهد داد که تأثیرات مهمی بر امنیت منطقه ای و حتی جهانی خواهند گذاشت. بنابراین دیده بانی سیاسی و نظامی «کشورهای نقش آفرین در تحولات فرایند ظهور» در هر برهه ای از زمان می تواند اهمیت استراتژیک و آینده پژوهانه داشته باشد.

۱. آیتی، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۷۷.

### نسخه‌شناسی گزاره «آتش آذربایجان» پیش از ظهور

از جمله حوادثی که به رخدادهای ایران مرتبط است، «آتش آذربایجان» پیش از ظهور است که درباره آن سه دیدگاه مختلف مطرح است.

گزاره آتش آذربایجان (لابد لئارا) در الغیبة نعمانی نقل شده است. البته عدم ذکر گزاره حدیثی «آتش آذربایجان» توسط شیخ طوسی در کتاب الغیبة للحجة و شیخ صدوق در کتاب کمال الدین از کتب ثلاثه مهدویت،<sup>۱</sup> خللی به محتوای آن وارد نمی‌کند؛ زیرا کتاب شیخ صدوق که در باب علائم ظهور<sup>۲</sup> به صورت مستقل تدوین شده،<sup>۳</sup> مفقود است و دسترسی به آن ممکن نیست. شیخ طوسی نیز تصریح کرده بنا نداشته آنچه را که در دیگر کتب ذکر شده است، مجدداً تکرار نماید.<sup>۴</sup> ضمن اینکه روش قدمای شیعه این‌گونه نبوده است که رونویسی نمایند. بلکه هر مؤلف، طرق سندی مختص به خودش را در کتاب خویش تألیف کرده است. بنابراین، اینکه بیان می‌شود فلان حدیث از «منفردات شیخ طوسی» و یا از «منفردات نعمانی» است، سخن غیرعلمی و اشتباهی است و نشانگر این است گوینده با مبانی حدیثی قدمای شیعه، آشنایی کامل ندارد. شاهد بر این امر، گفتار شیخ مفید (استاد شیخ طوسی)، در توصیف نعمانی و کتاب الغیبة وی است که بیان می‌کند با وجود روایات الغیبة نعمانی نیازی به تکرار تفصیلی آن احادیث در کتاب تألیفی خویش نمی‌بیند.<sup>۵</sup>

۱. کتاب الغیبة شیخ طوسی، کتاب کمال الدین شیخ صدوق به همراه کتاب الغیبة نعمانی به عنوان کتب «مرجع» مهدویت قلمداد می‌شوند.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۶.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۳۹۲.

۴. طوسی، الغیبة، ص ۲ و ۳۲۷.

۵. «الروایات فی ذلك كثيرة قد دونها أصحاب الحديث من هذه العصابة وأثبتوها فی كتبهم المصنفة فمن أثبتها علی الشرح والتفصیل محمد بن ابراهیم المکنی أبا عبد الله النعمانی فی کتابه الذي صنفه فی الغیبة فلا حاجة

البته گزاره آتش آذربایجان پیش از ظهور در دیگر کتب حدیثی شیعه از جمله کتاب الملاحم والفتن<sup>۱</sup> ابن طاووس، کتاب إثبات الهداة<sup>۲</sup> حر عاملی نیز تکرار شده است:

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّهُ قَالَ لِي أَبِي: لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ آذْرِبَيْجَانَ لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ وَالْبِدُوا مَا أَلْبَدْنَا فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَلَوْ حَبِنُوا وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَقَالَ وَيَلُّ لِبَطْنِ الْعَرَبِ مِنْ شَرِّ قَدِ اقْتَرَبَ.<sup>۳</sup>

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «پدرم (امام باقر علیه السلام) به من فرمود: ناگزیر آتشی (جنگی) از منطقه آذربایجان زبانه خواهد کشید که هیچ چیز در مقابلش نتواند ایستاد (گسترش می یابد). چون چنین شود خانه نشین باشید (بی طرف بمانید) و تا آنگاه که ما در خانه نشستیم، شما نیز در این آتش خانه نشین باشید و چون قیام کننده از طرف ما (امام عصر) حرکت می کند و فعالیت خود را آغاز کرد، به سوی او بشتابید، اگرچه بردست و زانو (به هرنحو ممکن). به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او (امام مهدی) می نگرم که میان رکن و مقام در مکه به فرمانی جدید از مردم بیعت می گیرد. فرمانی که بر عرب، سخت گران است و پدرم فرمود: وای بر سرکشان عرب از شری که به آنان هنگامه ظهور روی خواهد کرد.»

بنابراین همه کتب شیعی، نسخه «لابد لنار» را ثبت و ضبط کردند، اما در

بنامع ما ذکرناه إلى إثباتها على التفصيل» (مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۵۰).

۱. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۳۷۰.

۲. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۸.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۴ و ۲۶۳.

نسخه متأخر (کتاب بحار الأنوار)، نسخه «لابد لنا» ترجیح داده شده است<sup>۱</sup> و البته در ادامه به جایگاه اختلاف نسخ در تفاوت دیدگاه‌ها نیز اشاره خواهد شد.

### اعتبارسنجی «سندی» آتش آذربایجان

سند حدیث «آتش آذربایجان پیش از ظهور» در الغیبه نعمانی بدین قرار است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ ابْنِ عُقْدَةَ الْكُوفِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ الْجُعْفِيِّ أَبُو الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمزَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِنَّهُ قَالَ لِي أَبِي: لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ آذْرِبَيْجَانَ...<sup>۲</sup>

۱. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ ابْنِ عُقْدَةَ الْكُوفِيِّ: احادیث ابن عقده، به وفور در کتب اربعه شیعه یافت می‌شود و وثاقت وی نزد رجال یون بزرگ شیعی ثابت است و قدمای امامیه بروثوق وی تأکید داشته‌اند. نجاشی وی را چنین توصیف می‌کند: «هذا رجل جليل في أصحاب الحديث وعظم محله وثقته وأمانته.»<sup>۳</sup> شیخ طوسی نیز ابن عقده را جلیل القدر و عظیم المنزله توصیف می‌نماید.<sup>۴</sup>

۲. أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ الْجُعْفِيِّ: صاحب اصل و کتاب،<sup>۵</sup> دارای مقام حسن و جلالت<sup>۶</sup> و قرائن مشعر به وثاقت<sup>۷</sup> است.<sup>۸</sup>

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵ و ۲۹۳.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴.

۳. نجاشی، الرجال، ص ۹۴.

۴. طوسی، الرجال، ص ۴۰۹.

۵. نجاشی، الرجال، ص ۱۲۷.

۶. مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۸، ص ۲۶۶-۲۶۹.

۷. مازندرانی، منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۱، ص ۳۶۸.

۸. وثاقتی که از طریق بررسی‌های روایی و تتبع در اقوال رجال یون شیعی و نیز توجه به قرائن به دست می‌آید، «وثاقت اجتهادی و تحقیقی» گویند (غلامعلی، سندشناسی، ص ۳۱۶). مثال بارز در

۳. إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ (اسماعیل بن مهران بن محمد بن ابی نصر): ثقه.<sup>۱</sup>
- ۴ و ۵. الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ (عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ الْبَطَائِنِيِّ):  
از سران واقفیه، اما علماء و فقهاء به احادیث دوران استقامت و وثاقت او که در  
دوران امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام بوده است، عمل می کنند<sup>۲</sup> و احادیث  
دوران استقامت در زمره موثق قلمداد می شود.<sup>۳</sup>
۶. وَهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ (وهیب بن حفص الجریری): ثقه.<sup>۴</sup>
۷. أَبِي بَصِيرٍ (یحیی ابوبصیر الاسدی): از اصحاب اجماع،<sup>۵</sup> جلیل و ثقه.<sup>۶</sup>
۸. أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (امام جعفر صادق علیه السلام): امام معصوم.
۹. ابی عَبْدِ اللَّهِ (امام محمد باقر علیه السلام): امام معصوم.
- بنابراین گزاره «آتش آذربایجان پیش از ظهور» در الغیبه نعمانی دو طریق دارد:  
الف. سند اول (ابی حمزه بطائنی از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام)؛ چون در  
دوران استقامت بوده، حدیث موثق است.

بررسی وثاقت اجتهادی، می توان به حاصل تلاش پژوهشگران خبره رجالی شیعه تحت نظر آیت الله شبیری زنجانی اشاره نمود که البته اطلاعات آن هر سال به روزرسانی و ویرایش نهایی می شود و حاصل بیش از بیست سال تلاش تحقیقات رجالی شیعه است و در قالب دیجیتالی «نرم افزار درایة النور» به جامعه پژوهشی ارائه شده است.

۱. نجاشی، الرجال، ص ۲۶؛ طوسی، الفهرست، ص ۲۷.
۲. «عملت الطائفة بأخبار... الواقعة مثل... علی بن ابی حمزة... فیما لم یکن عندهم فیہ خلافة» (طوسی، العدة فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۵۱).
۳. «واعلم أن الأصحاب إنما عملت بأخبارهم لكون أكثرهم نقلة الأخبار عن الأصول وكتبهم عين كتب القدماء... ولهذا جعلنا أخباره في المؤتقات كالصالح» (مجلسی، روضة المتقین، ج ۱۴، ص ۳۹۴ و ص ۴۷ و ۳۵۴).
۴. نجاشی، الرجال، ص ۴۳۱.
۵. کشی، الرجال، ج ۲، ص ۵۰۷.
۶. نجاشی، الرجال، ص ۴۴۱.

ب. سند دوم (وهیب بن حفص از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام) از نظر سندی، حدیث صحیح و معتبر است.

## اعتبارسنجی «محتوایی» جنگ آذربایجان

### ► آتش آذربایجان: جنگ

البته «نار» به معنای حقیقی آن، یعنی وقوع آتش سوزی، هرچند محتمل است، اما به قرینه سایر احادیث که از وقوع جنگ در منطقه ارمنیه و آذربایجان گزارش شده است،<sup>۱</sup> این تعبیر، اشعار به درگیری نظامی و جنگ دارد. ضمن اینکه به قرینه عبارت بعدی «أَخْلَاسُ بِيُوتِكُمْ» که مصطلح حدیثی است و در «تراث مهدوی»، این عبارت و مشابه آن: «اجلسوا في بيوتكم»،<sup>۲</sup> «لا تَبْرَحِ الْأَرْضَ»،<sup>۳</sup> «حِلْساً مِنْ أَخْلَاسِهِ»،<sup>۴</sup> باتوجه به «خانواده حدیثی»، جملات مشهور امامان معصوم برای ممانعت شیعیان از شرکت در فتنه‌ها<sup>۵</sup> و قیام‌های نظامی مخالف دیدگاه اهل بیت و جنگ‌های مضر به کیان شیعه و ترک قتال<sup>۶</sup> استعمال می‌شده است.<sup>۷</sup> از این رو احتمال آتش سوزی در منطقه آذربایجان، احتمال ضعیف بلکه منتفی است و در واقع «نار آذربایجان» اشاره به جنگ دارد.

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۷.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۷. طوسی، الغیبة، ص ۱۶۳.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۷۴.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴.

۵. «كُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ فَإِنَّ الْفِتْنَةَ عَلَى مَنْ أَنَارَهَا» (نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۸).

۶. «كُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ: الْمَعْنَى الزُّمُومُ بِيُوتِكُمْ لَزُومِ الْأَخْلَاسِ وَ لَا تَخْرُجُوا مِنْهَا فَتَقَعُوا فِي الْفِتْنَةِ» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۶۳)؛ فی الحدیث: «كُنْ حِلْساً مِنْ أَخْلَاسِ بَيْتِكَ أَيْ لَا تَبْرَحِ أَمْرَهُ بِلَزُومِ بَيْتِهِ وَ تَرْكِ الْقِتَالِ فِي الْفِتْنَةِ» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۵۵).

۷. «اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا قد اجتمعنا على رجل فانهتدوا إلينا بالسلاح» (نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۷).

درباره گزاره نار (آتش) آذربایجان که کنایه از جنگ است، دو احتمال مطرح است: صدور جنگ از سمت آذربایجان یا وقوع جنگ در منطقه آذربایجان (محدوده جغرافیای آذربایجان در زمان امام معصوم)<sup>۱</sup> و نیز با توجه به حرف «مِنْ»، عبارت بدین گونه خواهد بود: جنگ از سمت آذربایجان<sup>۲</sup> یا جنگ در منطقه آذربایجان<sup>۳</sup> مقصود است. البته هر دو دیدگاه قابل جمع است و فرقی با هم ندارد؛ زیرا در ادامه به سرایت آتش جنگ به سایر مناطق تصریح شده است. بنابراین، نار (آتش) آذربایجان، چه بسا این تلمیح و اشاره بلیغ را نیز با خود به همراه دارد که شروع جنگ، از سمت آذربایجان و در این منطقه تاریخی خواهد بود (لَا بُدَّ لِنَارٍ مِنْ أَذْرَبِجَانَ) و البته آتش جنگ، آرام نخواهد شد و به سایر مناطق نیز گسترش خواهد یافت (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ).

### ► چرایی تعبیر نار (آتش) آذربایجان

علت اینکه چرا برای افاده مفهوم جنگ، به جای کلمه «نار» از واژه «حرب» استفاده نشده، این است که در لغت عربی استعمال واژه «نار» برای جنگ، تعبیر شایع و مشهوری است.<sup>۴</sup> همچنین نشانگر آن است در صورت عدم جلوگیری از آتش، آنگاه شعله‌های آن به سایر نقاط نیز گسترش پیدا خواهد کرد<sup>۵</sup>

۱. اصل در میراث حدیثی مهدوی بر این است که مراد از اماکن جغرافیایی، محدوده آن مکان‌ها در زمان «صدور» نص (محدوده جغرافیایی در زمان امام معصوم) است که طبیعتاً منطقه وسیع‌تری را شامل می‌شده است. مگر اینکه قرینه بسیار واضحی دال بر این باشد که محدوده جغرافیایی در زمان وقوع نص (محدوده جغرافیایی در قبل ظهور) قصد شده است.

۲. حرف «مِنْ» به معنای ابتدائیت (ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۳۱۸).

۳. حرف «مِنْ» به معنای فی (ابن هشام، مغنی اللیب، ج ۱، ص ۳۲۱).

۴. مائده: ۶۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۸۲۸.

۵. واژه «نار» بدون الف و لام در اصطلاح ادبیات عرب، «اسم نکره» و نقش آن، خبر (مُسند) است که در سیاق نفی آمده است و افاده عموم می‌کند (ابراهیم برکات، النحو العربی، ج ۱، ص ۵۴) همچنین



و در این صورت با عبارت بعدی (لَا يَقُومُ هَذَا شَيْءٌ: هیچ چیزی یارای ایستادگی در برابر آتش جنگ را ندارد) نیز سازگاری بیشتری دارد. از سوی دیگر به قرینه اینکه به شیعیان توصیه شده است در جنگ منطقه آذربایجان شرکت نکنید (أَخْلَسْ يُبُوتِكُمْ)، نشانگر این است که شتر و فتنه جنگ، گریبان گیر کشورهای خواهد شد که در این جنگ وارد شده‌اند.<sup>۱</sup>

ضمن اینکه اگر واژه «حرب» استعمال می‌شد، ناگزیری از طرفین جنگ شروع‌کننده آن خواهد بود. در حالی که انتخاب واژه نار به معنای آتش، مشعر به این است علاوه بر متخاصمین، از ناحیه کشورهای غیر از طرفین جنگ نیز بر شعله‌های آتش، دمیده و دامن زده شود و گسترش یابد. از این رو تعبیر نار (آتش) آذربایجان برای سرایت جنگ به سایر نقاط (لَا يَقُومُ هَذَا شَيْءٌ)، تعبیر رساتر و بلیغ‌تری است و در واقع این عبارت از فصاحت و بلاغت امام معصوم در اخبار دقیق از حوادث آخر الزمان حکایت دارد.

با این پیش فرض و «مبنای کلامی» که امام معصوم بر قرآن احاطه کامل دارد و در انتخاب کلمات و عبارات حدیثی، دقیق و حساب شده رفتار می‌کند و نیز با توجه به استعمال واژه «نار» در قرآن که آتش، مهم‌ترین و سخت‌ترین عذاب خداوند معرفی شده<sup>۲</sup> و به قرینه اینکه امام معصوم تأکید فرموده است شیعه در این جنگ شرکت نکند (عدم مداخله مستقیم نظامی جبهه حق)، درمی‌یابیم آتش جنگ به منزله «عذاب» برای جبهه باطل خواهد بود که به تدریج فراگیر نیز خواهد شد (لَا يَقُومُ هَذَا شَيْءٌ) و بدین سان موجب تضعیف دشمنان می‌شود.

به قرینه جمله بعد «لَا يَقُومُ هَذَا شَيْءٌ» افاده تفخیم، بزرگی و تکثیر آتش است (هاشمی، جواهر البلاغة، ص ۱۲۵) و بیانگر این است آتش جنگ بزرگ و عظیمی به تدریج در منطقه آذربایجان برپا خواهد شد.  
 ۱. فی الحدیث: «كانت بينهم نائرة أي فتنة حادثة و عداوة. نار الحرب و نائرتها: شرها و هیجها» (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۵، ص ۱۲۷).  
 ۲. طاهری نیا، «نشانه شناسی واژه النار در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات متون ادبی اسلامی، ش ۵، ص ۳۲.

### ► محدوده جغرافیایی آذربایجان

مقصود از آذربایجان، دقیقاً کدام منطقه است؟ آذربایجان داخل ایران یا آذربایجان خارج از محدوده جغرافیایی ایران؟ گفتنی است بلاد آذربایجان در زمان صدور نص،<sup>۱</sup> منطقه وسیعی را شامل می‌شده است و مشتمل بر مناطقی از آذربایجان ایران (اردبیل، آذربایجان غربی و شرقی)، مناطقی همچون آران و جمهوری آذربایجان تا برزند (تفلیس) گرجستان در قلب قفقاز نیز ادامه داشته حتی محدوده وسیعی از جنوب غربی روسیه و شمال شرقی ترکیه تا سواحل دریای سیاه (بحرالقرم) متصل به جزیره کریمه را شامل می‌شود و تا مرزهای امپراطوری بیزانس (روم شرقی) امتداد داشته است:

أَذْرَبِيحَانُ: إِقْلِيمٌ وَاسِعٌ وَمِنْ مَشْهُورِ مَدَائِنِهَا تَبْرِيْزٌ وَأَجْلٌ مَدَنِيهَا قَدِيْمَا أَرْدَبِيْلٌ<sup>۲</sup>  
 مِنْ أَرْدَبِيْلٍ إِلَى بَرزَنْدٍ<sup>۴</sup> مِنْ كُورِ أَذْرَبِيحَانٍ<sup>۵</sup> أَرَّانُ فِي آخِرِ حُدُودِ أَذْرَبِيحَانٍ<sup>۶</sup> نَخْجُوَانٌ  
 بَلَدٌ بِأَقْصَى أَذْرَبِيحَانٍ<sup>۷</sup> وَابْيَضاً بَعْضُ الْبِلَادِ الَّتِي عَلَى سَاحِلِ بَحْرِ الْقَرْمِ حُدُودُ بِلَادِ  
 الرُّومِ.<sup>۸</sup>

بنابراین هرچند دقیقاً مشخص نیست مقصود از آتش جنگ در آذربایجان، کدام ناحیه معین مراد است، اما قدر متیقن، جنگ در محدوده سرزمین «آذربایجان تاریخی» که تا سواحل دریای سیاه نیز امتداد داشته است، برپا خواهد شد.

۱. بیان گردید: اصل براین است که مقصود معصوم، منطقه جغرافیای در زمان «صدور نص» است، مگر اینکه قرینه‌ای برخلاف آن باشد.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۲۸.

۳. اصطخری، مسالك الممالك، ص ۱۸۱.

۴. برزند من نواحی آذربایجان و قد ذکرنا أنها من أعمال تفلیس (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵).

۵. یعقوبی، البلدان، ص ۷۹.

۶. مدنی، الطراز الاول، ج ۷، ص ۲۴.

۷. بروسوی، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان، ص ۶۲۳.

۸. ابوالفداء، تقويم البلدان، ص ۴۴۰.

### ► نقشه سرزمین تاریخی آذربایجان

بنابراین در گذشته علاوه بر آذربایجان ایران، بر مناطق وسیعی در کشورهای آذربایجان، ارمنستان و امتداد آن در قلب قفقاز و تا سرزمین‌های واقع در سواحل دریای سیاه (بحرالقرم)، مفهوم «بلاد آذربایجان» اطلاق می‌شده است و البته به دلیل تغییر مرزهای جغرافیایی در طول تاریخ، تفکیک این مناطق از یکدیگر و مرزبندی مشخص و دقیق آن‌ها دشوار بوده است:

أرمينية وأزبان وأذربيجان... هذه ثلاثة أقاليم عظيمة قد جمعها أرباب هذا الفن في الذكر والتصوير لتداخل بعضها ببعض وتعسر أفرادها بالذكر وقد ضمنا إليها أيضا بعض البلاد التي على ساحل بحر القرم.<sup>۱</sup>

محدوده جغرافیای «آذربایجان تاریخی» از شرق آن تا مرزهای گیلان، از جنوب تا مرزهای عراق و از غرب تا مرزهای امپراطوری روم و از شمال تا مرزهای خزر را شامل می‌شده است:

ثلاثة بلدان متصلة ببعضها وسوادها متداخل بعضه ببعض. إلى الشرق منها حدود جيلان، وإلى جنوبها حدود العراق والجزيرة، وإلى غربها حدود الروم و السريز، وإلى شمالها حدود السريرو والخزر.<sup>۲</sup>

بنابراین مقصود از آذربایجان در لسان احادیث و کتب جغرافیا، «سرزمین تاریخی» آذربایجان است و نه «کشور» آذربایجان.<sup>۳</sup> قدر متیقن، جنگ دریک یا

۱. و مشابه آن: «فاما ارمينية والزبان واذربيجان فاتا جمعناها في صورة واحدة» (اصطخری، مسالك الممالك، ص ۱۸۰).

۲. ابوالفداء، تقويم البلدان، ص ۴۴۰، بروسوی، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان، ص ۱۳۴ و مشابه آن: ابن حوقل، صورة الارض، ج ۲، ص ۳۳۱.

۳. ابن فریغون، حدود العالم، ص ۱۶۴.

۴. امروزه محدوده جغرافیایی «کشور آذربایجان» تا حدودی بر منطقه «ازبان و الزبان» در کتب جغرافیا و تاریخ، قابل انطباق است و مناطق مهم آن همچون کنجه، شمکور، بردع و بیلقان است (حموی،

چند منطقه از محدوده سرزمین «آذربایجان تاریخی» که از شمال غربی ایران تا قلب قفقاز، سواحل دریای سیاه و مرزهای رومی شرقی نیز امتداد داشته است، برپا خواهد شد،<sup>۱</sup> اما اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ آذربایجان فراخواندند (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ)، بیانگر آن است که این جنگ، ابتداء در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه ساز» رخ خواهد داد.

### ► جنگ آذربایجان: نشانه حتمی قطعی الوقوع

تعبیر «لابد»، مشعر به «حتمیت» وقوع رخداد «آتش آذربایجان» دارد. شایان ذکر است هر جا تعبیر دیگری نیز افاده قطعی الوقوع نماید، جزء «نشانه های حتمی» ظهور است، هر چند لفظ «حتم» به کار نرفته باشد. به عنوان مثال، از غیبت امام عصر که جزء رخدادهای حتمی است، تعبیر «لابد» شده است:

لَا بُدَّ لِلْغُلَامِ مِنْ غَيْبَةٍ... وَهُوَ الَّذِي يَشْكُ النَّاسَ فِي وِلَادَتِهِ.<sup>۲</sup>

از اولین نشانه حتمی ظهور سفیانی و نیز ظهور امام عصر تعبیر به «لابد» شده است:

معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۳۶) که این مناطق اکنون با همین نام‌ها و اسامی در کشور آذربایجان وجود دارد (<https://b2n.ir/d83338>). البته در طول تاریخ، گاهی ضمیمه «ارمنیه تاریخی» شده و گاهی تحت قیومیت حکومت سرزمین «آذربایجان تاریخی» قرار گرفته است (الوانساز خوبی، تاریخ تحلیلی تشیع در آذربایجان، ص ۱۶-۱۷). شواهد حدیثی و تاریخی نیز بر این دیدگاه وجود دارد: «مَدِينَةُ الرَّانِ مِنْ اَرْضِ اَازَرَبَايجَانَ» (طوسی، الغيبة، ص ۳۱۰). «أَرَانُ أَوَّلُ مَمْلَكَةِ بَأَرْمِينِيَّةِ» (ابن فقیه، البلدان، ص ۵۸۶).

۱. بنابراین نباید گمان شود که مقصود از «آذربایجان» در متون جغرافیایی، تاریخی و حدیثی، فقط به معنای کشوری با نام جمهوری باکو است. بلکه آذربایجان زمان «صدور نص» از شمال غربی ایران تا قلب قفقاز، مرزهای امپراطوری روم شرقی و سواحل بحرالقرم (دریای سیاه) امتداد داشته است. از این رو علاوه بر جنگ آذربایجان با ارمنستان، تنش نظامی بین روسیه با ناتو و اوکراین در «عصر ظهور» را نیز شامل می‌شود.

۲. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲.

لَا بُدَّ... الشُّفِيَانِيُّ... وَخُرُوجُ الْقَائِمِ<sup>۱</sup>.

شاهد قوی تر اینکه در احادیث از «حتمیت» صراحتاً به «لابد» تعبیر شده است و در واقع این دو واژه، فرقی باهم ندارند:

حَتْمٌ بِأَنَّهُ كَأَنَّ لَا بُدَّ مِنْهُ<sup>۲</sup>.

همچنین تعبیر «كَأَنِّي» مبنی بر رؤیت امام معصوم و خبر دادن امام معصوم از واقعه‌ای، بر حتمیت آن رخداد دلالت دارد:

لَكَأَنِّي... قَائِمًا بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ<sup>۳</sup>، كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ<sup>۴</sup>؛

زیرا مشاهده و رؤیت امام معصوم، خطاناپذیر است و از وقوع حتمی آن رویداد خبر می‌دهد. همچون پیش‌گویی پیامبر ﷺ از شهادت امام حسین ﷺ، پیش‌گویی امام علی ﷺ از نحوه شهادت میثم تمار<sup>۵</sup> یا پیش‌گویی امام باقر ﷺ از نحوه شهادت زید بن علی بر بالای چوبه دار:

دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ... وَالْحُسَيْنِ ﷺ عَلَى فَخِذِهِ... قَالَ كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ مِنْ دَمِهِ<sup>۶</sup>، دَخَلْتُ عَلَى الْبَاقِرِ ﷺ... فَقَالَ: ... أَخِي زَيْدٌ... كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ صُلِبَ فِي الْكُنَاسَةِ<sup>۷</sup>.

رخداد «انقلاب ایرانیان قبل از ظهور» که امام معصوم با تعبیر «كَأَنِّي» از حتمیت آن خبر می‌دهند، از همین سنخ است؛ زیرا رؤیت امام معصوم طبق

۱. طوسی، الغیبة، ص ۴۳۶.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۶.

۳. مفید، الإرشاد، ج ۲، ۳۷۹. و مشابه آن: نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۴ و ۲۶۲.

۴. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۶۷.

۵. نحوه شهادت میثم تمار از جمله اخبار غیبی امام علی ﷺ بود که دقیقاً و مرحله به مرحله اتفاق افتاد (مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۵).

۶. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۷.

۷. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۳۱۰.

«مبانی کلامی»<sup>۱</sup> خطاناپذیر است.<sup>۲</sup> بلکه حاکی از یقین امام معصوم است که به صراحت از آن خبر می دهند:

كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِيقِ... وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ.<sup>۳</sup>

این واژه در لغت عربی نیز بر ادراک دلالت دارد<sup>۴</sup> و چنین تعبیری دلالت می کند رخداد انقلاب ایرانیان قبل از ظهور، وعده حتمی الهی است؛ زیرا معصومین تعبیر «کأَنِّي، لكَأَنِّي» را زمانی به کار می بردند که امر قطعی الوقوع باشد. چنان که گویا آن واقعه را با چشمان خود می بینند. بلکه می رساند امامان با دید نافذی که خداوند آنان را بدان مخصوص کرده است، آن واقعه را می بینند و خبر می دهند.<sup>۵</sup> هم چنین است تعبیر «لا یكون هذا الأمر» به حتمی بودن آن رویداد اشاره دارد:

لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ... حَتَّىٰ يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا إِنْ فُلَانًا صَاحِبُ الْأَمْرِ.<sup>۶</sup>

زیرا ثابت و یقینی است. ندای آسمانی که به معرفی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می پردازد، جزء حتمیات است و از طرفی در حدیث فوق به جای تعبیر «محتوم» از تعبیر «لا یكون هذا الأمر» برای ندای آسمانی استفاده شده است.

ممکن است گفته شود حتمیات فقط به «پنج نشانه در سال ظهور» منحصر

۱. طبق مبانی کلامی «علم و عصمت»، امام دچار خطا و اشتباه نمی شود (مفید، النکت الإعتقادیة، ص ۴۰؛ حسینی میلانی، عصمت از منظر فریقین، ص ۱۱۳-۳۲۴).

۲. صحیفه نزد امامان است و از آینده مطلع هستند و وقتی خبر می دهند، آن رخداد، قطعی الوقوع است: «كَأَنِّي بِجَفَرٍ... فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَإِنَّ ذَلِكَ لَكَائِبٌ فَقَالَ إِي وَ رَبِّي إِنَّ ذَلِكَ لَمَكْتُوبٌ عِنْدَنَا فِي الصَّحِيفَةِ» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۰).

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۳.

۴. «إدراك الشيء فالإتي» (فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۴۰۰؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۴۳).

۵. «قد وصف الإمام الباقر حركتهم وصفاً دقيقاً. فقال: كأني بقوم قد خرجوا بالمشرق و هو يدل على أنه حدث من وعد الله المحتوم و يعنى يقينهم به كأنهم يرونه» (کورانی، المعجم الموضوعی لأحادیث الإمام المهدي، ص ۴۹۵).

۶. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۶.

می شود، اما در احادیث معتبر از برخی نشانه های ظهور همچون اختلاف بنی فلان و طلوع خورشید از مغرب نیز به «نشانه حتمی» یاد شده است:

خُرُوجُ الشُّفِيَانِي مِنَ الْمُخْتُومِ وَ النَّدَاءُ مِنَ الْمُخْتُومِ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنَ الْمَغْرِبِ  
مِنَ الْمُخْتُومِ... وَ اخْتِلَافُ بَنِي فُلَانٍ مِنَ الْمُخْتُومِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ  
الْمُخْتُومِ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمُخْتُومِ.<sup>۱</sup>

بنابراین نشانه های حتمی منحصر در نشانه های پنج گانه سال ظهور نیست که با واژه «حتم» ذکر شده است (خمس علامات محثومات). بلکه حوادثی که در آن از عبارت «لابد»، «کاتی»، «لا یكون هذا الأمر» و تعابیر مشابه آن استعمال شده است نیز، جزء نشانه های حتمی است و ذکر پنج نشانه حتمی در «سال ظهور» به معنای نفی نشانه های حتمی «قبل از سال ظهور» نیست.

بنابراین گزاره «آتش آذربایجان» پیش از ظهور که از آن به «لابد» تعبیر شده است، حادثه حتمی خواهد بود.<sup>۲</sup> کما اینکه با عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» نیز مجدداً تأکید شده است که این رخداد قطعاً اتفاق خواهد افتاد.

### ► بی نتیجه بودن تلاش های بین المللی

درباره عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ»<sup>۳</sup> در تحلیل گزاره حدیثی جنگ آذربایجان قبل از ظهور، سه احتمال مهم مطرح است:

۱. طوسی، الغیبة، ص ۴۳۵. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۳۳.
۲. در ادبیات عرب نیز «لابد» به معنای وجوب و هیچ گریزی از آن نیست، استعمال می شود: «أصل معنى لابد: لا مفارقة لأن أصله في الإثبات: بد الأمر: فترق و تبدد، فإذا نفي التفرق بين شيئين حصل تلازم بينهما فصار أحدهما واجبا للآخر و من ثم فسرره بوجوب» (الدقر، معجم القواعد العربية في النحو والتصريف، ص ۳۷۳).
۳. «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ»: ای لایطیقاها أو لایتعرض لدفعها» (مجلسی، مرآة العقول، ج ۹، ص ۴۲۶)؛ «لایقدر علی معارضتها و لایقاومها شیء» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۲۷).

۱. هرچند مبداء جنگ از منطقه «آذربایجان تاریخی» شکل خواهد گرفت، اما به سایر مناطق و کشورها نیز گسترش خواهد یافت؛ زیرا آتش وقتی از ناحیه‌ای شروع شود، اگر نتوان با آن مقابله کرد (لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ)، طبیعی است که به سایر مناطق نیز سرایت خواهد کرد. همچنین بیانگراین است که تلاش‌های بین‌المللی برای جلوگیری از شعله‌ور شدن آتش جنگ آذربایجان بی‌نتیجه است و جنگ فراگیر خواهد شد و نقش محوری در آغازین شعله‌های جنگ جهانی قبل از ظهور ایفا خواهد کرد.

۲. احتمال دارد مداخله نظامی برخی از کشورها به علت تضاد منافع در جنگ منطقه آذربایجان، یکی از دلایل عدم کنترل آتش این جنگ باشد. ضمن اینکه ممکن است کشورها برای پایان دادن به این جنگ رغبتی نداشته باشند؛ زیرا دنیا درگیر جنگ و مرگ سفید و... است و برای پایان دادن به این درگیری و نزاع اقدامی صورت نخواهد گرفت.

۳. همچنین احتمال دارد باتوجه به جوهر معنایی عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» یکی از مصادیق بارز آتش این جنگ، استفاده از سلاح منحصربه‌فرد نظامی در میدان جنگ باشد که وقتی رخ داد، اثرات مرگبار آن به هیچ‌عنوان قابل جلوگیری و عدم اشاعه به سایر نقاط نیست.

بنابراین باتوجه به عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» علاوه بر تأکید بر وقوع جنگ، سه احتمال: گسترش آتش جنگ، بی‌نتیجه بودن تلاش‌های بین‌المللی و یا استفاده از سلاح منحصربه‌فرد نظامی که اثرات مرگباری و جبران‌ناپذیری دارد، مطرح است.



### ► عدم مداخله نظامی مستقیم در جنگ آذربایجان

درباره عبارت «أَخْلَاسٌ بِيُوتِكُمْ»، باتوجه به «معانی لغوی»<sup>۱</sup> و «خانواده حدیثی»<sup>۲</sup> این مصطلح حدیثی در تراث مهدوی در تحلیل گزاره جنگ آذربایجان قبل از ظهور، پنج احتمال مهم مطرح است:

۱. اینکه به شیعیان توصیه شده و البته این نهی شامل مسئولان حکومتی و تک تک شیعیان است که نباید در این جنگ شرکت کنند و در خانه هایتان باشید و مداخله مستقیم نظامی نکنید (أَخْلَاسٌ بِيُوتِكُمْ)، خود قرینه بر این است که آتش جنگ و فتنه انگیزی توسط دشمن از سمت آذربایجان طراحی و برنامه ریزی خواهد شد.

۲. همچنین بیانگران است شیعه در این جنگ شرکت ندارد؛ زیرا چگونه ممکن است امام معصوم دستور عدم مداخله نظامی بدهد، در حالی که «شیعه زمینه ساز» نیز یکی از طرفین جنگ است؟

۳. عبارت «أَخْلَاسٌ بِيُوتِكُمْ» قرینه بر این است که منظور از آذربایجان، آن

۱. «يقال: فلان جلس من أخلاس البيت للذي لا يبرح البيت» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۵۴). بیشتر در هنگام بروز فتنه ها، از این عبارت استفاده می شود: «في حديث الفتن: عدّ منها فتنة الأخلاس كونوا أخلاس بيوتكم أي الزموها» (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۱، ص ۴۲۳)؛ «في الحديث: كن جِلساً من أخلاس بيتك... أي لا تبرح أمره بلزوم بيته وترك القتال في الفتنه» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۵۵).

۲. عبارت «أَخْلَاسٌ بِيُوتِكُمْ» مصطلح حدیثی است - و در «تراث مهدوی» این عبارت و مشابه آن: «اجلسوا في بيوتكم» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۷؛ طوسی، الغيبة، ص ۱۶۳)؛ «لَا تَبْرَحِ الْأَرْضَ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۷۴)؛ «تَلْزَمُ بَيْتَكَ وَتَقْعُدُ فِي دَهْمَاءَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۴)؛ «جِلساً مِنْ أَخْلَاسِهِ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴) - باتوجه به «خانواده حدیثی»، جملات مشهور امامان معصوم برای ممانعت شیعیان از شرکت در فتنه ها: «كُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ فَإِنَّ الْفِتْنَةَ عَلَى مَنْ أَثَارَهَا» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۸) و قیام های نظامی مخالف دیدگاه اهل بیت در جنگ های مضر به کیان شیعه بوده است: «اجلسوا في بيوتكم فإذا رأيتمونا قد اجتمعنا على رجلٍ فانهتوا إلينا بالسلاح» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۷).

مناطق از سرزمین «آذربایجان تاریخی» مقصود است که خارج از مرزهای ایران قرار دارد. والا چگونه امکان دارد امام معصوم، شیعیان را در برابر جنگی که در خاک و وطنشان رخ داده است، دعوت به عدم مقابله نظامی نماید، در حالی که دفاع در برابر تجاوز دشمن، واجب شرعی است.

۴. با دعوت به بی طرفی می توان دریافت جنگ ناحیه آذربایجان برای دین و مذهب نیست و طرفین جنگ برحق نیستند. بلکه جنگ بر سر منافع دنیوی<sup>۱</sup> و جنگ بین دشمنان است و مطلق شیعیان، حتی شیعیان آذربایجان نیز، نباید در این جنگ مداخله کنند.

۵. همچنین بیانگر این مهم است که جنگ، ارتباط مؤثری با زمینه سازی ظهور و محور مقاومت شیعی ندارد. بلکه وظیفه اصلی قوای نظامی، در عین مراقبت از حدود و ثغور و مرزها، باید توجه به حوادث جغرافیایی مثلث «کوفه، مکه و قدس» باشد؛ زیرا احتمال دارد آتش این فتنه، نقشه و برنامه ریزی دشمنان برای درگیر کردن قدرت نظامی شیعه برای غفلت از حوادث «جغرافیای ظهور» به ویژه در عراق،<sup>۲</sup> شام و فلسطین صورت گرفته باشد؛ زیرا چگونه ممکن است

۱. البته حساب مردم و شیعیان مظلوم بلاد آذربایجان از حکومت‌ها جداست. هر چند طبیعی است در آتش جنگ، ترو خشک باهم بسوزد؛ زیرا نعمت و بلا هرگاه واقع شود، فرقی بین گناهکار و دیگران نیست: «التَّقِيمةُ إِذَا نَزَلَتْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَمَّنْ قَارِبَ الْمُؤْنِبِ، دِفَاعٌ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵) و احتمال دارد شیعیان مظلوم کشور آذربایجان و سایر مناطق نیز طعمه خواسته‌های نامشروع حاکمان و قدرت‌های استعماری گردند، اما وظیفه محور مقاومت شیعی و حکومت زمینه ساز این است در حد توان و استطاعت، مانع از قتل و خونریزی گردد و حتی در جهت خنثی کردن فتنه دشمنان، تمهیداتی، هر چند با کمک غیرمستقیم برای مقابله با اقدامات «دشمن اصلی» باشد. البته احتمال دارد شیعیان به دلیل توصیه معصومان در مناطق جنگی «بلاد آذربایجان تاریخی» که مرزهای آن تا دریای سیاه امتداد داشته است، حضور ندارند.

۲. سناریوی آینده عراق قبل از ظهور:

آتش جنگ آذربایجان در «فرایند ظهور» حضرت مؤثر باشد، اما امام معصوم دستور عدم حمایت و همکاری را صادر نماید؟

۶. البته تأکیدی بر تدوین استراتژی نظامی است. از آنجا که قوای دشمن در این جنگ تحلیل می‌رود و دشمنان درگیر چند جبهه جنگ هستند، حضرات معصومین، شیعیان را از ایجاد جبهه جدید و فرسایش قدرت نظامی جبهه حق در این منطقه بر حذر داشته‌اند.

### ► تأکید مجدد و هشدار بر عدم مشارکت نظامی در جنگ آذربایجان

درباره عبارت «الْبُدُومَا أَلْبَدْنَا»، با توجه به «معانی لغوی»<sup>۱</sup> و «خانواده حدیثی»<sup>۲</sup> این مصطلح حدیثی در تراث مهدوی در تحلیل گزاره جنگ آذربایجان قبل از ظهور، این احتمال مهم مطرح است: چه بسا «تأکید مجدد» معصوم بر عدم مشارکت در جنگ، تلمیحی باشد به این مسئله که احتمال دارد یکی از طرفین جنگ، شیعه را به مشارکت فعال و مداخله نظامی در این جنگ فراخواند، اما نهی و تأکید مجدد امام معصوم هشدار است که کیان شیعه نباید در این جنگ دخالت مستقیم نظامی داشته باشد؛ زیرا فتنه از سوی دشمنان طراحی شده است. به گونه‌ای که مخالفان شیعه نیز به این بهانه وارد جنگ با محور مقاومت شیعی شوند و از این رهگذر موجب تضعیف و استهلاک قدرت نظامی مقاومت شیعی گردد.

۱. «لَبَدٌ بِالْمَكَانِ: أَقَامَ بِهِ» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۸۵)؛ «لَبَدُ الشَّيْءِ بِالْأَرْضِ يَلْبَدُ بِالضَّمِّ أَي لَصِقَ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۶).

۲. حدیث حدیفة و ذکر فتنة: «فَقَالَ: الْبُدُومَا لُبُودَ التَّرَاعِي... أَي اقْعُدُوا فِي بُيُوتِكُمْ لَا تَخْرُجُوا مِنْهَا فَتَهْلِكُوا» (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۴، ص ۲۲۴).

### ► اوج اقتدار و آمادگی نظامی قبل از ظهور

در عین حال عبارت پایانی، بیانگر این است که شیعه باید «اوج آمادگی نظامی» را حفظ نماید تا در هنگام نصرت امام عصر با تمام قوا در اختیار وی قرار گیرند: «فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبَّوْا.» ضمن اینکه این حوادث در آستانه ظهور است و مخاطرات فراوانی شیعه را تهدید می‌کند. از این رو باید در اوج اقتدار نظامی در برابر دشمن صف‌آرایی نمایند.<sup>۱</sup> کما اینکه در توصیف زمینه‌سازان ظهور، تصریح شده است که در مراحل پایانی منتهی به ظهور امام عصر، در وضعیت مرحله سیوف (آماده‌باش جنگی) برای مقابله با دشمن هستند.<sup>۲</sup> حال آیا می‌توان در برابر تهدیدات فراوان قبل از ظهور، فقط به «آمادگی فردی» نظامی بسنده کرد؟<sup>۳</sup> البته

۱. ضمن اینکه «ادله عام قرآنی» نیز مبنی بر حفظ اقتدار نظامی و استفاده از سلاح‌های پیشرفته برای مقابله با دشمنان حکایت دارد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» انفال: ۶۰.

۲. «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالشَّرْقِ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ... يَقُومُوا وَ لَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳).

۳. همان اشتباهی که مخالفان «قیام زمینه‌ساز ظهور» با برداشت نادرست خویش از برخی احادیث دارند و البته پاسخ‌های متعددی نیز داده شده است (رک: مرتضی‌عاملی، مختصر مفید، ج ۳، ص ۱۷۴؛ پورسیدآقایی، «چالش‌های روایی تشکیل حکومت در عصر غیبت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۳۸۷-۴۰۴)؛ البته در احادیث معتبر نیز از قوم زمینه‌ساز که قیام می‌کنند و با دشمن می‌جنگند و کشته‌های آنان «شهید» محسوب می‌شود و سرانجام انقلابشان به حکومت جهانی امام عصر متصل خواهد شد، سخن به میان آمده است و بدین سان مشروعیت قتال و جنگ با دشمنان قبل از ظهور نیز اثبات می‌شود: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالشَّرْقِ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ... يَقُومُوا وَ لَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳). طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان، در ذیل آیه ۴ سوره اسراء درباره وعده مجازات «فساد بنی اسرائیل در فلسطین با محوریت مسجد الاقصی» می‌فرماید: «قد تظاهرت الأخبار عن أئمة الهدى من آل محمد في أن الله تعالى سيعيد عند قيام المهدي قوما ممن تقدم موتهم من أوليائه و شيعته ليفوزوا بثواب نصرته و معونته و يبتهجوا بظهور دولته» (طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۳۶۷).

عبارت «فَاشْعَوْا إِلَيْهِ وَاذْعَبُوا»<sup>۱</sup> در تراث مهدوی باتوجه به «احادیث هم خانواده» به «فعالیت منسجم نظامی شیعه زمینه ساز» اشاره دارد<sup>۲</sup> و مقصود، تحرکات فردی نیست؛ زیرا با تشکیل «خانواده حدیثی»، درمی یابیم وظیفه شیعیان، پیوستن به زمینه سازان و ملحق شدن به پرچم های هدایت قبل از ظهور (پرچم یمانی و خراسانی) است.<sup>۳</sup> به همین دلیل برخی از اصحاب خاص امام عصر، سخن معصوم را تمکین کردند و در سپاه اعزامی ایرانیان به عراق برای مقابله با دشمن، حضور دارند.<sup>۴</sup>

از این رهگذر می توان برداشت اشتباه مخالفان «تشکیل قدرت منسجم شیعی» تحت شعار واحد «زمینه سازی» در «جغرافیای ظهور» را بیش از پیش احساس کرد؛ زیرا چگونه ممکن است نقشه های پیچیده جبهه باطل را خنثی نمود، در حالی که شیعه قبل از ظهور از قدرت نظامی سخت افزاری و نرم افزاری به هدف یاری امام عصر برخوردار نباشد؟ در حالی که به قرینه اینکه جبهه باطل و در رأس آن دشمن اصلی امام عصر،<sup>۵</sup> سفیانی،<sup>۶</sup> که حمایت مثلث «غربی»<sup>۷</sup> -

۱. «فَإِذَا تَحَرَّكَ مَتَحَرِّكُنَا فَاشْعَوْا إِلَيْهِ وَاذْعَبُوا» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۳).

۲. «فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ فَانْتَهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ» (نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۷).

۳. هم پیمانی یمانی و خراسانی در جنگ با جریان سفیانی در حوادث خاورمیانه:

(<http://rajanews.com/node/305827>)

۴. «بَيْنَهُ الشُّفْيَانِيُّ جَيْشاً إِلَى الْكُوفَةِ... فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَايَاتٌ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ... وَمَعَهُمْ نَقَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰).

۵. «الشُّفْيَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمِ» (صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۴۶).

۶. سفیانی، اسم رمز حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور برای بازه زمانی کمتر از دو سال که علاوه بر تسلط بر سوریه، به عراق حمله نظامی می کند. ضمن اینکه برای حمایت از حاکمان هم پیمان خویش در عربستان و در جهت مقابله با امام عصر نیز نیروی نظامی به مدینه و مکه اعزام می کند (کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۳۸۰).

۷. سفیانی، مورد حمایت غربی هاست: «يُقْبَلُ الشُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِراً فِي عُتْقِهِ صَلِيبٌ وَهُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ» (طوسی، الغیبه، ص ۴۶۳)؛ در عبارت «فِي عُتْقِهِ صَلِيبٌ» دو احتمال مطرح است: سفیانی چون

عبری<sup>۱</sup> - عربی<sup>۲</sup> را به همراه خود دارد، باید جبهه حق و محور مقاومت شیعی نیز تحت پرچم واحد و شعار واحد «زمینه سازی ظهور»، قدرت نظامی خویش در «جغرافیای ظهور» و محیط پیرامونی را تحکیم بخشد.

البته این مهم برعهده ایرانیان نهاده شده<sup>۳</sup> که نقش مدیریت و سرپرستی جهان تشیع و رهبری امت در مواجهه با دشمن و جبهه استکبار (مثلث شوم غربی - عبری - عربی)<sup>۴</sup> برعهده آنان نهاده شده که توانسته است تحت پرچم «جبهه حق» و شعار واحد «زمینه سازی» با گردهم آوردن شیعیان از مناطق مختلف جغرافیای ظهور - عراق (عصائب العراق)،<sup>۵</sup> یمن (اهل الیمن)،<sup>۶</sup> لبنان

مسیحی و رومی است، صلیب برگردن دارد و نماینده غربی هاست و یا به ظاهر مسلمان است، اما مورد حمایت غربی هاست.

۱. سفیانی، مورد حمایت یهود است: «إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا (اسراء: ۸) يَغْنِي إِنْ عُدْتُمْ {اليهود} بِالسُّفْيَانِيِّ عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» (قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۴).

۲. آل بنی فلان قبل از ظهور بر عربستان حکومت می کنند: «يَا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غُلَامٍ بِالْمَدِينَةِ... يَقْتُلُهُ جَيْشُ آلِ بَنِي فُلَانٍ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷)؛ سفیانی هم پیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان است: «فَيَبْتَدِرُ الْحَسَنِيُّ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَنْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَيَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِيِّ... وَيَبْعَثُ الشَّامِيُّ عِنْدَ ذَلِكَ جَيْشًا إِلَى الْمَدِينَةِ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۵).

۳. در احادیث، برای ایرانیان عبارت «لَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ» و نقش زمینه سازی ذکر شده است (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳).

۴. عبارت مثلث «غربی - عبری - عربی» و اصطلاحات مشابه دیگر در این نوشتار، برگرفته از احادیث است، به عنوان مثال در گذشته برای رومی ها، عنوان صلیبی اطلاق می شده است که معادل امروزی آن، «غربی ها» است و نیز سایر موارد در این نوشتار به همین منوال است. اصطلاح امروزی برای گفتار قرآنی «فساد بنی اسرائیل در فلسطین با محوریت مسجد الاقصی» نیز که در سوره اسراء به آن اشاره شده است، از آن به رژیم اسرائیل و یهود صهیونیسم یاد می شود. البته این رویه در مقالات پژوهشی در فصلنامه های علمی نیز متداول است (به عنوان نمونه: مؤدب، «واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۴، ص ۹۴-۹۵؛ طباطبایی امین، «ارتباط سوره اسراء با مهدویت و نقد و بررسی آراء مفسران فریقین»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵، ص ۳۴۳).

۵. طوسی، الغيبة، ص ۴۷۷.

۶. طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶.

و فلسطین (ابدال الشام)<sup>۱</sup> - در مثلث «کوفه، مکه و قدس»، فرایند امر ظهور را برای تشکیل حکومت حقه جهانی حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیا و فراهم سازند.<sup>۲</sup>

### ► ظهور امام عصر، منجی موعود

به قرینه اینکه «مُتَّحَرِّكُنَا»، در ادامه چنین توصیف شده است: با او بین «رکن و مقام» در مکه بیعت می شود،<sup>۳</sup> به یقین مقصود «امام مهدی» است؛ زیرا متواتر است که امام عصر از مکه، ظهور و قیام خواهند فرمود.<sup>۴</sup> درباره اینکه چرا به جای تعبیر «قائم آل محمد»<sup>۵</sup> که تعبیر صریح تری است، اصطلاح «مُتَّحَرِّكُنَا» استعمال شده است، می توان وجوه مختلفی بیان کرد. از جمله: قبل از این عبارت، دعوت به سکون و عدم تحریک نظامی شده است، اما برای اینکه مخاطب گمان نکند

۱. ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۴۳۳. لازم به ذکر است «ابدال الشام» از بیعت کنندگان با امام عصر در هنگامه ظهور با اصطلاح «ابدال» در کتب برخی عرفا فرق دارد. توضیح اینکه: در احادیث متعددی ذکر شده است بعد از ظهور و قیام امام عصر از کنار کعبه در مکه، شیعیان مناطق مختلف همچون «رایات من خراسان»، «عصائب عراق»، «اهل یمن»، «نجباء مصر» و «ابدال شام» با حضرت بیعت خواهند نمود (مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸) در الغیبه شیخ طوسی بیعت شیعیان چنین گزارش شده است: «يُتَابِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثِيَّةً وَتَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ الشُّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِضْرَوِّ الْأَبْدَالِ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَالْأَخْيَارِ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ» (طوسی، الغیبه، ص ۴۷۷) (در نسخه کتاب عمدة عیون صحاح و کتاب الإختصاص، واژه «عصائب عراق» ذکر شده است). ضمن اینکه برخی از این افراد در زمره ۳۱۳ نفر یاران امام عصر نیز قرار خواهند گرفت: «خُرُوجُ الشُّفِيَّاتِي... وَ رَجُلٌ مِّنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ يُتَابِعُ لَهُ بَيْنَ زَمْرَمَ وَالْمَقَامِ يَزْكُبُ إِلَيْهِ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَأَبْدَالِ الشَّامِ وَ نُجَبَاءُ أَهْلِ مِضْرَوِّ وَ تَصِيرُ أَهْلُ الْيَمَنِ عِدَّتُهُمْ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ» (طبری، دلائل الإمامة، ص ۴۶۶؛ مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸).

۲. ایران قبل از ظهور، مواجهه نظامی بعد از دو مرحله مطالبه حق: (<http://mshrgh.ir/1040587>) و (<http://rajanews.com/node/334458>).

۳. «فَإِذَا حَرَّكَ مُتَّحَرِّكُنَا... لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ يُتَابِعُ النَّاسَ» (نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴).

۴. «مَهْدِيٌّ أُمَّتِي... يُتَابِعُهُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ» (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۵)؛ «الْقَائِمُ... بِمَكَّةَ... فَيُتَابِعُونَهُ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۱-۲۸۲)؛ «يُتَابِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ» (طوسی، الغیبه، ص ۴۷۷).

۵. سعیدی، اوصاف المهدی، ص ۱۲۲.

عدم مداخله نظامی، بی حد و مرز است، با استعمال لفظ «متحرکنا» برای امام عصر، به مخاطب این پیام را گوشزد می‌کند که در عین حال باید آمادگی کامل نظامی وجود داشته باشد تا به محض اعلام «ساعت صفر» ظهور و قیام جهانی حضرت، زمینه سازان ظهور و محور مقاومت شیعی با آمادگی کامل نظامی<sup>۱</sup> در میادین رزم با دشمن، حضور فعال داشته باشند. بنابراین مناسب مقام چنین اقتضایی دارد.

### اقوال مختلف در گزاره آتش آذربایجان قبل از ظهور

همان طور که بیان گردید گزاره «آتش آذربایجان» در الغیة نعمانی نقل شده است و البته در دیگر کتب حدیثی شیعه از جمله کتاب الملاحم والفتن<sup>۲</sup> ابن طاووس، کتاب إثبات الهداة<sup>۳</sup> حر عاملی نیز تکرار شده است. بنابراین همه کتب شیعی نسخه «لابد لنا» را ثبت و ضبط کرده‌اند، اما در نسخه متأخر (کتاب بحار الأنوار)، نسخه «لابد لنا» ترجیح داده شده است که همین اختلاف نسخ، موجب برداشت‌های گوناگون شده و در این رابطه «سه دیدگاه مهم» مطرح شده است:

#### ► دیدگاه اول: قیام آذربایجان در حمایت از حکومت زمینه ساز

در کتاب بحار الأنوار علامه مجلسی به جای عبارت «لابد لنا»، عبارت «لابد لنا» است<sup>۴</sup> که برخی از معاصران نیز این نسخه را برگزیده‌اند<sup>۵</sup> و در تقویت نظریه

۱. «فَاتَهُدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ» (نعمانی، الغیة، ص ۱۹۲).

۲. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۳۷۰.

۳. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۸.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵ و ۲۹۳.

۵. کورانی، عصر ظهور، ص ۴۱ و ۶۳؛ خراسانی، مهدی منتظر، ص ۲۱۴؛ سلیمان، یوم الخلاص، ص ۲۱۸.



خویش، شواهدی نیز اقامه می‌کنند.<sup>۱</sup> آنگاه موافقان این دیدگاه، گزاره «لابد لنا من آذربایجان» را این‌گونه معنا می‌کنند: آذربایجان قطعاً در جهت حمایت از ما اهل بیت است (پرچم هدایت و ذخیره الهی برای انقلاب امام مهدی است)<sup>۲</sup> و این واقعه حتماً به وقوع خواهد پیوست. در این صورت به قیام مردمی در غرب ایران (آذربایجان) در جهت تقویت جبهه زمینه‌ساز شیعی و حمایت از فرایند امر ظهور حضرت اشاره دارد.<sup>۳</sup> همان‌طور که قیام‌های مردمی دیگری در نقاط مختلف ایران از جمله شمال (دیلم و جیلان) و شرق ایران (خراسان) در سال ظهور شکل خواهد گرفت<sup>۴</sup> و در نهایت همه این حرکت‌های مردمی، موجب تقویت موافقین حضرت در ایران و جبهه سید خراسانی و حکومت زمینه‌ساز خواهد شد؛ زیرا چنین به نظر می‌رسد قبل از ظهور، صحنه سیاسی ایران شاهد اختلاف و رویارویی مخالفان (غرب‌گرایان) با موافقان (زمینه‌سازان) امر ظهور در این کشور است<sup>۵</sup> و در واقع حرکت مردم در آذربایجان و دیگر نقاط ایران در جهت تأیید حکومت زمینه‌ساز و تسهیل فرایند ظهور خواهد بود.<sup>۶</sup>

۱. «ظَهَرَتْ لِوَلَدِي رَايَاتُ التُّرْكِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۶). به قرینه حرکت‌های مردمی در دیلم و خراسان. از این رو در آذربایجان نیز قیام مردمی در جهت حمایت از حکومت زمینه‌ساز رخ خواهد داد و بنابراین نسخه «لابد لنا» صحیح است.

۲. «لابد لثورة المهدي عليه السلام من ثورة تنطلق من آذربایجان لا يقف بوجهها شيء» (سلیمان، يوم الخلاص، ص ۲۱۸)؛ «و حركة هدى في آذربایجان» (کورانی، عصر الظهور، ص ۴۱)؛ «ان حركة آذربایجان لا بد منها للظهور المقدس... رايات الترك ترفع داعية للامام المهدي» (کورانی، المعجم الموضوعي لإحاديث الإمام المهدي، ص ۶۱۱). در آذربایجان انقلابی پدید می‌آید که هیچ قدرتی را در برابر آن یارای مقاومت نیست و پرچم هدایت است و هدف این قیام، نصرت و یاری امام مهدی است.

۳. مهدی پور، روزگار رهایی، ج ۲، ص ۱۰۳۱.

۴. «قَامَ الْقَائِمُ بِخُرَاسَانَ... وَقَامَ مِثْلًا قَائِمٌ بِجِيلَانَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۵).

۵. کورانی، المعجم الموضوعي لإحاديث الإمام المهدي، ص ۴۹۵ و ۵۰۵-۵۰۶؛ کورانی، فرهنگ موضوعي احاديث امام مهدی، ص ۶۸۳ و ۶۹۵-۶۹۶.

۶. کورانی، المعجم الموضوعي لإحاديث الإمام المهدي، ص ۶۱۰-۶۱۱؛ کورانی، فرهنگ موضوعي احاديث

## اختلاف داخلی ایران در سال ظهور

مطابق این دیدگاه، در ایران بین موافقان و مخالفان امام عصر در سال ظهور اختلاف ایجاد خواهد شد،<sup>۱</sup> اما حرکت‌های مردمی از آذربایجان، دیلم و خراسان<sup>۲</sup> توسط سادات بنی‌هاشم<sup>۳</sup> در جهت تأیید خواسته‌های حکومت زمینه‌ساز شکل خواهد گرفت و به این ترتیب موافقان امام عصر در ایران بر مخالفان پیروز خواهند شد.

## قیام مردمی از آذربایجان در تأیید حکومت زمینه‌ساز ایران

در این میان نقش قیام مردمی آذربایجان در تأیید حکومت زمینه‌ساز ظهور برجسته‌تر است و در واقع حرکت مردم آذربایجان ایران به عنوان یکی از «مراحل پایانی» انقلاب مردم مشرق زمین (ایرانیان) در جهت تأیید و نصرت

امام مهدی، ص ۸۰۳-۸۰۴.

۱. «فَيُعْظُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳). این فقره از حدیث، دلالت بر اختلاف بین موافقان و مخالفان امام عصر در سال ظهور در ایران دارد؛ زیرا دشمنان در ابتدا حق ایرانیان را نمی‌دهند «يَظْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ»، اما در نهایت مجبور به پذیرش خواسته‌های ایرانیان خواهند شد، اما این بار در کمال تعجب ایرانیان نخواهند پذیرفت و وارد مرحله قیام می‌شوند: «فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا» و این دوگانگی در نحوه اخذ حق، دال بر این است که در میان ایرانیان در نحوه مواجهه با دشمنان اختلاف نظر وجود دارد (کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۴۹۵؛ کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۶۸۳).

۲. «قَامَ الْقَائِمُ بِخُرَاسَانَ... وَ قَامَ مِثْلًا قَائِمٌ بِجِيلَانَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۵)؛ «لَا بُدَّ لَنَا مِنْ أَذْرَبِيحَانَ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵)؛ این احادیث، دلالت بر این دارد که قیام‌های مردمی منسجم و هماهنگ با یکدیگر در نقاط مختلف ایران در جهت حمایت از حکومت زمینه‌ساز و آرمان امام مهدی شکل خواهد گرفت (کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۵۰۶؛ کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۶۹۶).

۳. زیرا از «قائم بجیلان» تعبیر «مِثْلًا» شده است (کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۶۱۱)؛ «قائم بخراسان» نیز سید خراسانی است (کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۶۰۹).

امام عصر علیه السلام خواهد بود. با تشکیل خانواده حدیث، این دیدگاه تقویت می شود:

لَا بُدَّ لَنَا مِنْ أَذْرَبِيْجَانَ (= مِنْ بِلَادِ الْمَشْرِقِ) لَا يَقُومُ هَآ شَيْءٌ (= يَقُومُوا وَلَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ)... فَإِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا (= صَاحِبِكُمْ).<sup>۱</sup>

در فرض صحت این احتمال، به نظر می رسد قیام مردم آذربایجان در تأیید موافقان امام عصر بعد از ندای آسمانی در سال ظهور<sup>۲</sup> رخ می دهد. البته هر چند برخی از محققان بر وقوع اختلاف داخلی در ایران در سال ظهور تأکید ویژه دارند<sup>۳</sup> و بر صحیح بودن نسخه «لابد لنا» از آذربایجان پافشاری می کنند.<sup>۴</sup>

البته قرینه ای مبنی بر وجود قیام مردمی ترک ها در جهت تقویت دیدگاه خویش اقامه می کنند (ظَهَرَتْ لَوْلَدِي رَايَاتُ التُّرْكِ)،<sup>۵</sup> اما گزاره حوادث آذربایجان، دو نسخه ای است: نسخه علامه مجلسی (نسخه متأخر) در کتاب بحار الأنوار «لابد لنا» است،<sup>۶</sup> اما نسخه نعمانی (نسخه متقدم) در کتاب الغيبة «لابد لنا» است.<sup>۷</sup> در حالی که نسخه سید بن طاووس در کتاب الملاحم والفتن<sup>۸</sup> و نسخه

۱. منطقه آذربایجان نیز جزء بلاد مشرق شمرده می شود: «نَهْرِيْقَالُ لَهُ الرَّئِيسُ مِنْ بِلَادِ الْمَشْرِقِ» (صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۴۱).

۲. نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

۳. «يُظْهَرَانِه يَكُون بَعْدَ النَّدَاءِ السَّمَاوِي... وَوَقْتَهَا سَنَةُ الظُّهُورِ» (کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۶۱۰-۶۱۱).

۴. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۴۹۵ و ص ۵۰۵-۵۰۶. کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۶۸۳ و ص ۶۹۵-۶۹۶.

۵. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۵۰۶. کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۶۹۶.

۶. نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۶.

۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵ و ۲۹۴.

۸. نعمانی، الغيبة، ص ۱۶۳ و ۲۹۴.

۹. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۳۷۰.

شیخ حر عاملی در کتاب اثبات الهداة<sup>۱</sup> نیز اصح بودن نسخه نعمانی را تقویت می‌کند و در نتیجه نمی‌توان قضاوت قاطعی ابراز داشت.

### ابهامات و سؤالات

البته این دیدگاه با ابهاماتی روبه‌روست: نسخه «لابد لنا»، نسخه ضعیف و شاذ است، ضمن اینکه در صورت اختلاف نسخ، نسخه کتاب اصلی و منبع، ارجح است و کتاب الغیة نعمانی، تقدم رتبی و علمی نیز دارد. مضاف بر این، نسخه «لابد لنا» در دیگر کتب حدیثی نیز تکرار شده است،<sup>۲</sup> اما نسخه «لابد لنا» در کتاب بحار الأنوار در عین اینکه «نسخه متأخر» است، «نسخه منفرد» نیز است و در هیچ کتاب دیگری مشابه آن وجود ندارد. نویسندگان آثار مهدوی نیز همگی نسخه متقدم «لابد لنا» را پذیرفته‌اند و از نسخه متأخر اعراض کردند.<sup>۳</sup> از مجموع آنچه بیان گردید، نسخه «لابد لنا» صحیح‌تر است. ضمن اینکه اگر فرض بر صحت نسخه «لابد لنا» باشد، تناقض و ابهام محتوایی نیز پیش خواهد آمد: زیرا «صدر حدیث» می‌فرماید: «در منطقه آذربایجان، قیام مردمی در جهت حمایت از آرمان امام مهدی شکل خواهد گرفت و طبیعتاً هر کسی توان دارد باید به آن پیوندد؛ زیرا قیامی مورد تأیید اهل بیت است (لنا) و چیزی هم جلودار این قیام نخواهد بود (لایقوم لها شیء)»، اما «ذیل حدیث» به صراحت می‌فرماید: «شیعیان در خانه‌هایشان باشند (احلاس بیوتکم، کنایه از عدم مشارکت) و در این قیام شرکت نکنند».<sup>۴</sup>

۱ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۸.

۲ ابن طاووس، الملاحم و الفتن، ص ۳۷۰؛ نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۵؛ حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۸.

۳ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۱۳، ص ۷۴. مرتضی عاملی، مختصر مفید، ج ۳، ص ۱۶۲-۱۶۳.

۴ در واقع عبارت «احلاس بیوتکم» با نسخه «لابد لنا» سازگاری ندارد؛ چون مگر می‌شود حرکت مردمی آذربایجان در دفاع از اهل بیت و نصرت امام عصر، شکل بگیرد، اما امام معصوم دستور به

چگونه است باوجود اینکه قیامی مورد تأیید اهل بیت و یاری امام عصر است، اما شیعه نباید در این قیام شرکت کند؟ بنابراین دیدگاه استاد کورانی با ابهام روبه‌روست.

ضمن اینکه منطقه آذربایجان قدیم، منطقه وسیعی بوده است و شامل مناطقی خارج از ایران نیز می‌شود و معلوم نیست قطعاً آذربایجان داخل ایران مراد است یا خارج از ایران؟ حال چگونه وقتی استدلالی بر پایه احتمال بنا نهاده شده است، چنین مطرح شود که در راستای تأیید حکومت زمینه‌سازان ایرانی، قیامی شکل خواهد گرفت؟ در حالی که نصیحت اهل بیت به عدم مشارکت شیعه در این قیام است و البته در فصول قبلی نیز شواهد متعددی در ضعف این دیدگاه بیان گردید.<sup>۱</sup>

#### ► دیدگاه دوم: آتش آذربایجان و شعله‌های آغاز جنگ جهانی قبل ظهور

دیدگاه دوم، عبارت «لَا بَدَّ لِنَارٍ» و ارتباط آتش آذربایجان با جنگ جهانی قبل از ظهور را مطرح می‌کند و همان‌طور که بیان گردید منظور از آذربایجان، مناطقی خارج از ایران مقصود است<sup>۲</sup> و در واقع اشاره به فتنه‌هایی دارد که از سمت آذربایجان مانند آتش به سایر نقاط نیز شعله‌ور می‌شود و به قرینه «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» به تدریج گسترش می‌یابد.<sup>۳</sup>

---

خانه‌نشینی و عدم حمایت از این قیام را صادر نمایند؟

۱. ن.ک: اعتبارسنجی «محتوایی» جنگ آذربایجان.

۲. اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ منطقه آذربایجان فراخواندند (فَكُونُوا أَخْلَاسَ يُبُوتِكُمْ)، بیانگر آن است که این جنگ، ابتدا در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه‌ساز» رخ خواهد داد.

۳. «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» دلالت بر این دارد که جنگ در ناحیه آذربایجان، تداوم و گسترش می‌یابد و هیچ حدومرزی برای آن وجود ندارد. لازم به ذکر است این عبارت در تراث حدیثی فقط برای «خشم

برفرض صحت این دیدگاه، به قرینه «أَخْلَاسٌ يُؤْتِكُمْ»، آتش آذربایجان در زمره حوادث ایران محسوب نمی‌شود. بلکه مربوط به شراره‌های جنگ جهانی قبل از ظهور خواهد بود و به شیعیان توصیه شده است بی‌طرف باشند. البته شعله‌های آتش جنگ جهانی بر اثر عوامل مختلفی ایجاد خواهد شد و در کنار آتش آذربایجان، حوادث دیگری همچون اختلاف ترک با روم، حوادث شرق سوریه (قرقیسیا)، اختلاف بین غربی‌ها (هرج الروم)، اختلاف شرق با غرب و... این حادثه رارقم خواهند زد.

### حوادث فتنه شام و هرج الروم

از جمله این عوامل، واقعه «هرج الروم» است که در خلال حوادث «فتنه شام» قبل از ظهور رخ خواهد داد. از این رو شایسته است حوادث قبل و بعد از آن و ارتباط آن با آتش آذربایجان نیز واکاوی شود تا به فهم و درک صحیح و بهتری درباره رخدادهای «جغرافیای ظهور» و محیط پیرامونی آن دست یافت. در فتنه شام قبل از ظهور، طبق احادیث معتبراً سلسله حوادثی رخ می‌دهد:

۱. اختلاف رمحان (اختلاف بین دو جبهه نظامی)؛

۲. رجفة الشام (جنگ)؛

و قدرت الهی استعمال شده است: «بِقُوَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» (طوسی، مصباح المتعجد، ج ۲، ص ۵۷۲)؛ «عِنْدَ غَضَبِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۴) و حاکی از این است این آتش هیچ چیز جلودار آن نیست.

۱. علی الصغیر، اسئله مهدویة، سؤال ۱۴۱۶ (https://www.sh-alsagheer.com/post/4209)؛ «نار آذربایجان بین المخزون الروائی و مجریات الواقع المعاصر، یوتیوب (https://www.youtube.com/watch?v=Y\_3f3PEo4ao).

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۴۶۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶ و ۲۵۳؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۹؛ مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵؛ طوسی، الغیبة، ص ۴۴۲؛ عیاشی، التفسیر، ج ۱، ص ۶۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۷.

۳. ورود نظامیان رایات الصفر (پرچم های زردرنگ)؛
۴. خسف دمشق؛
۵. مارقة الشام (خروج ساکنان نواحی هم مرز با ترک ها)؛
۶. هرج الروم؛
۷. حمله اخوان الترك به شرق سوریه؛
۸. حضور نظامی مارقة الروم (هم پیمانان یهودیان) در فلسطین<sup>۱</sup>.

### جنگ قرقیسیا در شرق سوریه

همان طور که گفته شد در مراحل پایانی فتنه منطقه شام که در احادیث متعدد به طرق مختلف و موثق<sup>۲</sup> با «سه سند معتبر»<sup>۳</sup> گزارش شده است.<sup>۴</sup> وقوع «هرج الروم»؛ اختلاف، فتنه و قتل، هرج و مرج و جنگ بین غربی ها قبل از ظهور محتمل است.<sup>۵</sup> حال چرا در خلال حوادث فتنه شام، ناگهان سخن از «هرج الروم» آمده

---

۱. برای آگاهی بیشتر: امیری، «بررسی و تحلیل حوادث فتنه شام سوریه قبل از ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ص ۳۴۷-۳۶۸.

۲. سند احادیث واقعه «هرج الروم»، موثق و صحیح است (رستمی، بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبه شیخ طوسی، ص ۶۱-۶۵؛ آیتی، تأملی در نشانه های حتمی ظهور، ص ۸۱ و ۸۴؛ علی الصغیر، علامات الظهور بحث فی فقه الدلالة والسلوک، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۴).

۳. ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۱۲۵.

۴. از جمله، سند موثق و معتبر در کتاب الغیبه شیخ طوسی: أخبرنا أبو عبد الله: شیخ مفید ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۹۹) عن محمد بن علی بن الحسین: شیخ صدوق ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۹۰) عن محمد بن الحسن: ابن ولید ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۸۳) عن أحمد بن إدريس: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۹۲) عن علی بن محمد بن قتیبة: ممدوح (نجاشی، الرجال، ص ۲۵۹) عن الفضل بن شاذان: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۰۷) عن الحسن بن محبوب: اصحاب اجماع ثقه (کشی، الرجال، ص ۵۵۶) عن عمرو بن أبی المقدام: ممدوح ثقه (کشی، الرجال، ص ۳۹۲. ابن داود، الرجال، ص ۴۸۸) عن جابر الجعفی: ثقه (کشی، الرجال، ص ۱۹۶) عن أبی جعفر: (امام معصوم).

۵. «الهرج: الفتنة» (جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۳۵۰)؛ «الهرج: القتال» (فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۸۸)؛

است؟ زیرا دانسته می شود حوادث منطقه قرقیسیا در شرق سوریه<sup>۱</sup> به دلیل تضاد منافع، جنگ بین ستمگران و غیرمسلمانان<sup>۲</sup> شکل می گیرد و از سلاح هایی استفاده خواهد شد که قبل از آن در جنگ ها استفاده نشده و مشابه این جنگ در تاریخ بشریت وجود نداشته است<sup>۳</sup> و سپس موجب سرایت شعله های جنگ به سراسر جهان خواهد بود.<sup>۴</sup>

### اختلاف ترک ها با غربی ها

البته شعله های آتش جنگ قبل از ظهور به رومی ها و غربی ها (هرج الروم) محدود نخواهد شد. بلکه اختلاف ترک ها با رومی ها نیز به دلیل تضاد منافع

«الهِرْجُ: شِدَّةُ الْقَتْلِ وَ كَثْرَتُهُ» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۹)؛ «فی الحدیث: قُدَّامُ السَّاعَةِ هَرْجٌ أَى قِتَالٌ شَدِيدٌ» (ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۳۲). در منابع حدیثی فریقین نیز واژه «هرج» بیشتر به معنای قتل و جنگ به کار رفته است: «الهرج: القتل» (صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۵۷)؛ «بَيْنَ يَدَى السَّاعَةِ... يَكْتُرُ فِيهَا الْهَرْجُ وَ الْهَرْجُ الْقَتْلُ» (بخاری، صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۱۱؛ النیسابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۶).

۱. منطقه قرقیسیا: محل اتصال رود خابور به فرات در شرق سوریه در دیرالزور است (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۲۸).

۲. حوادث منطقه قرقیسیا در سوریه یکی از علت های اصلی جنگ بین جبارین و قدرت های استعماری است: «بِقَرْقِيسِيَا... هَلَمُوا إِلَى الشَّيْخِ مِنْ لُحُومِ الْجُبَّارِينَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۸).

۳. از زمان خلقت آسمان و زمین در تاریخ بشریت، چنین جنگی روی نداده است و روی نخواهد داد و بیانگر این است از سلاح های غیرمتعارف استفاده خواهد شد که قبل از آن سابقه نداشته است و البته شدت جنگ، تعداد کشورهای درگیر، تعداد کشته ها نیز می تواند مقصود باشد: «يَا مُيَسِّرُ، كُنْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ قَرْقِيسَا (قرقیسیا)... إِنَّهُ سَيَكُونُ بِهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلُهَا مُنْذُ خَلَقَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَا يَكُونُ مِثْلُهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵)؛ همه راویان، امامی و ثقه و جلیل القدر و سند حدیث نیز موثق است. (مرکز نور، نرم افزار درایة النور).

۴. چرایی گنجاندن عبارت «هرج الروم» در خلال حوادث «فتنه شام» توسط امام معصوم نیز روشن و آشکار خواهد شد: «تَسْقُطُ ظَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقَ وَ مَارِقَةٌ تَمْرُقُ مِنْ نَاحِيَةِ الثُّرَكِ وَ يَغْتَبُّهَا هَرْجُ الرُّومِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰؛ مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵) و بیانگر این است که حوادث منطقه قرقیسیا در شرق سوریه، یکی از علت های اصلی هرج الروم خواهد بود.



در مناطق مختلف، یکی دیگر از عواملی است که جنگ‌ها در سراسر جهان شعله‌ور خواهد شد:

فَإِذَا خَالَفَ الشُّرُكُ الرُّومَ وَكَثُرَتِ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ،<sup>۱</sup> يَتَخَالَفُ الشُّرُكُ وَالرُّومُ وَ  
تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ وَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ سُورِ دِمَشْقَ وَيُنَادِي لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ شَرِّ  
قَدِ اقْتَرَبَ.<sup>۲</sup>

به قرینه عبارت «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» که حاکی از گسترش آتش دارد و نیز به دلیل اینکه ترک‌ها از عوامل اصلی دخیل در تخریب آذربایجان هستند،<sup>۳</sup> قطعاً یکی از دلایل اختلاف غربی‌ها با ترک‌ها در حوادث منطقه آذربایجان خواهد بود. همان‌طور که بیان گردید، حکمت و چرایی ذکر «لایقوم لها شیء» برای آتش جنگ آذربایجان، شاید به این دلیل باشد که در خلال حوادث این منطقه و متأثر از آن، کشورهای دیگر به دلیل تضاد منافع، دچار اختلاف با یکدیگر و جنگ می‌شوند. همچنین به قرینه اینکه در گزارش جنگ «ولد عباس با جوانان ارمنی و آذری» نیز از کلیدواژه‌های مشترک (قتل آلف آلف، موت احمر و طاعون) با جنگ جهانی استفاده شده است،<sup>۴</sup> بیانگر این است آتش جنگ در منطقه آذربایجان در کنار اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها و نیز در کنار حوادث فتنه شام در شرق سوریه

۱. طوسی، الغیبة، ص ۴۴۱.

۲. طوسی، الغیبة، ص ۴۶۳.

۳. «لِلشُّرُكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ آذَرْبِيجَانَ وَخَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ» (ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۹۱).

۴. «حَرْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَآذَرْبِيجَانَ تِلْكَ حَرْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا أَلُوفٌ وَ أَلُوفٌ كُلُّ يَغْبِضُ عَلَى سَيْفٍ مَحَلٍّ مَحْفُوقٍ عَلَيْهِ زَايَاتٌ سُودٌ تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوبُهَا (يُسْتَبَشَرُ فِيهَا) الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَالطَّاعُونُ» (نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶؛ حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴).

(قرقیسیا)، از عوامل شعله‌های شرارت آتش «جنگ جهانی قبل از ظهور»<sup>۱</sup> است.<sup>۲</sup>

### جنگ بلوک شرق و غرب: هرج و مرج جهانی

البته علت شروع جنگ جهانی منحصر به قرقیسیا و اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها نیست. بلکه قبل از ظهور، هرج و مرج جهانی عالم‌گیر خواهد شد:

وَمِمَّا مَهْدَىٰ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا... فَحِينَئِذٍ يَأْذُنُ اللَّهُ لَهُ  
بِالْخُرُوجِ.<sup>۳</sup>

مشابه حدیث فوق در منابع شیعی با سندهای مختلف و ذکر کثیری از راوت حدیث در طریق روایات نیز نقل شده است.<sup>۴</sup>

اختلاف «بلوک شرق با غرب» موجب «خوف و ترس» و «نارضایتی عمومی» جهانی خواهد شد و تا ظهور و ندای آسمانی ادامه خواهد داشت:

اِخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَأَهْلُ الْمَغْرِبِ... وَيَلْقَى النَّاسُ جُهْدًا شَدِيدًا مِمَّا يَمُرُّ بِهِمْ مِنَ  
الْخَوْفِ فَلَا يَزَالُونَ بِتِلْكَ الْحَالِ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ.<sup>۵</sup>

البته این خوف و ترس فراگیر در اثر حملات کشورهای متخاصم به یکدیگر در قالب جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ادامه خواهد یافت:

خَرَابُ السِّنْدِ مِنَ الْهِنْدِ، وَخَرَابُ الْهِنْدِ مِنَ الصِّينِ... وَخَرَابُ الزَّوْرَاءِ مِنَ

۱. «قُدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرَ وَمَوْتُ أَبْيَضُ... الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَالْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الظَّاعُونُ» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۲. مراجعه کنید به: جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی.

۳. گنجی شافعی، البیان فی أخبار صاحب الزمان، ص ۴۷۹؛ سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۱۸.

۴. خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۶۳، ۱۰۷ و ۱۵۱.

۵. نعمانی، الغیبة، ص ۲۶۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵؛ همه راویان، امامی و ثقه و جلیل‌القدر و سند حدیث نیز موثق و معتبر است (مرکز نور، نرم افزار درایة النور) ضمن اینکه راویان حدیث فوق با حدیث آتش آذربایجان، مشترک است (رک: اعتبارسنجی سندی آتش آذربایجان).

السُّفْيَانِي، يُنَادِي مُنَادِي الْجَزْحَى عَلَى الْقَتْلَى وَدَفْنِ الرِّجَالِ وَغَلْبَةِ الْهِنْدِ عَلَى  
السِّنْدِ... وَغَلْبَةِ أَنْدُلُسَ عَلَى أَطْرَافِ إِفْرِيقِيَّةَ... وَغَلْبَةِ الرُّومِ عَلَى الشَّامِ وَ  
غَلْبَةِ أَهْلِ أَرْمِينِيَّةَ عَلَى أَرْمِينِيَّةَ... ثُمَّ ذَكَرَ خُرُوجَ الْقَائِمِ.<sup>۱</sup>

جنگ‌های بین هند و پاکستان و بین هند و چین، حمله سفیانی به عراق،  
چیره شدن اندلس (اروپایی‌ها) بر برخی از مناطق آفریقا و تسلط رومی‌ها بر منطقه  
شام و مغلوب شدن ارمنی‌ها در جنگ با دشمن،<sup>۲</sup> همگی در زمره مصادیق  
هرج و مرج جهانی و تنازع بلوک شرق و غرب است. البته جنگ به سایر نقاط نیز  
گسترش پیدا خواهد کرد؛ زیرا هریک از ممالک و کشورها، هم‌پیمانانی دارند که  
ناگزیر به حمایت از آنان، وارد میدان جنگ خواهند شد.

### ماه صفر، آغاز جنگ‌های قبل از ظهور

گفتنی است طبق برخی اقوال، زمان آغاز جنگ‌ها قبل از ظهور در مناطق  
مختلف دنیا به مدت یک سال از «ماه صفر تا ماه صفر» ادامه خواهد داشت:

مِنْ كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَشَّارِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُظْهِرَ آلَ مُحَمَّدٍ بَدَأَ  
الْحَرْبَ مِنْ صَفَرٍ إِلَى صَفَرٍ وَذَلِكَ أَوَانُ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ.<sup>۳</sup>

اما حدیث یادشده دلالت قطعی بر وقوع هرج و مرج الروم، نزاع نظامی بین بلوک  
شرق و غرب و هرج و مرج جهانی ندارد. بلکه صرفاً به آشوب‌ها و جنگ‌های

۱. ابن کثیر، النهایة فی الفتن و الملاحم، ج ۱، ص ۸۰.

۲. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۷۴.

۳. «غَلْبَةُ أَهْلِ أَرْمِينِيَّةَ عَلَى أَرْمِينِيَّةَ»، شگفت اینکه از «دشمن ارمنی‌ها» در جنگ با «ارمنی‌ها»، به «اهل  
ارمنیه» یاد شده است؛ زیرا در صدر اسلام، ارمنیه بر مناطقی وسیعی بین آذربایجان قدیم و روم اطلاق  
می شده است: «أَرْمِينِيَّةُ نَاحِيَةٌ بَيْنَ أَدْرَبِيْجَانَ وَ الرُّومِ» (قزوینی، آثار البلاد، ص ۴۹۵) حتی برخی  
مناطق کشور آذربایجان کنونی را نیز شامل می شود.

۴. عاملی نباطی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۸ حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۰۶.

قبل از ظهور اشاره کرده است. ضمن اینکه حدیث تصریحی به مدت یک سال ندارد و ابهام دارد. بلکه صحیح است این‌گونه معنا شود آغاز و پایان برخی از جنگ‌های قبل از ظهور، در ماه صفر است.

### عوامل جنگ جهانی قبل ظهور

حال با تشکیل «خانواده حدیثی» اگر واقعه «هرج الروم» (جنگ بین غربی‌ها)<sup>۱</sup> که در احادیث متعدد به طرق مختلف و موثق<sup>۲</sup> با «سه سند معتبر»<sup>۳</sup> گزارش شده است،<sup>۴</sup> به احادیث «جنگ قرقیسیا» در شرق سوریه<sup>۵</sup> و احادیث «اختلاف ترک

۱. «الهرج: الفتنة» (جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۳۵۰) و «القتال» (فراهیدی، المعین، ج ۳، ص ۳۸۸)؛ «الهرج: شدة القتل و كثرتة» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۳۸۹)؛ «فی الحدیث: قدام الساعة هرج أى قتال شدید» (ازهری، تهذیب اللغة، ج ۶، ص ۳۲). در منابع حدیثی فریقین نیز واژه «هرج» بیشتر به معنای قتل و جنگ، به کار رفته است: «الهرج: القتل» (صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۵۷)؛ «بین یدى الساعة... یكثر فیها الهرج و الهرج القتل» (بخاری، صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۱۱؛ النیسابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۵۶).

۲. سند واقعه «هرج الروم»، موثق و صحیح است (رستمی، بررسی توصیفی و تحلیلی کتاب الغیبة شیخ طوسی، ص ۶۱-۶۵؛ آیتی، تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور، ص ۸۱ و ۸۴؛ علی‌الصغیر، علامات الظهور بحث فی فقه الدلالة والسلوک، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۴).

۳. ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۱۲۵.

۴. از جمله، سند موثق و معتبر در کتاب الغیبة شیخ طوسی: أخبرنا أبو عبد الله: شیخ مفید ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۹۹) عن محمد بن علی بن الحسین: شیخ صدوق ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۹۰) عن محمد بن الحسن: ابن ولید ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۸۳) عن أحمد بن إدريس: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۹۲) عن علی بن محمد بن قتیبة: ممدوح (نجاشی، الرجال، ص ۲۵۹) عن الفضل بن شاذان: ثقه (نجاشی، الرجال، ص ۳۰۷) عن الحسن بن محبوب: اصحاب اجماع ثقه (کشی، الرجال، ص ۵۵۶) عن عمرو بن أبی المقدم: ممدوح ثقه (کشی، الرجال، ص ۳۹۲) ابن داود، الرجال، ص ۴۸۸) عن جابر الجعفی: ثقه (کشی، الرجال، ص ۱۹۶) عن أبی جعفر: (امام معصوم).

۵. منطقه قرقیسیا: محل اتصال رود خابور به فرات در شرق سوریه در دیرالزور است (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۲۸). حوادث منطقه قرقیسیا در سوریه یکی از علت‌های اصلی جنگ بین جبّارین و قدرت‌های استعماری است: «یقرقیسیاء... هلّموا إلى السبّیح من الحوم الجبّارین» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۸). از زمان خلقت آسمان و زمین در تاریخ بشریت، چنین جنگی روی نداده است و

با روم<sup>۱</sup> و اختلاف «بلوک شرق با غرب»<sup>۲</sup> و نیز احادیث «قتل و مرگ جمعیت کثیری از دنیا»<sup>۳</sup> ضمیمه نماییم، بسیاری از انسان‌ها با «جنگ جهانی» قبل از ظهور، در اثر «مرگ سرخ»<sup>۴</sup> و «مرگ سفید»<sup>۵</sup> به قتل می‌رسند.

### مرگ سرخ و مرگ سفید

به گونه‌ای که بر اثر اختلافات، فتن و جنگ‌ها قبل از ظهور بسیاری از مردم جهان در اثر مرگ سرخ (جنگ و خونریزی، کنایه از سلاح‌های جنگی و اتمی) و مرگ سفید (طاعون، کنایه از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و بیوتروریسم) به قتل خواهند رسید:

«قَدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرٍ وَمَوْتُ أبيضٍ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ خَمْسَةِ الْمَوْتِ الْأَحْمَرَ السَّيْفُ، وَالْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونُ»<sup>۶</sup>.

روی نخواهد داد و بیانگر این است از سلاح‌های غیرمتعارف استفاده خواهد شد که قبل از آن سابقه نداشته است: «یا مُبْتَدِرُ، كَمْ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ قَرْقِيسَا (قرقیسیا)... إِنَّهُ سَيَكُونُ بِهَا وَقْعَةٌ لَمْ يَكُنْ مِثْلَهَا مُنْذُ خَلَقَ اللهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَا يَكُونُ مِثْلَهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵)؛ همه راویان، امامی و ثقه و جلیل‌القدر و سند حدیث نیز موثق است (ر.ک: مرکز نور، نرم افزار درایه النور).

۱. «فَإِذَا خَالَفَ التُّرُكُ الرُّومَ وَ كَثُرَتِ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ» (طوسی، الغیبه، ص ۴۴۱)؛ «يَتَخَالَفُ التُّرُكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ وَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ سُورِ دِمَشْقَ وَ نِيلٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ مِنْ شَرْقٍ اقْتَرَبَ» (طوسی، الغیبه، ص ۴۶۳).

۲. «اخْتَلَفَ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ... وَ يَلْقَى النَّاسَ جُهْدًا شَدِيدًا مِمَّا يَمْتَرِبُهُمْ مِنَ الْخَوْفِ» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۲).

۳. «قَدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرٍ وَ مَوْتُ أبيضٍ... الْمَوْتُ الْأَحْمَرَ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونُ» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۴. مرگ سرخ (الموت الاحمر): جنگ و خونریزی، کنایه از سلاح‌های جنگی و اتمی.

۵. مرگ سفید (الموت الابيض): طاعون، کنایه از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و بیوتروریسم.

۶. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۵؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

مشابه این محتوا در احادیث متعدد<sup>۱</sup> به سندهای معتبر نیز گزارش شده است.<sup>۲</sup> از این دو نوع مرگ در روایات به موت احمر و موت ابیض تعبیر شده است و مرگ سرخ به جنگ‌ها و کشتارهای خونین پیش از ظهور و مرگ سفید - که به عبارت‌های گوناگون «موت ذریع»،<sup>۳</sup> «موت الفجأة»<sup>۴</sup> و «موت الجارف»<sup>۵</sup> تعبیر شده است - به مرگ با بیماری واگیردار (همچون طاعون، بیوتروریسم) و نیز مرگ ناگهانی اشاره دارند. البته با وجود سلاح‌های مدرن امروزی که قدرت تخریب و نابودی فراوانی دارند و نیز سلاح‌های کشتار جمعی همچون سلاح اتمی و سلاح هیدروژنی که می‌توانند بخش عمده‌ای از انسان‌های روی زمین در مدت زمان کوتاهی نابود شوند، احتمال رخ دادن چنین اتفاقاتی از واقعیت به دور نیست.<sup>۶</sup>

۱. میرباقری، موسوعة الامام المنتظر، ج ۲، ص ۴۶-۴۸؛ کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۷۷۱-۷۷۷.

۲. ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹-۲۹۲.

۳. مرگ سریع: «إِنَّ قُدَّامَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَامَاتٌ... مَوْتُ ذَرِيْعٍ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۵۰؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹)؛ ذریع: «سریعاً کثیراً» (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۲، ص ۱۵۸).

۴. مرگ ناگهانی: «مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ... وَ مَوْتُ الْفَجْأَةِ» (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۱)؛ «إِذَا جَاءَهُ بَغْتَةً» (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۳، ص ۴۱۲).

۵. مرگ سریع همگانی: «لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ ذَلِكَ الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ وَ الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ... أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَبْيَضُ فَالْمَوْتُ الْجَارِفُ وَ أَمَّا الطَّاعُونَ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۹۰)؛ «الموت الجارف أي العام كما في اللغة: من كثرته يذهب بكل شيء» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵)؛ «الطاعون الجارف سمي جارفاً لأنه كان ذريعاً، جَرَفَ النَّاسَ كَجَرَفِ السَّيْلِ» (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۲۶۲). البته نسخه علامه مجلسی، «موت الجاذف» ذکر شده که آن نیز به معنای مرگ سریع است: «الجاذف: القاطع» (ابن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۷، ص ۶۹)؛ «و السریع» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹).

۶. اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۱۴۰.

### یهود صهیونیسم در فلسطین و آرامش قبل از طوفان

نکته بسیار عجیب و مبهم، این است که چرا فلسطین محل تجمع یهود صهیونیسم و به طور کلی مناطق «نیل تا فرات» از آتش جنگ جهانی قبل از ظهور به دور خواهد بود؟ احتمالاً طراحان جنگ جهانی، برای کاستن از جمعیت کثیر جهان و بسط حاکمیت خویش بر دنیا و از همه مهم‌تر برای پیشبرد اعتقادات مذهبی صهیونیست مسیحی<sup>۱</sup> مبنی بر کشته شدن دوسوم مردم دنیا قبل از ظهور مسیح، آتش جنگ جهانی آرماگدون<sup>۲</sup> اتمی<sup>۳</sup> را شعله‌ور کنند. بنابراین هیچ تعجبی نخواهد بود مارقه الروم و یهود اسرائیل ساکن فلسطین اشغالی، جرقه‌های جنگ جهانی را در نقاط مختلف ایجاد و خود نظارگر کشته شدن جمع کثیری از مردم دنیا باشند. بنابراین فتنه‌انگیزی بین هند و پاکستان (خراب السند من الهند)، چین و هند (خراب الهند من الصين) و... که محل تمرکز جمعیت عظیم و درعین حال صاحب بمب‌های اتمی هستند، یکی از برنامه‌های یهود و صهیونیست مسیحی برای خلاص شدن فوری از میلیاردها جمعیت دنیا و به زعم خویش اجرای آخرین مرحله بازگشت منجی است.

البته جنگ، ناگزیر به سایر کشورهای دیگر نیز سرایت خواهد کرد، اما امید است شیعیان و مسلمانان خاورمیانه در مثلث «کوفه، مکه و قدس» به دلایلی

---

۱. احمدوند، «آخرالزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۴، ص ۹۹-۱۲۳.

۲. شیروودی، «مسیحیت انجیلی تشیع ایرانی و آینده بشر»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱، ص ۱۰۰-۱۲۸؛ ضابط، «احداث معبد بزرگ در بیت المقدس»، ماهنامه موعود، ش ۴۸، ص ۵۲-۶۰.

۳. هال سل، تدارک جنگ بزرگ، ص ۱۹.

که بیان شد، از شعله‌های جنگ جهانی به دور باشند<sup>۱</sup> و کمتر آسیب ببینند،<sup>۲</sup> اما ذکر کلیدواژه موت ایض (مرگ سفید)، نشانگر این است که علاوه بر جنگ (مرگ سرخ و خونریزی)، استفاده از سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و حملات بیولوژیک به مناطق مختلف جهان، از جمله بلاد شیعی نیز وجود خواهد داشت.

### سنت الهی، اضمحلال جبهه استکبار قبل از ظهور

البته مجموعه عواملی همچون آتش آذربایجان، اختلاف ترک با روم، حوادث شرق سوریه (قرقیسیا)، اختلاف بین غربی‌ها (هرج الروم)، اختلاف شرق با غرب و... که شعله‌های جنگ جهانی را رقم خواهند زد، در واقع «سنت الهی» برای تضعیف و اضمحلال قدرت‌های بزرگ قبل از ظهور است.<sup>۳</sup> شاهد این امر،

۱. طبسی، نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۵۵. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۷۷۷. اکبرنژاد، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، ص ۱۴۱. طبسی، فی رحاب حکومت الإمام المهدي، ص ۵۱. شواهدی نیز بر این امر می‌توان اقامه نمود. از جمله در برخی احادیث تصریح شده است شیعیان و مناطق خاورمیانه کمتر آسیب خواهند دید؛ کارشناسان مرکز تخصصی مهدویت نجف اشرف نیز این دیدگاه را برگزیدند: «أكثرية هذا القتل المرتبط بهذه الحروب سيكون خارجاً عن محيط الدول الإسلامية» (<https://www.m-mahdi.com/main/?page=questions&id=1016>) و احتمال دارد در زمره یک سوم نجات‌یافته از آتش جنگ جهانی قرار گیرند: «لا يكون هذا الأمر حتى يذهب ثلثا الناس، فقليل له: إذا ذهب ثلثا الناس فما يبقى؟ فقال: أما ترصون أن تكونوا الثلث الباقي» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۶؛ مشابه آن: طوسی، الغيبة، ص ۳۳۹)؛ سند نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۹۱).

۲. البته ناگزیر آتش جنگ جهانی و اختلاف شرق و غرب، بخشی از مناطق مسلمانان را نیز تا حدودی شامل خواهد شد: «اختلف أهل المشرق وأهل المغرب نعم وأهل القبلة ويلقى الناس جهنم شديداً مما يترجمهم من الخوف» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵)؛ نشانگر این است که مشکلات و خوف مسلمانان به تبع اختلاف و جنگ بین غرب و شرق ایجاد خواهد شد. همان‌طور که محقق محترم کتاب الغيبة، مرحوم غفاری، استنباط فرمودند: «بقريئة قوله "وأهل القبلة" أن المراد بأهل المشرق و المغرب الكفار أما أهل الكتاب أو غيرهم من المشركين أو الملاحدة والدهريين» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۲).

۳. سنت استدراج الهی: «الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون» (اعراف: ۱۸۲)؛ سنت



بعد از ظهور هیچ سخنی از لشکرکشی نظامیان غربی به مقرر حکومتی امام عصر در حجاز و عراق نیست. بلکه این لشکر جبهه حق است که با قدرت نظامی خیره‌کننده به سمت فلسطین و منطقه شام حرکت می‌کنند و موجبات آزادی نهایی قدس فراهم خواهد شد.<sup>۱</sup>

### آتش آذربایجان و تضعیف جبهه باطل

هرچند آزادی فلسطین بعد از ظهور است، اما به این معنا نیست که زوال و فروپاشی تدریجی اسرائیل نیز اتفاق نخواهد افتاد. بلکه جنگ شیعه با اسرائیل و مارقه الروم در قبل از ظهور است و زمانی جبهه مقاومت شیعی آخرین میخ را بر تابوت اسرائیل خواهد کوبید که قدرت‌های غربی حامی این رژیم ضعیف شده باشند که این با واقعه هرج الروم اتفاق خواهد افتاد. از این‌رو زمان جنگ محور مقاومت شیعی با اسرائیل بعد از «هرج الروم» قبل از ظهور است و یکی از مصادیق بارز «هرج الروم»، واقعه «آتش آذربایجان» است که موجبات ضعف جبهه باطل را فراهم می‌آورد و به دلیل اینکه قوای نظامی شیعه به توصیه اهل بیت در این جنگ شرکت نکرده است (أَخْلَاسٌ بِيُوتِكُمْ)، کمتر آسیب می‌بیند و تمرکز محور مقاومت شیعی در اختیار حوادث جغرافیای «کوفه، مکه و قدس» قرار می‌گیرد.

بنابراین طبق دیدگاه دوم، گزاره آتش آذربایجان یکی از شعله‌های جنگ

استیصال و اضمحلال جبهه باطل: «كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ» (طه: ۱۲۸)؛ سنت نجات مومنان: «تُنَجِّي رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس: ۱۰۳)؛ سنت غلبه حق بر باطل: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ» (انفال: ۷)؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (فتح: ۲۸).

۱. فلسطین قبل از ظهور، زمان جنگ شیعه با رژیم صهیونیستی، نابودی اسرائیل قبل یا بعد از ظهور

(<http://mshrgh.ir/1075156>) و (<http://rajanews.com/node/336847>).

جهانی قبل از ظهور خواهد بود و همان طور که بیان شد منظور از آذربایجان، مناطقی خارج از ایران است<sup>۱</sup> و در واقع به فتنه‌هایی اشاره دارد که از سمت آذربایجان مانند آتش به سایر نقاط نیز شعله‌ور می‌شود و به قرینه «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» به تدریج گسترش می‌یابد.<sup>۲</sup> همچنین به قرینه «أَخْلَاسُ بِيُوتِكُمْ» آتش آذربایجان در زمره حوادث ایران محسوب نمی‌شود و به شیعیان توصیه شده است بی‌طرف باشند.

### ► دیدگاه سوم: نقشه حمله به ایران از سوی همسایگان شمال غربی

دیدگاه سوم، نگاه بسیار متفاوتی را نسبت به دو دیدگاه پیشین ابراز و بیان می‌نماید: مقصود از آذربایجان، مناطقی در ایران است و در آستانه ظهور، آتشی از سمت آذربایجان در شمال غربی ایران توسط دشمن (کنایه از نقشه و تدارک حمله از سمت آذربایجان) شکل خواهد گرفت. هرچند شکست در یک جبهه محتمل است، اما پیروز نهایی در مصاف با دشمن، متعلق به جبهه زمینه‌ساز ایران خواهد بود. از جمله شکست دادن بزرگ‌ترین دشمن امام عصر، لشکر نظامی سفیانی در عراق که حمایت و پشتیبانی مثلث «غربی، عبری، عربی» را دارد، توسط لشکر زمینه‌ساز ایرانی<sup>۳</sup> که بعد از این واقعه، مردم تمنا و آرزوی ظهور حضرت را خواهند داشت.<sup>۴</sup>

۱. اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ منطقه آذربایجان فراخواندند (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ)، بیانگر آن است که این جنگ، ابتدا در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه‌ساز» رخ خواهد داد.

۲. «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» دلالت بر این دارد که جنگ در ناحیه آذربایجان تداوم و گسترش می‌یابد و هیچ حدومری برای آن وجود ندارد.

۳. «يَبْعَثُ الشُّفِيَانِيَّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ... فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَكَ رَايَاتٌ مِنْ قِبَلِ خُرَّاسَانَ... وَمَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۴. «إِذَا هَزَمَتِ الرَّيَاثُ السُّودُ خَيْلَ الشُّفِيَانِيَّ... تَمَّتْ النَّاسُ الْمْتَهِدِيَّ فَيَطْلُبُونَهُ» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۵۹۰).

البته مدافعان این نظریه در تقویت این دیدگاه می‌کوشند به شواهدی از میراث حدیثی نیز استناد نمایند که در ادامه نقد و بررسی خواهد شد:

### تحرکات دشمن از مرزهای شمالی ایران

در کتاب کمال الدین شیخ صدوق، از قصد و طراحی نقشه حمله دشمنان از سمت آذربایجان به منطقه ری (تهران) در نزدیکی طالقان ایران، سخن به میان آمده است که البته با تدبیر الهی، بین دشمنان جنگی سخت و بسیار هولناک رخ می‌دهد و نقشه حمله به ایران، منتفی خواهد شد:

يَخْرُجُ السَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْمِينِيَّةَ وَآذْرِبَيْجَانَ يُرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ الْمُتَلَاجِمَ  
بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرِ لَزِيْقِ جَبَلِ طَالِقَانَ فَيَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمَرْوَزِيِّ وَقَعَةً... وَيُظْهِرُ  
الْقَتْلَ بَيْنَهُمَا.<sup>۱</sup>

ضمن اینکه در روایتی دیگر از خسف «بلاد جبال» در ایران از جمله خسف منطقه ری (تهران) در هنگامه ظهور، سخن به میان آمده است:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَيْنَ بِلَادُ الْجَبَلِ فَإِنَّا قَدْ رَوَيْنَا أَنَّهُ إِذَا رَدَّ إِلَيْكُمْ الْأَمْرُ يُخَسَفُ  
بِبَعْضِهَا... فَأَمَّا الرَّيُّ فَوَيْلٌ لَهُ مِنْ جَنَاحِيهِ.<sup>۲</sup>

احتمال دارد با توجه به حدیث کمال الدین، مراد از خسف ری، خرابی و در نتیجه انجام موفقیت آمیز حمله دشمن باشد،<sup>۳</sup> اما این احتمال ضعیف است؛ زیرا بیان شد در حدیث کمال الدین، صرفاً به قصد و نقشه‌ی حمله به ایران اشاره

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲.

۳. چنین عنوان می‌کنند: «این دسته از احادیث، به عملیاتی شدن حمله هوایی به کوه‌های اطراف تهران اشاره دارد که به نظر می‌رسد حمله به تأسیسات اتمی زیرزمینی ایران در اطراف تهران مقصود است و خسف ری، در واقع ناشی از حمله هوایی دشمن به تهران است.» به دلیل احتمال تبلیغ کانال‌های تلگرامی و سایت‌های فضای مجازی نشردهنده این افکار، از ذکر منبع صرف نظر می‌کنیم.

شده است، اما سخنی از وقوع و عملیاتی شدن آن در میان نیست و مسکوت است و بر فرض صحت ارتباط حدیث دوم با حوادث ایران قبل از ظهور - به دلیل وجود قرینه «إِذَا رُذِّ إِلَيْكُمُ الْأَمْرُ»<sup>۱</sup> - مراد از خسف ری، حادثه طبیعی بر اثر زلزله در «منطقه ری» باشد که منجر به خسف و فرورفتن زمین در مناطقی از آن (تهران) می شود.

### نقشه حمله به تهران

البته خسف ری در این حدیث به معنای زلزله، احتمال ضعیفی است؛ زیرا در ادامه حدیث بیان شده است که حوادثی در تهران به دلیل اختلاف شمشیرها (کنایه از جنگ دو طرف مقابل) رخ خواهد داد:

فَأَمَّا الرَّيُّ فَوَيْلٌ لَهُ مِنْ جَنَاحَيْهِ... قِيلَ وَمَا جَنَاحَاهُ قَالَ أَحَدُهُمَا بَغْدَادُ وَالْآخَرُ  
خُرَاسَانُ فَإِنَّهُ تَلْتَقِي فِيهِ سَيْوْفُ الْخُرَاسَانِيِّينَ وَسَيْوْفُ الْبَغْدَادِيِّينَ.<sup>۲</sup>

به نظر می رسد با توجه به اینکه در هنگام حمله سفیانی به عراق، حکومت مرکزی بغداد از اختیار شیعیان خارج می شود، «سیوف بغداد» اشاره به حضور پایگاه های نظامیان دشمن در خاک عراق و قصد حمله به ایران از این پایگاه ها در عراق باشد. البته طبق این گزاره حدیثی، مناطق شمال تهران بیشتر در معرض خطر و آسیب دشمن قرار دارد و مناطق جنوب تهران کم خطرتر معرفی شده است:

فَأَمَّا الرَّيُّ فَوَيْلٌ لَهُ مِنْ جَنَاحَيْهِ وَإِنَّ الْأَمْنَ فِيهِ مِنْ جِهَةِ قُمْ.<sup>۳</sup>

۱. در تراث حدیثی شیعه از امام عصر به «صاحب الامر» تعبیر شده است: «لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۶)؛ «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي... يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۶) و مقصود از بازگشت امر به اهل بیت «إِذَا رُذِّ إِلَيْكُمُ الْأَمْرُ» در واقع برپایی حکومت اهل بیت در آخر الزمان است.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲.

۳. البته در ادامه حدیث، به انتقال برخی از مردم تهران به شهرهای قم و اردهال نیز اشاره شده است: «فَيَأْوِي أَهْلَ الرَّيِّ إِلَى قُمْ... ثُمَّ يَنْتَقِلُونَ مِنْهُ إِلَى مَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ أَرْدِسْتَانُ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲).

در تقویت این دیدگاه، حدیث کمال الدین نیز مؤید همین مطلب است:

يَخْرُجُ السَّرُوسِيُّ مِنْ أَرْضِ مِثْنَةَ وَأَذْرَبِيحَانَ يُرِيدُ وَرَاءَ الرَّيِّ الْجَبَلَ الْأَسْوَدَ الْمُتَلَاحِمَ  
بِالْجَبَلِ الْأَحْمَرَ لَزِيْقَ جَبَلِ طَالِقَانَ.<sup>۱</sup>

سروسی از مناطقی در ارمنستان و آذربایجان خروج می‌کند و در تدارک نقشه حمله به مناطقی در ایران (کوه سیاه در پشت منطقه ری «تهران» که به کوه سرخ چسبیده و به کوه‌های طالقان متصل است)، می‌باشد.<sup>۲</sup> این حدیث به قصد و نقشه حمله دشمن از پایگاه‌های خود در کشورهای شمال غربی ایران (ارمنستان و آذربایجان) برای حمله به ایران، به ویژه مناطق نزدیک به کوه‌های سیاه (کوه‌های تُوچال)<sup>۳</sup> که در شمال تهران واقع است، اشاره دارد.

### حمله نظامی به ایران

در ادامه استدلال خویش مبنی بر حمله به ایران از سمت آذربایجان، به احادیث اهل سنت مبنی بر حمله هوایی یا زمینی به برخی مناطق ایران نیز استناد می‌جویند؛ زیرا در منابع مکتب خلفاء، از جنگ و درگیری نظامی بین سپاه ایران با لشکر سفیانی که توسط مثلث شوم «غربی - عبری - عربی» حمایت می‌شود، در مناطق مختلف ایران، از جمله منطقه ری (تهران) سخن به میان آمده است:

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲. مراد از «پشت ری» بخش شمالی از شهر تهران می‌باشد و «کوه سیاه» همان کوه تُوچال است که از دور سیاه دیده می‌شود و بر تجریش و پیرامونش در شمال شهر تهران سایه می‌افکند و در بخش جنوبی کوه‌های اَلْبُزْزِ مرکزی، جای دارد و «کوه سرخ» همان کوه است که در بخش کرج، میان کوه سیاه در تهران و کوه‌های طالقان، جای دارد و مقصود از «طالقان» در این حدیث، سرزمینی است میان کرج و قزوین که در شمال غربی تهران قرار دارد.

۳. کوه‌های تُوچال واقع در شمال تهران که از دور نیز به رنگ سیاه دیده می‌شود.

یَبِثُ السَّفِيَانِي جَنُودَهُ فِي الْأَفَاقِ بَعْدَ دُخُولِهِ الْكُوفَةَ وَبَغْدَادَ... فَتَقْبِلُ أَهْلَ الْمَشْرِقِ عَلَيْهِمْ قِتْلًا... فَتَكُونُ لَهُمْ... وَقَعَةٌ بِدَوْلَابِ الرِّيِّ.<sup>۱</sup>

حمله نظامیان دشمن به برخی مناطق ایران از طریق مرزهای مشترک با عراق و زمان حمله نیز بعد از اشغال بغداد و کوفه عنوان شده، اما واقعیت این است حضور نظامیان خارجی دشمن، از جمله نظامیان سفیانی در خاک ایران قبل از ظهور فقط در منابع اهل سنت ذکر شده و به اصطلاح از «انفرادات اهل سنت» است و شاهی برای آن در منابع معتبر شیعی نیست. از این رو برخی از محققان معتقدند این گونه احادیث از «جعلیات» مکتب خلفاست؛<sup>۲</sup> زیرا در منابع معتبر شیعی اشاره‌ای صریح به حمله زمینی نظامیان غربی و دشمن خارجی و درگیری نظامی در خاک ایران نشده است و قرینه‌ای بر تلقی به قبول و اخذ آن نیز وجود ندارد. البته سخن در این باره نیازمند نوشتار مستقلی است و در آینده به تفصیل مورد گفت‌وگو و نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

### تردید جدی در ادله حمله به ایران

ناگفته نماند برخی افراد و جریان‌ها از نگاه آکادمیک و علمی خارج شده و صرفاً با اغراض سیاسی<sup>۳</sup> در جهت مخالفت با انقلاب زمینه‌ساز و تضعیف جبهه حق، در ترویج دیدگاه سوم می‌کوشند. در حالی که می‌بایست طرح این نوع

۱. ابن حمّاد، الفتن، ص ۲۱۸. ابن حجر، القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، ص ۱۳۶. سیوطی،

العرف الوردی، ص ۱۲۶. حنبلی، فرائد فوائد الفکر فی الامام المنتظر، ص ۳۱۶.

۲. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدي، ص ۴۵۹ و ۵۰۰.

۳. تعدادی انگشت شمار کانال تلگرامی و پیج اینستاگرام در فضای مجازی با طراحی پیچیده در چند لایه امنیتی که از آن سوی مرزها هدایت و حمایت می‌شوند، با هدف مبارزه با انقلاب شیعی امام خمینی، در حال ترویج دیدگاه سوم هستند و همین موضوع، باعث شده است آن دسته از اندیشمندان که با رعایت موازین علمی در صدد تنویر افکار عمومی هستند، با شانتاژ رسانه‌ای این دسته از افراد، با محدودیت در بیان دیدگاه‌های خویش در جهت مقابله با دسیسه‌های دشمنان مواجه شوند.

دیدگاه‌های متفاوت در کرسی‌های نظریه‌پردازی صورت بگیرد و با حضور صاحب‌نظران و نیز رعایت موازین علمی و اجتهادی، به بحث و گفت‌وگو و تبادل آراء و اندیشه در این باره پرداخت.

از نظرگاه علمی، دیدگاه سوم با ابهام و تردید جدی روبه‌روست. صرف‌نظر از اینکه گزارش کمال‌الدین درباره دیدار ابن‌مهزیار با امام عصر با ابهاماتی سندی و محتوایی فراوانی روبه‌روست<sup>۱</sup> و بر فرض صحت نیز مربوط به گذشته است؛ ایران قبل از ظهور، دارای قدرت نظامی ویژه‌ای است<sup>۲</sup> و از سلاح‌های پیشرفته در دکتترین «توازن رعب» بهره می‌برد.<sup>۳</sup> عبارت «أَخْلَسَ بُيُوتِكُمْ» قرینه بر این است که منظور از آذربایجان، آن مناطقی از سرزمین «آذربایجان تاریخی» که خارج از مرزهای ایران قرار دارد، مقصود است. والا چگونه امکان دارد امام معصوم، شیعیان را در برابر جنگی که در خاک و وطنشان رخ می‌دهد، دعوت به عدم

۱. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۶۰۷-۶۰۹. کورانی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ص ۸۰۱-۸۰۲.

۲. امام مهدی با کمک سلاح و قدرت نظامی زمینه‌سازان، جمعیت کثیری از دشمنان اسلام را شکست خواهند داد: «مَهْدِيًّا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ يَحْرِفُهُمْ بِسُيُوفِ أَوْلِيَائِهِ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ» (بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۶۸)؛ گفتنی است قوم زمینه‌ساز با دشمنان امام عصر می‌جنگند و کشته‌های آنان شهید محسوب می‌شود و سرانجام انقلابشان به حکومت جهانی امام مهدی متصل خواهد شد: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالشَّرْقِ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ... وَلَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳).

۳. زمینه‌سازان ایرانی از سلاح‌های پیشرفته در جنگ با دشمن بهره می‌برند: «لَهُ كَثْرٌ بِالطَّالِقَانِ... وَ رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ... لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا لَا يَقْصِدُونَ بِرِايَاتِهِمْ بَلَدَةً إِلَّا خَرَّبُوهَا... وَ يَحْقُونَ بِهِ يَقْوَتَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ... بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ» (نیلی نجفی، سرور اهل‌الایمان، ص ۹۷)؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸. شگفتی و طنز اینجاست که مخالفان انقلاب زمینه‌ساز ظهور، در حالی که برای منکوب کردن انقلاب به حدیث کمال‌الدین (گزاره حدیثی نقشه دشمن برای حمله به کوه‌های نزدیک طالقان در ایران) تمسک می‌کنند، در جای دیگر (حدیث یادشده در تمجید و مدح اهل طالقان)، طالقان را در کشوری غیر از ایران معرفی می‌کنند.

مقابله نظامی نماید، در حالی که دفاع در برابر تجاوز دشمن، واجب شرعی است. ضمن اینکه این نظریه با ادامه حدیث، یعنی عبارت «وَأَلْبِدُوا مَا أَلْبَدْنَا» نیز سازگاری ندارد؛ زیرا چگونه امکان دارد امام معصوم به شیعیان دستور دهد که در خانه هایشان باشند و هیچ تحرکی نداشته باشند تا مورد کشتار و قتل و غارت دشمن واقع شوند؟

به عنوان مثال، معصومین بعد از وقوع فتنه در شام به ویژه بعد از وقوع اولین نشانه حتمی (سفیانی) با ذکر نقشه دشمن در حمله به سوریه، عراق و عربستان، آنگاه ضمن بیان جزئیات، شیعیان و غیرنظامیان را از حضور در مناطق ناپایدار جنگی همچون مناطق قرقیسیا در شرق سوریه بر حذر داشته اند و به طور ویژه به شیعیان کوفه و نجف در عراق نیز توصیه می کنند که برای در امان ماندن از حملات نظامی دشمن، در مناطق جنوبی پایین تر از فرات در عراق مستقر شوند و نیز به شیعیان حجاز (عربستان) توصیه شده است به دلیل حمله سفیانی به مدینه و قتل و کشتار در این شهر، غیرنظامیان در شهر مکه ساکن شوند؛ زیرا به معجزه الهی، لشکر سفیانی قبل از رسیدن به مکه در منطقه بیداء، خسف و نابود خواهد شد:

إِذَا سَمِعْتُمْ بِاخْتِلَافِ الشَّامِ فِيمَا بَيْنَهُمْ فَأَهْرَبْ مِنَ الشَّامِ فَإِنَّ الْقَتْلَ بِهَا وَالْفِتْنَةَ قُلْتُ إِلَى أَيِّ الْبِلَادِ فَقَالَ إِلَى مَكَّةَ فَإِنَّهَا خَيْرُ بِلَادٍ يَهْرَبُ النَّاسُ إِلَيْهَا قُلْتُ قَالَ كُوفَةَ قَالَ... أَحْسَنُهُمْ حَالًا مَنْ يَغْبِرُ الْفُرَاتَ وَمَنْ لَا يَكُونُ شَاهِدًا بِهَا قَالَ فَمَا تَرَى فِي سُكَّانِ سَوَادِهَا فَقَالَ بِيَدِهِ يَغْنِي لَا تُمَّ قَالَ الْخُرُوجُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَقَامِ!

حال چگونه ممکن است امامان معصوم حمله به «آذربایجان ایران» از سوی دشمن را بیان نمایند، اما در عین حال شیعیان را به حضور در وطن و محل زندگی خویش دستور دهند و حتی امر کنند در خانه هایتان باشید (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بُيُوتِكُمْ)



تا مورد کشتار و قتل و غارت واقع شوند؟ در سستی دیدگاه سوم، این بیان کافی است و البته به تفصیل در این باره در دیدگاه اول نیز گفت و گو شده است. بنابراین به قرینه اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ آذربایجان فراخواندند، بیانگر این است این جنگ، در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای «حکومت شیعه زمینه ساز» رخ خواهد داد. حتی بر فرض صحت ادعای دیدگاه سوم «نار آذربایجان»، مقصود آن وقوع حمله به ایران در همان روزهای آغازین ایجاد شعله های آتش آذربایجان نیست. بلکه بیانگر این است عامل خارجی که بر ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت، جنگ ناحیه آذربایجان در منطقه قفقاز است.

ضمن اینکه مدافعان این نظریه باید پاسخ دهند چگونه است که در گزاره «آتش آذربایجان» سخن از اجرای قطعی عملیات و حمله دشمن است (لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ)، در حالی که در احادیث دیگر صرفاً به نقشه دشمن به منظور حمله به مناطقی در ایران اشاره شده و سپس به جنگ بین دشمنان با یکدیگر و آنگاه از اجرایی نشدن نقشه حمله، سخن به میان آمده است؟ البته می توان بین گزاره آتش آذربایجان با احادیث نقشه حمله، تفاوت قائل شد.

ذکر برخی نشانه های ظهور از باب رصد تحرکات دشمن است و الزاماً به معنای وقوع آن نیست. و بستگی به هوشیاری جبهه مقاومت شیعی دارد. البته دفاع در برابر تجاوز دشمن به حریم مناطق شیعی، واجب شرعی است.

#### ► جمع بندی

بنابراین، دیدگاه دوم از شواهد متقن و محکم تری برخوردار است. به این معنا که آتش آذربایجان با جنگ جهانی قبل از ظهور مرتبط است و همان طور که بیان

شد منظور از آذربایجان، مناطقی خارج از ایران است.<sup>۱</sup> در واقع اشاره به فتنه‌هایی دارد که از سمت آذربایجان مانند آتش به سایر نقاط نیز شعله‌ور می‌شود و به قرینه «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» به تدریج گسترش می‌یابد.<sup>۲</sup> همچنین به قرینه «أَخْلَاسٌ يُبُوتِكُمْ»، آتش آذربایجان در زمره حوادث ایران محسوب نمی‌شود. بلکه مربوط به شراره‌های جنگ جهانی قبل از ظهور خواهد بود<sup>۳</sup> و به شیعیان توصیه شده است «بی طرف» باشند.<sup>۴</sup> البته شیعیان باید «اوج آمادگی نظامی» را حفظ نمایند تا در هنگام نصرت امام عصر با تمام قوا در اختیار وی قرار گیرند (فَاسْعُوا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبَا). ضمن اینکه این حوادث در آستانه ظهور است و مخاطرات فراوانی شیعه را تهدید می‌کند. از این رو باید در اوج اقتدار نظامی در برابر دشمن صف‌آرایی نمایند.<sup>۵</sup> همان‌طور که در توصیف زمینه‌سازان ظهور تصریح شده است در مراحل پایانی منتهی به ظهور امام عصر، در وضعیت مرحله سیوف (آماده‌باش جنگی) برای مقابله با دشمن هستند.<sup>۶</sup>

۱. اینکه امام معصوم، شیعه را به عدم مداخله نظامی در جنگ منطقه آذربایجان فراخواندند «فَكُونُوا أَخْلَاسٌ يُبُوتِكُمْ»، بیانگر این است که این جنگ، ابتدا در مناطقی خارج از محدوده جغرافیای حکومت شیعه زمینه‌ساز رخ خواهد داد.

۲. «لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» دلالت بر این دارد که جنگ در ناحیه آذربایجان، تداوم و گسترش می‌یابد و هیچ حدومرزی برای آن وجود ندارد. گفتنی است این عبارت در تراث حدیثی فقط برای خشم و قدرت الهی استعمال شده است: «بِقُوَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» (طوسی، مصباح المتعجب، ج ۲، ص ۵۷۲)؛ «عِنْدَ غَضَبِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۷۴) و حاکی از این است که هیچ چیز جلودار این آتش نیست.

۳. علی الصغیر، اسئله مهدویة، سؤال ۱۴۱۶ (sh-alsagheer.com/post/4209)؛ «نار آذربایجان بین المخزون الروائی و مجریات الواقع المعاصر»، یوتیوب (youtube.com/watch?v=Y\_3f3PEo4ao).

۴. رک: آتش آذربایجان و شعله‌های جنگ جهانی.

۵. ضمن اینکه «ادله عام قرآنی» نیز مبنی بر حفظ اقتدار نظامی و استفاده از سلاح‌های پیشرفته برای مقابله با دشمنان حکایت دارد: «وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ ثُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» انفال: ۶۰.

۶. «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالشَّرْقِ... وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ... يَقُومُوا وَ لَا يَذْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ

## جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی

اشاره:

در کتاب الغیبة نعمانی به نقل از «کعب الاحبار»، به جنگ ولد عباس با جوانان ارمنی و سپس آذربایجان اشاره شده است:

حَزْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِثْيَانِ اُزْمِينِيَّةٍ وَاذْرَبِيَجَانَ تِلْكَ حَزْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا اَلْوَفُّ وَ  
اَلْوَفُّ كُلُّ يَتَقَبِضُ عَلٰى سَيْفٍ مُحَلًى تَخْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتٌ سُوْدٌ تِلْكَ حَزْبٌ يَشُوْبُهَآ  
(يُسْتَبَشْرُ فِيهَا) الْمَوْتُ اَلْأَمْرُ وَالطَّاعُونَ اَلْأَكْبَرُ<sup>۱</sup>.

جنگی میان فرزندان عباس (کنایه از اهل سنت تکفیری) با جوانان ارمنستان و آذربایجان رخ خواهد داد؛ چنان جنگی که هزاران و هزاران نفر در آن کشته می‌شوند. هر جنگ‌جو شمشیری زیور یافته به دست می‌گیرد (کنایه از استفاده از سلاح‌های پیشرفته) و پرچم‌های سیاه بر آن به اهتزاز در می‌آید. آن جنگی است که به مرگ سرخ و طاعون بسیار خطرناک نیز آمیخته است و منتهی می‌شود.

البته همه یا بخشی از محتوای آن در کتاب الفضائل<sup>۲</sup>، تفسیر البرهان<sup>۳</sup>، اثبات الهداة<sup>۴</sup> و نوادر الاخبار<sup>۵</sup> نیز ذکر شده است.<sup>۶</sup>

گزارش فوق در واقع فقره‌ای از مجموعه عباراتی است که از «کعب الاحبار» نقل

---

قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءَ» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۳)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۶، ص ۱۳).

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶.

۲. ابن عقده کوفی، فضائل امیرالمؤمنین، ص ۱۰۴.

۳. بحرانی، تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۳۹ و ۱۳۳.

۴. حر عاملی، اثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴.

۵. فیض کاشانی، نوادر الاخبار، ص ۲۰۹.

۶. کورانی، معجم الأحادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۳۳۳.

شده و در «کتب شیعی» انعکاس یافته است و در ضمن بخشی از اعترافات<sup>۱</sup> وی در فضیلت و برتری امام علی علیه السلام و ظهور منجی ادیان، در ادامه به «نشانه‌های ظهور» در آخرالزمان نیز پرداخته شده است، اما علاوه بر اینکه سند این گزارش به «کعب الاحبار» منتهی می‌شود، مشکل دیگر این است که نمی‌توان به آن، اصطلاح «حدیث» اطلاق نمود؛ زیرا «کعب الاحبار» در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان نیاورد<sup>۲</sup> و این گزارش را از کسی نیز نقل نکرده است که به معصوم منتهی شود. البته بنا بر نقل‌های تاریخی، کعب الاحبار<sup>۳</sup> بعد از اینکه به ظاهر اسلام می‌آورد، اخبار «ملاحم و فتن آخرالزمان» را از کتب انبیاء پیشین برای مسلمانان بیان می‌کرده است،<sup>۴</sup> اما در این نقل قول‌ها نیز صداقت کامل نداشته و حق و باطل را باهم می‌آمیخته است.<sup>۵</sup> از این رو تشخیص سره از ناسره در این نقل قول‌ها از کتب انبیاء پیشین که به معصوم نیز منتهی نمی‌شود، بسیار سخت است.

البته به صرف اینکه در سند گزارش، شخصی از پیروان مکتب خلفاء و از راویان اهل سنت قرار گرفته است، دلالت بر جعلی بودن همه محتوای آن ندارد.

۱. کعب الاحبار، اعترافات دیگری نیز در حقانیت امام علی علیه السلام و فضیلت اهل بیت داشته است. از جمله اعتراف به تعداد دوازده امام در امت اسلام (صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۵۱)؛ اعتراف به افضلیت و جانشینی امام علی بعد از پیامبر (حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۷۵)؛ اعتراف به شهادت امام حسین توسط اشقیاء (صدوق، الأمالی، ص ۱۴۰) و اعتراف به منجی ادیان مهدی موعود (نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۶).

۲. ری شهری، شناخت‌نامه حدیث، ج ۳، ص ۱۴۴-۱۴۶.

۳. احبار مفرد آن جبر، کلمه‌ای است عبری به معنای روحانی یهودی (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۵۷).

۴. «كُتِبَ الْأَخْبَارِ حِينَ أَسْلَمَ فِي أَيَّامِ خِلَافَةِ عُمَرَ بْنِ الْمُعْتَابِ وَ جَعَلَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ عَنِ الْمَلَاجِمِ الَّتِي تَظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ فَصَارَ كُتِبَ يُخْبِرُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْأَخْبَارِ وَ الْمَلَاجِمِ وَ الْفِتَنِ الَّتِي تَظْهَرُ فِي الْعَالَمِ» (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۳۱۵).

۵. کورانی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، ص ۵۹۱.

چنان که اهل بیت نیز در سخنان خویش بر این «مبنا» تأکید فرموده‌اند<sup>۱</sup> و معیار پذیرش، موافقت با عقاید حقه شیعی، هرچند از زبان راویان عامه و مخالفان، (البته به عنوان مؤید در کنار احادیث صحیح و معتبر شیعی) می‌باشد و نمونه‌های مختلفی از آن را می‌توان در میراث حدیثی بیان نمود.<sup>۲</sup> بنابراین مانور روی این نوع گزارش‌ها و انتساب آن به معصوم، صحیح نیست و صرفاً زمانی قابل استناد است که شاهی از آن در منابع شیعی باشد یا در واقعیت محقق شود.

#### ► ولد عباس: مخالف مذهب شیعه

ثابت و یقینی است که شیعه در جنگ ناحیه آذربایجان، نقش بی‌طرف را ایفا می‌کند و شرکت ندارد (فَكُونُوا أَخْلَاصَ بِيُوتِكُمْ). حال افرادی که افکار آلوده سیاسی خویش را با مباحث علمی می‌آمیزند، چگونه مدعی هستند «ولد عباس» بر حکومت شیعی ایران قبل از ظهور منطبق است و آیا شیعه ایران با ارمنی‌ها در جنگ ناحیه آذربایجان خواهند جنگید؟ (حَزْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فَتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ) به قرینه اینکه شیعه در این جنگ شرکت نمی‌کند، پاسخ منفی است.

«بنی عباس» مذکور در احادیث مهدویت، کنایه از حکومت‌های عربی مخالف منهج اهل بیت<sup>۳</sup> و «ولد عباس» نیز اشاره به پرورش یافتگان حکومت‌های عربی مخالف شیعه و مکتب اهل سنت تکفیری (که حتی در رنگ سیاه لباس

۱. «لَا تُكَلِّبُوا الْحَدِيثَ إِذَا أَتَاكُمْ بِهِ مُزَجِّجِي وَلَا قَدْرِي وَلَا حَرُورِي يَنْسُبُهُ إِلَيْنَا فَإِنَّكُمْ لَا تَذُرُونَ لَعْلَهُ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ فَيَكْذِبُ اللَّهُ فَوْقَ عَرْشِهِ» (برقی، المعحاسن، ص ۲۳۰).

۲. برای نمونه: نقل حدیث توسط دشمن اهل بیت «محمد بن الجهم» در مدح و شان فضائل اهل بیت و اقرار عقاید برحق شیعه از زبان مخالفان (صدوق، عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۰۴).

۳. قبانچی، موجز دائرة المعارف الغیبه، ص ۱۳ و ۱۷۷.

و پوشش نیز، خود را به بنی عباس شبیه کردند) و متعلق به «جریان ابقع»<sup>۱</sup> مستقر در فتنه شام قبل از ظهور است<sup>۲</sup> و نشانگر این است که یکی از طرف‌های جنگ با نظامیان ارمنستان، گروه‌های سلفی مخالف شیعه خواهند بود. البته اینکه اشاره به شخصیت مخالف شیعه و از نسل بنی عباس مقصود باشد نیز محتمل است. گفتنی است زبان روایات در بیان اسامی شخصیت‌های ظهور نمادین، رمزآلود، کنایه‌ای و حاکی از حقایق و واقعیاتی است.<sup>۳</sup>

جنگ ولد عباس با ارمنی و آذربایجان، تلمیحی به این است که بعد از ورود جماعت تکفیری سلفی، به معرکه جنگ در قفقاز، ابتدا با ارمنی‌ها و سپس با خود آذربایجانی‌ها خواهند جنگید. از آنجا که گروه‌های تکفیری مخالف شیعه، تمرکز نظامی در فتنه شام دارند، بنابراین حضور جماعت تکفیری مخالف شیعه (ولد عباس) در منطقه قفقاز، بیانگر آن است که با انتقال آنان از فتنه شام به معرکه جنگ ناحیه آذربایجان، «جنگ‌های نیابتی» در این سرزمین نیز شکل خواهد گرفت. در منازعه آذربایجان، ترک‌ها در طرف مقابل رومی‌ها قرار خواهند گرفت؛ زیرا علاوه بر اینکه از اختلاف ترک‌ها و رومی‌ها<sup>۴</sup> به دلیل تضاد منافع سخن

۱. جریان ابقع، جبهه عربی معارض و تشکل‌های نظامی مرتبط با عرب‌ها و رومی‌ها در فتنه شام است.

«الابقع: العرب تنكح إماء الروم فيستعمل على الشام أولادهم وهم بين سواد العرب وبياض الروم» (ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، ج ۱، ص ۱۴۶).

۲. «إِنَّ لَوْلِدِ الْعَبَّاسِ وَ الْمُتْرَوَانِي لَوْقَعَةَ بِقَرْقِيسَاءَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۳۰۳)؛ قرقیسیا منطقه نزدیکی دیرالزور در شرق سوریه است (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۲۸) که قبل از ظهور صحنه جنگ بین دشمنان اهل بیت خواهد بود و البته پرچم‌های هدایت (پرچم خراسانی و یمانی) در این جنگ حضور ندارند بلکه جبارین و ستمگران در این جنگ شرکت می‌کنند: «مَأْدِبَةُ بِقَرْقِيسَاءَ... هَلُمُّوا إِلَى السَّبْعِ مِنَ الْحُومِ الْجَبَّارِينَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۸). البته در ادامه سفیانی نیز در این جنگ در شرق سوریه شرکت می‌کند: «السُّفْيَانِيُّ... يَمُرُّ جَيْشُهُ بِقَرْقِيسَاءَ فَيَقْتُلُونَ بِهَا فَيَقْتُلُ بِهَا مِنَ الْجَبَّارِينَ مِائَةَ أَلْفٍ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۰).

۳. الهی نژاد، «نمادگرایی در نشانه‌های ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۸، ص ۲۵.

۴. «يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَ الرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ» (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳).

به میان آمده است، جریان ولد عباس که مورد حمایت ترک‌هاست، با سفیانی مورد حمایت غربی‌ها نیز در شرق سوریه خواهند جنگید.

### ► ائتلاف نظامی «اخوان الترمک» و «ولد عباس» در جنگ آذربایجان

سؤالی که مطرح می‌شود «ولد عباس» مستقر در فتنه شام، چگونه در منطقه آذربایجان با جوانان ارمنی به جنگ خواهند پرداخت؟<sup>۱</sup> با تشکیل «خانواده حدیثی» و به قرینه اینکه از دسیسه چینی ترک‌ها در خرابی آذربایجان، سخن به میان آمده است، احتمال دارد گروه‌های تکفیری مخالف شیعه توسط ترک‌ها از منطقه شام به صحنه جنگ آذربایجان منتقل شوند و یکی از دلایل عمده خرابی منطقه آذربایجان، در نتیجه ورود جماعت سلفی به این مناطق رقم خواهد خورد؛ زیرا در روایات، برای ترک‌ها دو مرحله نظامی مخرب، مطرح شده است، نقش آفرینی نظامی در منطقه آذربایجان و نیز گسیل قدرت نظامی به شرق سوریه:

لِلشُّرِكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ آذْرَبِيْجَانَ، وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيْرَةِ،<sup>۲</sup>  
لِلشُّرِكِ خَرْجَتَانِ: إِحْدَاهُمَا يُخْرَبُونَ آذْرَبِيْجَانَ، وَ الثَّانِيَةُ يَشْرَعُونَ مِنْهَا عَلَى سَطِّ  
الْفُرَاتِ.<sup>۳</sup>

به قرینه اینکه «ترک‌ها» وارد جزیره<sup>۴</sup> در مناطق محل عبور فرات می‌شوند، پس

۱. «حَرْبِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ» (نعمانی، الفیة، ص ۱۴۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶).

۲. «لِلشُّرِكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ آذْرَبِيْجَانَ وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيْرَةِ» (ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۹۱).

۳. ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۹۵.

۴. هرگاه «جزیره» به صورت مطلق به کار رود، مقصود مناطق مابین دجله و فرات در شرق سوریه و غرب عراق است: «إِذَا أُطْلِقَتِ الْجَزِيْرَةُ فِي الْحَدِيثِ وَلَمْ تَضَفْ إِلَى الْعَرَبِ فَإِنَّمَا يَرَادُ بِهَا مَا بَيْنَ دَجْلَةَ وَ الْفُرَاتِ» (ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج ۱، ص ۲۶۸)؛ «الجزیره: و هو ما بین دِجْلَةَ وَ الْفُرَاتِ» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۳۴).

به یقین، مقصود «اخوان التړك» نقش آفرین در منطقه شام است که در مراحل پایانی فتنه شام<sup>۱</sup> به جزیره الشام (مناطق مابین رقه و دیرالزور) در شرق سوریه<sup>۲</sup> حمله نظامی می‌کنند:

تُخَسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ ... وَ سَيُقْبَلُ إِخْوَانُ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ.<sup>۳</sup>

### ► رایات سود، حق یا باطل

درباره رایات سود در این گزارش<sup>۴</sup> که در انتهای جنگ آذربایجان به اهتزاز درمی‌آید، احتمالاً ادامه گسیل جماعت تکفیری (ولد عباس) وارد شده به صحنه جنگ آذربایجان است. البته احتمال دیگری نیز وجود دارد، به قرینه اینکه از «ولد عباس» - که قطعاً پرچم ضلالت است و با جوانان ارمنی و سپس آذری می‌جنگند - در همان ابتدای گزارش یاد شده و سپس در ادامه از «رایات سود» نیز سخن به میان آمده است که بعد از موت احمر (هرج الروم، جنگ جهانی) به اهتزاز درخواهند آمد، شاید مقصود پرچم‌های سیاه لشکرزمینه‌ساز ایران باشد که برای مقابله با باقی‌مانده تروریست‌های تکفیری در مرز ایران صف‌آرایی خواهند کرد و نشانگر این است که جنگ در منطقه آذربایجان بعد از جنگ جهانی هم ادامه پیدا می‌کند (یشوبها الموت الاحمر والطاعون الاغبر) و اثر سلبی

۱. رمزگشایی از بازیگران داخلی و بین‌المللی فتنه شام و جنگ سوریه قبل از ظهور:

(<http://rajanews.com/node/315059>)

۲. مناطق شرق سوریه را جزیره الشام گویند: «أَرْضِ الْجَزِيرَةِ... الرَّقَّةُ وَ الرَّهَّا وَ قَرْقِيسِيَا» (ابن مزاحم، وقعة صفین، ص ۱۲).

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰. مفید، الإختصاص، ص ۲۵۶. طوسی، الغیبة، ص ۴۴۲. به سندهای گوناگون که «سه سند» آن معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۱۲۵).

۴. صرفاً به احتمالات مختلف در این گزارش اشاره می‌شود؛ زیرا گفت‌وگو درباره «رایات سود قبل ظهور» و انواع آن و معیار شناخت پرچم‌های سیاه حق از باطل، نیازمند نوشتار مستقلی است.



برامنیت ایران خواهد داشت، به گونه‌ای که احتمال درگیری و جنگ شیعه‌ی زمینه‌ساز (تخفق رایات سود) با جماعت تکفیری (ولد عباس)، در مرزهای شمال غربی ایران وجود دارد.<sup>۱</sup>

### ► جنگ ایران و ترکیه در آخرالزمان

نکته مهم و شایان ذکر اینکه هرچند حضور جماعت تکفیری سلفی در مرزهای کیان شیعه، خطر ساز و تهدید امنیت ملی تلقی می‌شود، اما با تأکید امام معصوم بر عدم مداخله نظامی مستقیم با طرف‌های درگیر در جنگ ناحیه آذربایجان (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ)، با فتنه‌گری‌های «اخوان الترمک»، نباید مواجهه مستقیم نظامی داشت تا سرانجام با دست خویش، خود را در مهلکه شرق سوریه (قرقیسیا) در مواجهه با دشمنان شیعه هلاک نمایند و در واقع اخوان الترمک سپربلای شیعه در تقابل نظامی با دشمن اصلی، سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها خواهند شد.

توضیح اینکه سفیانی بعد از تسلط بر الکور الخمس شام<sup>۲</sup> و تثبیت قدرت در

۱. «الْوَيْلُ لِشِيعَةِ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مِنَ الْحَرْبِ الَّتِي سَنَحَ بَيْنَ نَهَاوَيْدِ وَ الدِّيْتُورِ تِلْكَ حَرْبٌ صَعَالِيكٍ شِيعَةِ عَلِيٍّ» (نعمانی، الغیبة، ص ۱۴۸). شیعه، یعنی پیرو بنی عباس و ولد عباس، نماد مخالفت با مکتب اهل بیت تلقی می‌شدند. بنابراین حدیث به جنگ بین شیعه و ولد عباس (پیرو مکتب مخالف اهل بیت) با شیعه علی علیه السلام (پیروان مکتب اهل بیت) در مرزهای غربی ایران اشاره می‌کند و از آنجا که بیان گردید ترک‌ها موجب انتقال و حضور «ولد عباس» در مرزهای شمال غربی ایران خواهد شد، در برخی احادیث به کنایه از نقش مخرب ترک‌ها و تأثیر منفی آن برامنیت ملی ایران قبل ظهور نیز پرده برداشته شده است: «عَلَبَةُ التُّرْكِ عَلَى خُرَّاسَانَ وَ عَلَبَةُ الرُّومِ عَلَى الشَّامِ وَ عَلَبَةُ أَهْلِ إِزْمِينِيَّةَ عَلَى إِزْمِينِيَّةَ» (ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۷۴). البته خراسان در زمان صدور نص، بسیار وسیع بوده و احتمال دارد مناطقی خارج از ایران مقصود باشد.

۲. «السُّفْيَانِيُّ يَمْلِكُ عَلَى الْكُورِ الْخَمْسِ» طوسی، الغیبة، ص ۴۴۹.

دمشق،<sup>۱</sup> آنگاه در مسیر حمله به عراق<sup>۲</sup> ناگزیر در منطقه قرقیسیا (دیرالزور در شرق سوریه)<sup>۳</sup> با «اخوان الترمک» که از قبل تا «جزیره الشام» پیشروی نظامی داشته‌اند<sup>۴</sup> و نیز با بنی قیس، هم‌پیمان ترک‌ها در قرقیسیا (در شرق سوریه) وارد جنگ خواهد شد.<sup>۵</sup> بنی قیس ساکنان اهل سنت شرق سوریه هستند که البته امتداد قومیتی آن در مناطق غرب عراق تا بغداد نیز وجود دارد<sup>۶</sup> و از فتنه‌گری آنان و جنگ در مناطق بنی قیس قبل از ظهور نیز در کتب معتبر سخن به میان آمده است<sup>۷</sup>؛ لازم به ذکر است از سفیانی به عنوان نعمت و عذاب برای دشمنان شیعه نام برده شده است (السُّفْيَانِي نِعْمَةٌ لَكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ) و دشمنان مشغول جنگ با یکدیگر خواهند شد (أَعْدَاءُكُمْ يَقْتَتِلُونَ فِي مَعْاصِي اللَّهِ وَيَقْتُلُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا) که تعبیر دیگری از «جنگ جبّارین» با یکدیگر است، در حالی که شیعه از مناطق جنگی به دور است (وَأَنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ آمِنُونَ فِي عَزَلَةٍ عَنْهُمْ).<sup>۸</sup>

### ► دیپلماسی مواجهه با فتنه «اخوان الترمک» در جغرافیای ظهور

بنابراین دیپلماسی حکومت زمینه‌ساز در مواجهه با فتنه‌انگیزی «اخوان الترمک»، باید مبتنی بر خویش‌نهادی و درعین حال پاسداری از مرزهای جغرافیای کیان

۱. «یَسْتَوِي عَلَى مِثْبَرِ دِمَشْق» (نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۶. و مشابه آن: صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱).

۲. «السُّفْيَانِي... الْأَقْبَالُ نَحْوَ الْعِرَاق» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰).

۳. «يَمْتَرُ جَيْشُهُ بِقَرْقِيسِيَاء» (نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰).

۴. «يَسْتَقْبِلُ إِخْوَانَ التُّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ» (مفید، الإختصاص، ص ۲۵۶).

۵. «قَرْقِيسِيَاء... يَهْلِكُ فِيهَا قَيْسٌ وَلَا يَدْعِي هَذَا دَاعِيَةً... وَيَنَادِي مُنَادٍ هَلُمُّوا إِلَى لُحُومِ الْجَبَّارِينَ» (کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵).

۶. ربیعی، سلسله‌القبائل العربیه، ج ۳، ص ۱۱.

۷. قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ تَحْرُكُ حَزْبِ قَيْسٍ (نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۷).

۸. نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۰.

شیعه باشد؛ زیرا هرچند در ابتدای فتنه شام، ترک‌ها با رومی‌ها اشتراک منافع دارند، اما در نهایت بعد از وقوع حوادثی باهم اختلاف شدید پیدا خواهند کرد، به گونه‌ای که منجر به جنگ در برخی مناطق نیز خواهد شد:

اسْتَنَارَتْ عَلَيْكُمْ الرُّومُ وَالتُّرُكُ وَجُهَّزَتِ الْجُيُوشُ... وَيَتَخَالَفُ التُّرُكُ وَالرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ.<sup>۱</sup>

زمانی که رومی‌ها و ترک‌ها، غبار فتنه را علیه شما بلند کنند و بر شما بشورند و لشکرها آماده و تجهیز شوند... آنگاه ترک‌ها با رومی‌ها اختلاف پیدا می‌کنند و جنگ در نقاط مختلف گسترش پیدا می‌کند.»

به نظر می‌رسد بعد از اعلام «مارقة الشام»،<sup>۲</sup> پیش‌روی نظامی اخوان الترتک در شرق سوریه، از علل اصلی اختلاف ترک‌ها با غربی‌هاست. همان‌طور که بیان گردید با فتنه‌گری‌های «اخوان الترتک» در جغرافیای ظهور، نباید مواجهه مستقیم نظامی داشت تا سرانجام با دست خویش خود را در مهلکه شرق سوریه (قرقیسیا) در مواجهه با دشمنان شیعه هلاک نمایند.

۱. طوسی، الغیبة، ص ۴۶۳.

۲. در خلال حوادث فتنه شام و سوریه قبل از ظهور، به واقعه «مارقة الشام» نیز اشاره شده است: «مَارِقَةُ تَمَرُوقٍ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرُكِ» (نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۰؛ مفید، الإختصاص، ص ۲۵۵)؛ «المارقة: الخارجين» (ثعالبی، فقه اللغة، ص ۳۵۷)؛ «المروق عن الشيء: الخروج منه» (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۴۱)؛ «مَرَقَ الشَّهْمُ مِنَ الرِّمِيَةِ: وقتی تیراز کمان خارج می‌شود، به گونه‌ای که دیگر به آن تعلق ندارد» (ابن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۵، ص ۴۱۶)؛ «الناحية: الجانب» (فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۹۶)؛ «الناحية: الجهة» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۵۹)؛ «من ناحية الترتک: ای من جهة الترتک؛ مارقة الشام تخرج من جهة الترتک = خروج مارقة از سمت ترک‌ها» بنابراین «مَارِقَةُ تَمَرُوقٍ مِنْ نَاحِيَةِ التُّرُكِ» یعنی ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام، اعلام خروج خواهند کرد، همچون جدا شدن تیراز کمان «مَرَقَ الشَّهْمُ مِنَ الرِّمِيَةِ» که گویا دیگر به آن تعلق ندارد.

► سناریوی جنگ در همسایگان شمالی و تأثیر آن بر امنیت ایران قبل از ظهور هرچند احتمال دارد شیعیان مظلوم منطقه آذربایجان و سایر مناطق، طعمه خواسته‌های نامشروع حاکمان و قدرت‌های استعماری گردند؛ زیرا نقیمت و بلاهرگاه واقع شود، فرقی بین گناهکار و دیگران نیست و در آتش جنگ، ترو خشک باهم می‌سوزد،<sup>۱</sup> اما وظیفه محور مقاومت شیعی و حکومت زمینه‌ساز این است در حد توان و استطاعت، مانع از قتل و خونریزی گردد و حتی در جهت خنثی کردن فتنه دشمنان تمهیداتی، هرچند با کمک غیرمستقیم، برای مقابله با اقدامات «دشمن اصلی» صورت گیرد. البته احتمال دارد شیعیان به دلیل توصیه معصومان در مناطق جنگی «بلاد آذربایجان تاریخی» که مرزهای آن تا دریای سیاه امتداد داشته است، حضور نداشته باشند.

البته اگر بنا بر حمایت باشد،<sup>۲</sup> باید در حمایت معنوی از شیعیان و پشتیبانی از جبهه‌ای باشد که در طرف مقابل دشمنان واقعی (مثلث غربی - عبری - عربی) قرار گرفته است که البته تشخیص این امر نیز دشوار خواهد بود:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ... إِنِّي كُنْتُ أَجْمَلُ السِّلَاحِ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ فَأَبِيعُهُ مِنْهُمْ فَلَمَّا أَنْ عَرَفَنِي اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ ضِيقْتُ بِذَلِكَ وَقُلْتُ لَا أَجْمَلُ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ فَقَالَ أَجْمَلُ إِلَيْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَدُوَّنَا وَعَدُوَّكُمْ يَغْنِي الرُّومَ وَيَبْغُهُمْ فَإِذَا كَانَتِ الْحَرْبُ بَيْنَنَا فَلَا تَحْمِلُوا.<sup>۳</sup>

به امام باقر علیه السلام گفتم: ... من اسلحه به شام صادر می‌کردم و به آنان می‌فروختم. از وقتی که خداوند ولایت شما را به من شناساند، من از

۱. «التَّقِيَّةُ إِذَا تَرَلَّتْ لَمْ يَكُنْ لَهَا عَمَّنْ قَارَبَ الْمُذْنِبَ، دِفَاعٌ» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵).

۲. البته چنین نیست و شیعه در جنگ بین طرف‌های درگیر در منطقه آذربایجان، قطعاً نقش بی‌طرفی را ایفا می‌کند؛ زیرا به عدم مداخله نظامی مستقیم فراخوانده شده است.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۲.

این کار ناراحت و دلتنگ شدم و با خود گفتم: از این پس اسلحه در اختیارشان قرار نمی‌دهم. نظرتان چیست؟ امام فرمود: اسلحه به سوی آنان بیرو به آنان بفروش؛ زیرا خداوند دشمنان ما و شما یعنی روم (غربی‌ها) را به وسیله آنان دفع می‌کند، اما هرگاه میان ما و آنان جنگ در گرفت، دیگر اسلحه به آنان ندهید.

طبق گزاره حدیثی فوق که در دیگر کتب معتبر شیعی نیز نقل شده است،<sup>۱</sup> از امام معصوم درباره فروش سلاح و کمک نظامی به برخی از طرف‌های درگیر در «منطقه شام» - که در جبهه حق قرار ندارند، اما در حال جنگ با دشمن اصلی شیعه هستند - استفسار می‌شود و امام چنین پاسخ می‌گویند: «حتماً به اهل شام، سلاح بفروشید و در اختیارشان قرار دهید؛ زیرا به واسطه این کار، دشمنان اصلی شیعه (رومی‌ها)، از مرزهای بلاد شیعی دور و نقشه‌های آنان دفع و نابود می‌شود، اما هرگاه جنگ با شیعه رخ داد، دیگر اقدام به فروش سلاح نکنید.»

از مجموعه آنچه بیان گردید و آنچه از «آینده‌پژوهی مهدوی» مستفاد است، درگیری نظامی در آذربایجان، آتش جنگ و فتنه (نَارٍ مِنْ آذْرِبَیجَان) قابل سرایت به سایر کشورها که تلاش‌های بین‌المللی برای توقف آن نیز کارساز نخواهد شد (لَا يَقُومُ هَذَا شَيْءٌ) و نیز به دلیل اینکه ترک‌ها از عوامل اصلی دخیل در تخریب آذربایجان هستند،<sup>۲</sup> قطعاً یکی از دلایل اختلاف غربی‌ها با ترک‌ها<sup>۳</sup> در حوادث منطقه آذربایجان خواهد بود. همچنین به قرینه اینکه در گزارش جنگ «ولد

۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷۵؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۵۳؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۰۲.

۲. «لِلشُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ آذْرِبَیجَانٍ وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْحَبْرَةِ» (ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۹۱).

۳. «يَتَخَالَفُ الشُّرْكَ وَالرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ» (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳).

عباس با جوانان ارمنی و آذری» نیز از کلیدواژه‌های مشترک با جنگ جهانی (قتل آلف آلف، موت احمر و طاعون) استفاده شده است،<sup>۱</sup> بیانگر این است آتش جنگ در منطقه آذربایجان در کنار اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها و نیز در کنار حوادث فتنه شام در شرق سوریه (قرقیسیا)، از عوامل شعله‌های شرارت آتش «جنگ جهانی قبل از ظهور»<sup>۲</sup> است.

ضمن اینکه آتش آذربایجان، طراحی چندبُعدی به منظور عملیات ایدایی، بحران‌سازی و تأثیر منفی بر امنیت مناطق در مرزهای شمالی ایران است. بنابراین، استراتژی شیعه و دیپلماسی زمینه‌ساز پیرامون جنگ منطقه آذربایجان در عصر ظهور، باید مبتنی بر «بی طرفی» (فَكُونُوا أَخْلَاسَ بِيُوتِكُمْ) و در عین حال راهبرد امنیتی محور مقاومت شیعی، اوج «اقتدار نظامی» (فَأَسْعُوا إِلَيْهِ) در دفاع از کیان شیعه در جغرافیای ظهور باشد.

### ► جنگ امام مهدی عج با «اخوان التترک» بعد از ظهور

سخن درباره دسیسه چینی و فتنه‌انگیزی «اخوان التترک» فعال در فتنه شام و دیگر نقاطی است که کیان شیعه را با تهدید و خطر مواجه می‌کند. پیش از این بیان شد که نباید رویارویی مستقیم نظامی داشت تا با دشمن اصلی (سفیانی مورد حمایت غربی‌ها) وارد جنگ شوند. البته دیری نخواهد پایید بعد از ظهور

۱. «حَرْبٌ وُلِدَ الْعَبَّاسُ مَعَ فِثْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَ أَدْرَبِيَّجَانَ تِلْكَ حَرْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا الْوَفُّ وَ الْوَفُّ كُلُّ يَفْبِضُ عَلَى سَيْفٍ مُخَلَّى تَحْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتٌ سُودٌ تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوبُهَا (يُسْتَبَشَرُ فِيهَا) الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ وَ الطَّاعُونَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۷؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶؛ حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴).

۲. «قُدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرٍ وَ مَوْتُ أَبْيَضٍ... الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونَ» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۳. رک: جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی.

لشکریان امام مهدی علیه السلام و جبهه حق، فاتحانه وارد «کشور ترک‌ها» خواهند شد:

يُقَاتِلُ الشُّفِيَانِيَّ التُّرِكَ ثُمَّ يَكُونُ اسْتِثْصَاهُمْ عَلَى يَدَيِ الْمَهْدِيِّ، لِوَاءِ يَغْقَدُهُ  
الْمَهْدِيُّ يَبْعَثُ إِلَى التُّرِكَ فَيَهْزِمُهُمْ.<sup>۱</sup>

گفتنی است مراد از استیصال ترک‌ها که در مقابل جبهه حق و امام مهدی علیه السلام ایستادگی خواهند کرد، اخوان التُّرِكَ می‌باشد - که نقش فعال در فتنه شام دارند و با رومی‌ها نیز اختلاف پیدا خواهند کرد - نه ترک‌های شیعی سایر کشورها؛ زیرا در احادیث از تحرکات مردمی ترک‌ها نیز در حمایت از آرمان امام مهدی علیه السلام سخن به میان آمده است.<sup>۲</sup>

### خاتمه

در بررسی و فهم صحیح گزاره «آتش آذربایجان» قبل از ظهور، دو معیار مهم: نقش‌آفرینی مخرب «اخوان التُّرِكَ»؛ و راستی‌آزمایی آن همراه با رصد «سلسله حوادث فتنه شام» قبل از اولین نشانه حتمی ظهور، حائز اهمیت است. آنگاه می‌توان به تصویرروشنی از وقایع هنگامه ظهور دست یافت.

زیرا در طول تاریخ در منطقه «بلاد آذربایجان» زمان صدور نص - که محدوده جغرافیایی وسیعی از شمال غربی ایران تا مرزهای امپراطوری روم شرقی و سواحل بحرالقرم (دریای سیاه) را شامل می‌شود - جنگ‌های متعددی رخ داده است و هر جنگی الزاماً به معنای وقوع رویدادهای منتهی به ظهور نیست. ضمن

۱. سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۶۸.

۲. مقدسی شافعی، عقد الدرر فی أخبار المتظر، ص ۲۲۶؛ حنبلی، فرائد فوائد الفکر فی الإمام المتظر، ص ۲۸۷.

۳. «ظَهَرَ لِوَلَدِي، رَايَاتُ التُّرِكَ» (نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۵).

اینکه واقعه «نار آذربایجان» را باید در کنار سایر حوادث قبل از ظهور نگریست تا به فهم روشنی دست یافت؛ زیرا نگاه مجزا و مستقل به حوادث کشورهای عصر ظهور، موجب برداشت‌های اشتباه می‌شود. به تعبیر دیگر نشانه‌های ظهور، «قطعه‌های مختلف یک پازل» است که باید در کنار هم به آن‌ها نگریست. بنابراین آتش آذربایجان را باید در ضمن رخداد‌های دیگر نگریست که مهم‌ترین آن، وقوع حوادث «فتنه شام» منتهی به اولین نشانه حتمی (سفیانی) است و آن آتش آذربایجان، قطعه‌ای از «پازل ظهور» است که منجر به تنازع قدرت‌ها و یکی از عوامل جنگ جهانی می‌شود.

بنابراین آنچه از «آینده‌پژوهی مهدوی» مستفاد است، درگیری نظامی در آذربایجان، آتش جنگ و فتنه (نار من آذربایجان) قابل سرایت به سایر کشورها که تلاش‌های بین‌المللی برای توقف آن نیز کارساز نخواهد شد (لَا يَقُومُ هَاشِيَةً) و نیز به دلیل اینکه ترک‌ها از عوامل اصلی دخیل در تخریب آذربایجان هستند،<sup>۱</sup> قطعاً یکی از دلایل اختلاف غربی‌ها با ترک‌ها<sup>۲</sup> در حوادث منطقه آذربایجان خواهد بود و به قرینه اینکه در گزارش جنگ «ولد عباس با جوانان ارمنی و آذری» نیز از کلیدواژه‌های مشترک با جنگ جهانی (قتل آلف آلف، موت احمر و طاعون) استفاده شده است<sup>۳</sup>، بیانگر این است آتش جنگ در منطقه آذربایجان در کنار اختلاف ترک‌ها با رومی‌ها و نیز در کنار حوادث فتنه شام در شرق سوریه

۱. «لِلتُّرْكِ خَرْجَتَانِ: خَرْجَةٌ مِنْهَا خَرَابُ آذَرْبَيْجَانَ وَ خَرْجَةٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجَزِيرَةِ» (ابن طاووس، الملاحم والفتن، ص ۱۹۱).

۲. «يَتَخَالَفُ التُّرْكُ وَالرُّومُ وَ تَكْثُرُ الْحُرُوبُ فِي الْأَرْضِ» (طوسی، الغيبة، ص ۴۶۳).

۳. «حَرْبُ وُلْدِ الْعَبَّاسِ مَعَ فِتْيَانِ أَرْمِينِيَّةٍ وَ آذَرْبَيْجَانَ تِلْكَ حَرْبٌ يُقْتَلُ فِيهَا الْوَفُّ وَ الْوَفُّ كُلُّ يَفِيضُ عَلَى سَيْفٍ مَحَلِّيٍّ تَحْفِقُ عَلَيْهِ رَايَاتُ سُودٍ تِلْكَ حَرْبٌ يَشُوبُهَا (يُسْتَبَشَرُ فِيهَا) الْمَوْتُ الْأَخْمَرُ وَ الطَّاعُونُ» (نعمانی، الغيبة، ص ۱۴۷. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۲۶. حر عاملی، إثبات الهداة، ج ۵، ص ۱۵۴).



(قرقیسیا)، از عوامل شعله‌های شرارت آتش «جنگ جهانی قبل از ظهور»<sup>۱</sup> است.<sup>۲</sup>

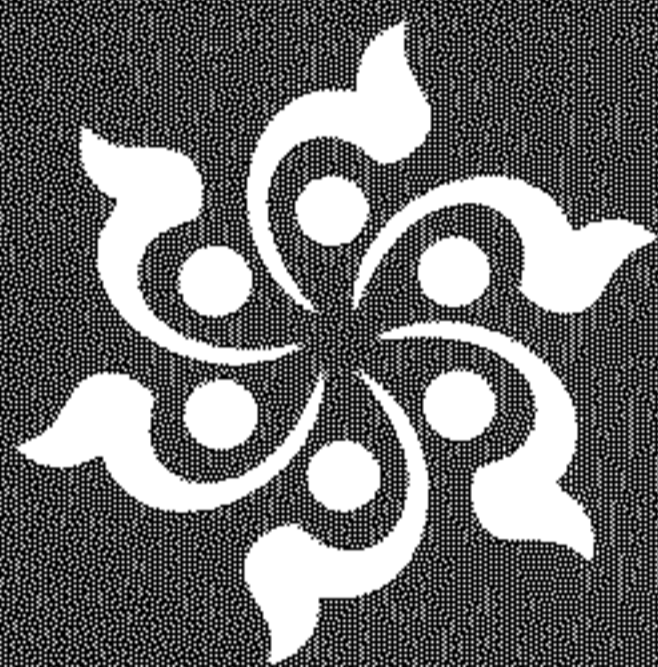
ضمن اینکه آتش آذربایجان در عصر ظهور، طراحی چندبُعدی به منظور عملیات ایدایی، بحران‌سازی و تأثیر منفی بر امنیت مناطق در مرزهای شمالی ایران است؛ بنابراین، استراتژی شیعه و دیپلماسی زمینه‌ساز در برابر مناقشات نظامی دیگر کشورها پیرامون جنگ منطقه آذربایجان (که محدوده جغرافیایی آن از شمال غربی ایران تا قلب قفقاز و تا مرزهای امپراتوری روم شرقی و سواحل بحرالقرم دریای سیاه امتداد داشته است و از اینرو علاوه بر جنگ جمهوری باکو با ارمنستان، تنش نظامی بین روسیه با ناتو و اوکراین را نیز شامل می‌شود) باید مبتنی بر «بی‌طرفی» باشد (فَكُونُوا أَخْلَاسَ يُؤْتِكُمْ).

در عین حال بی‌طرفی در مناقشات نظامی دیگر کشورها بدین معنا نیست که در برابر تهدیدات دشمنان نسبت به مرزهای جغرافیایی مناطق شیعی نیز باید بی‌تفاوت بود. بلکه راهبرد امنیتی، باید اوج «اقتدار نظامی» در دفاع از «کیان شیعه» در برابر تهدیدات دشمنان در جغرافیای ظهور باشد (فَاسْعُوا إِلَيْهِ؛ فَاتَّهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ).

بنابراین در مناقشه منطقه آذربایجان، «جنگ تهاجمی» با سایر کشورها در دکترین نظامی ایران جای ندارد اما «دفاع پیش‌دستانه» در برابر تهدیدات دشمنان نسبت به مرزها و ژئوپلیتیک منطقه بسیار ضروری است.

۱. «قَدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ: مَوْتُ أَحْمَرَ مَوْتُ أَيْضٌ... المَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ وَ المَوْتُ الْأَبْيَضُ القَطَاعُونَ» (صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۵)؛ سند حدیث نیز معتبر است (ری‌شهری، دانشنامه امام مهدی، ج ۷، ص ۲۸۹).

۲. ن.ک: جنگ ولد عباس با ارمنی‌ها و شعله‌های جنگ جهانی.



## کتابنامه

### قرآن کریم

۱. آیتی، نصرت الله، تأملی در نشانه های حتمی ظهور، قم، موسسه آینده روشن، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
۲. آیتی، نصرت الله، «چالش غفلت از آرمان مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ۱۳۹۸ ش.
۳. آیتی، نصرت الله، «تطبیق نشانه های ظهور در گذر تاریخ»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۸، ۱۳۹۵ ش.
۴. ابراهیم برکات، ابراهیم، النحو العربی، قاهره، دارالنشر للجامعات، چاپ اول، بی تا.
۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن اثیر، محمد بن مبارک، النهاية فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
۷. ابن بطریق، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

۸. ابن حمّاد، نعیم بن حمّاد المروزی، الفتن، تحقیق: مجدی بن منصور الشوری، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۲۳ق.
۹. ابن حجر، احمد بن محمد، القول المختصر فی علامات المهدي المنتظر، دمشق، دارالتقوی، چاپ اول، ۱۴۲۸ق.
۱۰. ابن حوقل، محمد بن حوقل، صورة الارض، بیروت، دارالصادر، چاپ دوم، ۱۹۳۸م.
۱۱. ابن داود، حسن بن علی، الرجال، تحقیق: جلال الدین محدث ارموی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۲ش.
۱۲. ابن سعد، ابو عبدالله محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
۱۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، چاپ اول، ۱۳۷۹ق.
۱۴. اشعری قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، تحقیق: محمدرضا انصاری، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۱۵. ابن طاووس، علی بن موسی، الملاحم والفتن، قم، مؤسسة صاحب الامر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۶. ابن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت، عالم الكتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۷. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين، تحقیق: عبدالرزاق حرزالدین، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۱۸. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۹. ابن فریغون، حدود العالم، قاهره، دارالثقافیه للنشر، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

۲۰. ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، تحقیق: یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۲۱. ابن قتیبه دینوری، احمد بن داود، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.
۲۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف، دارالمرتضویة، چاپ اول، ۱۳۵۶ش.
۲۳. ابن کثیر، اسماعیل بن محمد، النهایة فی الفتن والملاحم، تحقیق: محمد أحمد عبدالعزیز، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۰۸ق.
۲۴. ابن مزاحم، نصر، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمد هاورن، قم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۲۶. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، مغنی اللیب، مکتبة آية الله المرعشی النجفی، چاپ چهارم، ۱۴۱۰ق.
۲۷. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، تقویم البلدان، قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة، چاپ اول، ۲۰۰۷م.
۲۸. احمدوند، شجاع، «آخر الزمان در نگاه مکتب صهیونیسم مسیحی»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۴، ۱۳۸۹ش.
۲۹. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۳۰. اصطخری، ابراهیم بن محمد، مسالك الممالک ط لیدن، تحقیق: احمد بن سهل ابوزید، بیروت، دارالصادر، چاپ اول، ۱۹۲۷م.
۳۱. اکبرنژاد، مهدی، بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه و اهل سنت، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۸ش.

۳۲. الوان‌ساز خویی، محمد، تاریخ تحلیلی تشیع در آذربایجان، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۹۵ ش.
۳۳. الوان‌ساز خویی، محمد، گلشن ابرار آذربایجان، قم، پژوهشکده باقرالعلوم، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
۳۴. الهی‌نژاد، حسین، «مهدویت و فرجام تنازع حق و باطل»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۳۹، ۱۳۹۱ ش.
۳۵. الهی‌نژاد، حسین، «نمادگرایی در نشانه‌های ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۸، ۱۳۹۵ ش.
۳۶. امیری، مصطفی، «بررسی و تحلیل حوادث فتنه شام سوریه قبل از ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ۱۳۹۸ ش.
۳۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، تفسیر البرهان، تهران، موسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
۳۸. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: وزارة الاوقاف مصر، قاهره، المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۳۹. بخشی، سعید، «مواجهه امام زمان با قوم یهود در عصر ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۲، ۱۳۹۶ ش.
۴۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۴۱. بروجردی، حسین، جامع احادیث الشیعة، تهران، فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۴۲. بروسوی، محمد بن علی، أوضح المسالك إلى معرفة البلدان، تحقیق: مهدی عبدالرواضیة، بیروت، دارالغرب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
۴۳. پورسیدآقایی، مسعود، «زمینه‌سازی ظهور»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۰، ۱۳۸۸ ش.

۴۴. پورسیدآقایی، مسعود، «چالش‌های روایی تشکیل حکومت در عصر غیبت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ۱۳۹۸ ش.
۴۵. پورعزت، علی اصغر، «سنت پژوهی رویکردی نوین به آینده پژوهی مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۴، ۱۳۹۶ ش.
۴۶. پیشوایی، مهدی، تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
۴۷. ثعالبی، عبدالملک بن محمد، فقه اللغة، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۴۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ق.
۴۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، إثبات الهداة، بیروت، اعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۵۰. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، قم، موسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۵۱. حسینی میلانی، علی، عصمت از منظر فریقین، قم، مرکز حقایق اسلامیة، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
۵۲. حلی، حسن بن سلیمان، مختصر البصائر، تحقیق: مشتاق المظفر، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۵۳. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دارالصادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م.
۵۴. حنبلی، مرعی بن یوسف، فرائد فوائد الفکر فی الإمام المهدی المنتظر، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۷ ق.
۵۵. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، مشهد، نورالکتاب، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
۵۶. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، تحقیق: عبداللطیف حسین کوه‌کمری، قم، بیدار، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.

۵۷. خزر جی، ابودلف مسعربن مهلهل، الرسالة الثانية لأبي دلف، تحقیق: انس خالدوف، قاهره، عالم الکتب، چاپ اول، بی تا.
۵۸. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ ش.
۵۹. دانی، عثمان بن سعید، السنن الواردة فی الفتن، تحقیق: ضاء الله بن محمد المبارکفوری، ریاض، دارالعاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۶۰. الدقر، عبدالغنی، معجم القواعد العربية فی النحو والتصريف، قم، الحمید، چاپ اول، بی تا.
۶۱. دوانی، علی، مهدی موعود، تهران، اسلامی، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸ ش.
۶۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۶۳. ربیعی، عبدالهادی، سلسله القبائل العربیه، تحقیق: علی کورانی، قم، دارالهدی، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
۶۴. رستمی، حیدرعلی، بررسی توصیفی تحلیلی کتاب الغیة شیخ طوسی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۹۲ ش.
۶۵. ری شهری، محمد، دانشنامه امام مهدی، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
۶۶. ری شهری، محمد، شناخت نامه حدیث، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۹۷ ش.
۶۷. ری شهری، محمد، شهادت نامه امام حسین، قم، دارالحديث، چاپ دوم، ۱۳۹۲ ش.
۶۸. سعیدی، احمد، اوصاف المهدی، قم، مسجد جمکران، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۶۹. سلیمان، کامل، يوم الخلاص فی ظل القائم المهدی، قم، دارالمجتبی، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
۷۰. سلیمانی، جواد، «بررسی آیات غلبه حق بر باطل از منظر علامه طباطبایی»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۰، ۱۳۹۶ ش.



۷۱. السماوی، محمد بن طاهر، إِبصار العین فی أنصار الحسین، تحقیق: محمد جعفر طبسی، قم، مرکز الدراسات الإسلامية لحرس الثورة، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۷۲. سیوطی، جلال الدین، العرف الوردی فی أخبار المهدي، تهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۷۳. شاهمرادی، مسعود، «فرهنگ انتظار در تاریخ اجتماعی تشیع آذربایجان»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۳۶، ۱۳۹۴ش.
۷۴. شیروودی، مرتضی، «مسیحیت انجیلی تشیع ایرانی و آینده بشر»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱، ۱۳۸۵ش.
۷۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۷۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، قم، داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۷۷. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۷۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۵۹ش.
۷۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۸۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۸۱. صمدی، قنبر علی، آخرین منجی، تهران، تهران، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۸۲. ضابط، حیدر رضا، «احداث معبد بزرگ در بیت المقدس»، ماهنامه موعود، ش ۴۸، ۱۳۸۳ش.

۸۳. طاهری نیا، علی باقر، «نشانه شناسی واژه النار در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات متون ادبی اسلامی، ش ۵، ۱۳۹۶ ش.
۸۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۸۵. طباطبایی امین، فاطمه سادات، «ارتباط سوره اسراء با مهدویت و نقد و بررسی آراء مفسران فریقین»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۵۰، ۱۳۹۸ ش.
۸۶. طبسی، نجم الدین، فی رحاب حکومت الإمام المهدی، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۵ ق.
۸۷. طبسی، نجم الدین، نشانه هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۸۸. طبرسی، فضل بن الحسن، تفسیر مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۸۹. طبری، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، تهران، موسسه البعثة، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۹۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۹۱. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۹۲. طوسی، محمد بن الحسن، الرجال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
۹۳. طوسی، محمد بن الحسن، العدة فی اصول الفقه، تحقیق: محمدرضا انصاری قمی، قم، تیزهوش، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۹۴. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة، تحقیق: عبادالله طهرانی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، چاپ سوم، ۱۴۲۵ ق.
۹۵. طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، مکتبه المحقق الطباطبایی، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

۹۶. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتعجل، بیروت، مؤسسة فقه الشيعة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۹۷. عاملی نباطی، علی من محمد، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم، تحقیق: میخائیل رمضان، نجف، المكتبة الحيدرية، چاپ اول، ۱۳۸۴ق.
۹۸. العقیلى، ناظم، پژوهشى در شخصیت یمانى موعود، نجف، انصار امام مهدى، چاپ اول، ۱۴۳۴ق.
۹۹. على الصغير، جلال الدين، علامات الظهور بحث فى فقه الدلالة والسلوك، بیروت، دارالاعراف للدراسات، چاپ اول، ۱۴۳۳ق.
۱۰۰. عیاشى، محمد بن مسعود، التفسیر، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۱۰۱. غلامعلی، مهدى، سندشناسی، قم، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۱۰۲. فتلاوى، مهدى حمد، رايات الهدى والضلال فى عصر الظهور، بیروت، دارالوسيلة، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۰۳. فراهیدى، خليل بن احمد، العين، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۰۴. فیض کاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى، نوادر الأخبار، تحقیق: مهدى انصارى قمى، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگى، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.
۱۰۵. فیومى، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۰۶. قبانچى، محمد، موجز دائرة معارف الغيبة، نجف، مرکز دراسات التخصصية فى الإمام المهدى، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۱۰۷. قربانى، سعید، «تاملات آینده پژوهانه در آرمانشهر مهدوى»، فصلنامه آینده پژوهى ایران، ش ۱، ۱۳۹۵ش.
۱۰۸. قزوینى، زکریا بن محمد، آثار البلاد، بیروت، دارالصادر، چاپ اول، ۱۹۹۸م.

۱۰۹. قمی، عباس، سفینه البحار، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ش.
۱۱۱. کارگر، رحیم، «مهدویت و فرجام ستیزش حق و باطل»، فصلنامه انتظار موعود، ش ۱۹، ۱۳۸۵ش.
۱۱۲. کشی، محمد بن عمر، الرجال، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۱۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه: عباس جلالی، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۸۲ش.
۱۱۵. کورانی، علی، عصر الظهور، قم، دار الهدی، چاپ دوازدهم، ۱۴۳۰ق.
۱۱۶. کورانی، علی، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی، ترجمه: حسین نائینی، قم، معروف، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
۱۱۷. کورانی، علی، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، قم، دارالمعروف، چاپ ششم، ۱۴۳۶ق.
۱۱۸. گلپایگانی، ابوالفضل، الفرائد، هوفهایم، آلمان، چاپ اول، ۲۰۱۵م.
۱۱۹. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، البیان فی أخبار صاحب الزمان، تهران، دار احیاء تراث أهل البيت، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۱۲۰. مازندرانی، محمد بن اسماعیل، منتهی المقال فی احوال الرجال، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۱۲۱. مافی، هادی سلیمان، «نقش ایرانیان در عصر ظهور»، فصلنامه پژوهش های مهدوی، ش ۲۵، ۱۳۹۷ش.

۱۲۲. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۲۳. متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، تصحیح: صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق.
۱۲۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۲۵. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۲۶. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، تحقیق: علی پناه اشتهاردی، قم، موسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۱۲۷. مدنی، علی خان بن احمد، الطراز الأول، مشهد، مؤسسة آل البيت، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۲۸. مرتضی عاملی، جعفر، مختصر مفید، بیروت، المركز الاسلامی للدراسات، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۲۹. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۳۰. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۳۱. مفید، محمد بن محمد، النکت الإعتقادیة، تحقیق: رضا مختاری، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
۱۳۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی أخبار المتظر، قم، مسجد جمکران، چاپ سوم، ۱۴۲۸ق.
۱۳۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۷ش.

۱۳۴. مودب، رضا، «واکاوی تفسیری آیات سوره اسراء درباره فساد بنی اسرائیل»، فصلنامه مطالعات تفسیری، ش ۳۴، ۱۳۹۷ ش.
۱۳۵. مهدی پور، علی اکبر، روزگار رهایی، تهران، آفاق، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ ش.
۱۳۶. میرباقری، محمد حسین، موسوعة الإمام المنتظر، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.
۱۳۷. نادری، مرتضی، «اعتبار و تداول کتاب الغیبة نعمانی»، فصلنامه سفینه، ش ۳۷، ۱۳۹۱ ش.
۱۳۸. نجاشی، احمد بن علی، الرجال، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، چاپ ششم، ۱۳۶۵ ش.
۱۳۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق.
۱۴۰. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۴۱. النیسابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دارالحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۴۲. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، سرور أهل الإیمان فی علامات الظهور، تحقیق: قیس عطار، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۱۴۳. هاشمی، احمد، جواهر البلاغة، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۸۱ ش.
۱۴۴. هال سل، گریس، تدارک جنگ بزرگ، ترجمه: خسرو اسدی، تهران، رسا، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۴۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق، البلدان، تحقیق: محمد امین ضناوی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

146. <https://b2n.ir/d83338>
147. <http://mshrgh.ir/1020834>
148. <http://rajanews.com/node/331858>
149. <http://mshrgh.ir/1040587>
150. <http://rajanews.com/node/334458>
151. <http://www.sh-alsagheer.com/post/4209>
152. [http://www.youtube.com/watch?v=Y\\_3f3PEo4ao](http://www.youtube.com/watch?v=Y_3f3PEo4ao)
153. <http://mshrgh.ir/1075156>
154. <http://rajanews.com/node/336847>
155. <http://rajanews.com/node/315059>